

# وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی  
آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه

بنشینجی ایل صایی ۱۰۹۹ (آردیجیل صایی ۵۵ و ۵۶)  
سال پنجم شماره ۱۰۹۹ (شماره مسلسل ۵۵ و ۵۶)

آذر و دی ۱۳۶۲

(شماره امتیاز ۷۵۳۸)

این مجله بهیچ حزب و گروهی بستگی ندارد

## VARLIQ

Monthly  
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL  
5t Year No. 9,10 (Serial No 55,56  
DEC, JAN 1984

Address Veli-ASR Ave. Bidi Str. No. 17  
Tehran, Iran

قیمت ۱۵۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

## ایچینده کیلر

(فهرست)

- ۱- اغوزها : بقلم دکتر جواد هیئت ۱
- ۲- آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش (۳۴) : دوکتور جواد هیئت ۱۲
- ۳- فردوسی شهنامه سیله نظامی اسکندرنامه سینین ادبی علاقه لری حقیقنده :  
پرفسور غ بیگدلی ۲۳
- ۴- حضرت محمد (ص) ین اؤگودلری : ج . هیئت . ۳۵
- ۵- بیرنچه سۆز ۳۶
- ۶- آنادیلیمیز و ملی وار لیغیمیز اوغروندا خاطرهلر (۵) : م . ع . فرزانه ۳۷
- ۷- آذربایجان شعر و ادبیاتی ایله تانیس اولاق (۴) : ت پیر هاشمی ۴۸
- ۸- قوتاد غوبیللیگ یا علم سعادت : بقلم دکتر جواد هیئت ۵۸
- ۹- سالدی : سؤنمز ۶۷
- ۱۰- ممتاز امتیاز : محمد رضا روحانی ۶۸
- ۱۱- باهار بایرامی پونماسیندان بیرپارچا : ح . م . ساوالان ۶۹
- ۲۲- مسلمانی تاپمیشام : ح . سید نقوی (حامد) ۷۱
- ۱۳- دامان تنهانی » ۷۱
- ۱۴- بیرینجی درس (سلسلی حرفلر باره سینده : منظوری خامنه‌ای ۷۳
- ۱۵- گلن مکتوبلار ۷۷
- ۱۶- دیلیم : آد سیز ۸۲
- ۱۷- حاجی رضا صراف تبریزی : ع . محسنی ۸۳
- ۱۸- ترکمن مختومقلی و ترکمن تلیم : علی کمالی ۸۷
- ۱۹- قیز مکتبنده : حسین جاوید . ۹۶

## اُغوزها

\*\*\*\*\*

### پیشگفتار

تاکنون دربارهٔ اُغوزها کتاب و حتی مقاله‌های تحقیقی به فارسی نوشته نشده است و اگر هم نوشته شده باشد به نظر نگارنده نرسیده است ( در این گفتار کتابهایی مانند جامع التواریخ رشیدی و تاریخ جهانگشای جوینی و امثال آنها که قرن‌ها قبل نوشته شده مورد نظرمانی باشد) در نیم قرن اخیر هرچه در مدرسه و خارج از آن خوانده و یا شنیده‌ایم جز مثنوی سخنان مغرضانه نبوده و بیش از تاریخ به فحش و ناسزاگوئی شبیه بوده است. نگارنده بعد از مطالعهٔ تاریخ ترکان از منابع مختلف به زبانهأ فارسی، ترکی، فرانسه و انگلیسی یادداشتهای اخیر را دربارهٔ ترکان اُغوز تهیه نموده و تصمیم گرفتم به صورت چندمقاله در مجلهٔ «ارلیق» منتشر سازم. هرچه در این مقالات آمده مستند به منابع تاریخی معتبری است که فهرست مهمترین آنها در آخر مقاله‌ی آخر داده خواهد شد. چنانچه خوا- نندگان محترم اطلاعات بیشتری خواسته باشند و یا مشکلی برای برخی از مطالب پیش‌آید ممکن است به منابع فوق‌الذکر مراجعه نمایند و اگر نظری دربارهٔ هر یک از مقالات و یا موضوعات داشته باشند می‌توانند برای اینجانب مرقوم فرمایند تا در حدود توانائی در مقام رفع اشکال و پاسخگوئی برآیم.

منظور نگارنده از این یادداشتهای تألیف تاریخ اُغوزها نبوده بلکه دادن اطلاعاتی است که دانستن آنها برای خوانندگان عزیز مفید و شاید هم برای برخی لازم بنظر می‌رسد.

## اُغوزها

### ﴿ مقدمه ﴾

اُغوزها که در منابع اسلامی غُر نامیده شده و از قرن یازدهم بعد بانام ترکمن معروف شده‌اند اجداد ترک زبانان ایران، آذربایجان، ترکیه، عراق و ترکمنستان را تشکیل می‌دهند.

خاندانهای سلاجقه و عثمانی نیز اغوز بودند با این ترتیب اغوزها یکی از اقوام ترک می باشند که در تاریخ جهان بخصوص در عالم اسلام نقش مهمی را ایفا نموده اند.

بنا بر آنچه در تاریخ نوشته شده مقرر اولیه ترککان سواحل رود یتی سئی ( *YENISEI* ) و نواحی مجاور آن یعنی تووا و آباقان بوده است ( شمال مغولستان و جنوب سبیری ) .

در قرن ششم میلادی فقط یکی از اقوام ترک زبان ترک نامیده می شد . افراد این قوم در سال ۵۵۲ م جوان - جوان های مغول ( آوارها ) را مغلوب کردند و امپراطوری گوگ تورک را که پهنای آن از سد چین تا دریای خزر بود تشکیل دادند و تمام اقوام ترک زبان را تحت اداره خود در آوردند . این حادثه سبب شد که در خاور نزدیک همه این اقوام ترک زبان را ترک نامیدند . بعد از پذیرفتن اسلام نیز اقوام ترک زبان از طرف مسلمانان ترک نامیده شدند . اغوزها نیز بعد از آنکه اسلام آوردند از طرف جامعه اسلامی ترکمن و ترک نامیده شدند .

در امپراطوری گوگ تورک اغوزها در سواحل رود تولا ( شمال مغولستان ) بوده و از ۹ قبیله تشکیل شده بودند و دوققوز اوغوز یا نه اغوز نامیده می شدند و پس از گوگ تورکها دومین قوم امپراطوری را تشکیل می دادند . این اغوزها در زمان اویغورها یعنی اخلاف گوگ تورکها نیز همین موقعیت را داشتند ولی بعداً چه شدند بطور قطع معلوم نیست . بنظر می رسد اغوز - های که در قرن دهم در سواحل سیحون بودند و مورد بحث ما در این مقالات است از اولاد اغوزهای قسمت غربی امپراطوری گوگ تورک یعنی اولاد اون اوقها ( ده تیره ) باشند .

اغوزهای ناحیه سیحون در تاریخ نقش بسیار مهمی را بازی کردند . امپراطوری سلجوقی و عثمانی را آنها تشکیل دادند و برخلاف سایر ترککان اصالت خود را حفظ کردند و در حال حاضر ترککان غرب را تشکیل می دهند . در صورتیکه سایر ترککان مانند اویغورها ، قارلوقها ، قبیچاقها و دیگر ترککان با سایر اقوام مانند مغولها مخلوط شدند و اقوام جدیدی را به وجود آوردند که زبانشان ترکی است و نسبشان با مغولان مخلوط است مانند اغوزیکها ، قازاقها ، قاراقالپاقها و ترککان سواحل رود ولگا و تاحدودی ترکمنان امروز .

دین اسلام از قرن دهم بوسیله مناسبات تجارتنی در میان ترککان سیحون اشاعه یافت و در قرن یازدهم میلادی انبوه آنها به دین اسلام

مهریدند. مسلمانان به اغوزهای مسلمان سرکسی گفتند و در قرن هجدهم میلادی از  
 قرن ۶۳ بعد از این کلمه جای اوغوز را گرفت و نام اغوزها فقط در استانها ماند.  
 در سال ۱۰۳۵ ( ۴۲۶ هـ ق ) قسمتی از اغوزها با ۲۰ - ۱۵ هزار سپاه  
 به خراسان آمدند. در آن موقع این منطقه تحت اداره ترکان غوثوی بود.  
 در راس این اغوزها خاندان سلجوق بود که بعد از پنجسال جنگ و جدال  
 بالاخره به این منطقه حاکم شدند و غزنویان را شکست دادند. غزنویان  
 از قبیله قارلوق بودند و در ارتش آنها غیر از قارلوقها خلجها و  
 افغانها نیز شرکت داشتند. در راس اغوزهای مهاجم دو برادر چاغری  
 بیگ و طغرل بیگ نوه های سلجوق بودند. و در مدت کوتاهی حدود فرمانروا -  
 ئی آل سلجوق تا امپراطوری بیزانس پیشرفت. البته در پیشرفت آنان  
 مهاجرت های پی در پی اغوزهای سیحون به طرف ایران و غرب نقش مهمی  
 داشت .

بعد از آمدن ترکان اغوز و تشکیل دولت سلجوقی وضع دولت اسلامی  
 دگرگون شد. ترکان در برابر حملات بیزانسیها نه تنها مقاومت کردند بلکه  
 به آنها تاختند و خطر یورشهای آنها را از بین بردند و عالم اسلام را از  
 خطر بیزانسیها نجات دادند. بعلاوه آسیای صغیر را از آنها گرفتند و بر  
 خود وطن اسلامی ساختند .

در سال ۱۰۷۱ ( ۴۶۳ هـ ق ) آلپ ارسلان در مالازگرد بیزانسیها را شکست  
 داد و دروازه آنها طولی را برای سپاهیان سلجوقی باز نمود بطوریکه در  
 مدت ۱۰ - ۸ سال سرتاسر آنها طولی مسخر سلجوقیان شد .

در نیمه اول قرن سیزدهم میلادی در موقع هجوم مغولان نیز ترکان  
 اغوز برای فرار از مقابله با مغولان به طرف غرب مهاجرت کردند. در نتیجه  
 مهاجرت های ترکان اغوز که در قرن یازدهم شروع و تا آخر قرن ۱۳ ادامه  
 داشت کشور آسیای صغیر و یا آنها طولی از ترکان پرشد به طوریکه سیاحان  
 مختلف که در قرن ۱۴ میلادی از این کشور دیدن کرده اند آنها را کشور  
 ترکان نامیده اند .

در قرن ۱۵ میلادی ایل ترکان قره قویونلو از ترکیه به ایران آمدند  
 و حکومت قره قویونلو را تشکیل دادند. در اواخر همین قرن ترکان آق قو -  
 یونلو به سرکردگی او زون حسن از آنها طولی ( دیار بکر ) به ایران آمدند  
 و حکومت قره قویونلورا منقرض و خودشان حکومت آق قویونلورا تشکیل  
 دادند .

بعد از چند سال انبوهی از ایلات شیعه قزلباش آناطولی همراه شاه اسماعیل از ارزنجان به آذربایجان آمدند و سلسله صفوی را تاسیس نمودند. سلاجقه بعد از ملکشاه به دو قسمت شدند، سلاجقه ایران و سلاجقه روم و یا غربی. قدرت سلاجقه غربی در سال ۱۲۴۰ به حد اعلی رسید و تا نزدیکی استانبول پیشرفتند. دولت طرابزون و ایوبی های حلب نیز تابع آنها بودند. سلاجقه جمعا ۲۳۰ سال در آناطولی حکومت کردند از این مدت یک قرن مشغول فتوحات بودند و ۵۰ سال هم زیر سلطه مغول بودند. ترکی ادبی توسط تحصیل کرده های مدرسه های قدیم که در زمان سلاجقه تاسیس شده بود تشکیل شد.

بتدریج ترکان اغوز که به آناطولی رفته بودند در دهات تخته قاپو شدند. از این ببعده آنها ترک و به ترکان کوچ نشین ترکمن گفته شد. ترکان سلجوقی مانند عثمانیها آرتش را از غلامان تشکیل می دادند سپاه ویژه (خاصه اردو) آنها از ممالیک تشکیل می شد. با این ترتیب ارتباط دولت با ایلات ترک مانند سابق نبود و ایلات و ترکان دهاتی مورد توجه نبودند در حالیکه طبقه مالیات دهنده (رعیت) را تشکیل می دادند. در زمان ایلخانیان در ایران شعور قومی ترکان قوت گرفت و آثاری مانند جامع التواریخ و اغوزنامه نوشته شد. این آثار در ترکان غربی هم تاثیر نمود و در آنها هم شعور قومی - ملی را تقویت نمود. دوران خانخانی (بیگلربیگی) در آناطولی بین دوره سلجوقی و عثمانی بود. در این دوره قسمتهائی از آناطولی که قبلا فتح نشده بود به دست ترکان افتاد و زبان ترکی جانشین زبان رسمی فارسی گردید و شعور قومی تقویت شد.

خانواده عثمانی هم اغوز بودند و بعد از بدست گرفتن قدرت در آناطولی از بوسرا تا بغاز یعنی تمام سواحل دریای مرمره را فتح کردند. در قرن ۱۶ جمعیت آناطولی در حدود ۵ - ۴ میلیون بود. مهاجرت از آناطولی به ایران بعد از استقرار حکومت صفویه نیز ادامه یافت و در نتیجه عنصر اغوز در میان ترکان آذربایجان حاکم شد.

در نتیجه فتوحات عثمانی در بالکان بوشناقها، آرنای و وودها و گروهی از بلغارها بنام بوماق مسلمان شدند.

قسمتی از ترکان اغوز هم بعد از فتح شمال آفریقا برای اداره آنجا فرستاده شدند و در آنجا ماندند.

در اواخر قرن ۱۶ و قرن ۱۷ با شورشهای جلالی ها منطقه آناتولی

خراب و مردم فقیر شدند و سیستم سابق حکومتی نیز از هم پاشیده شد. آن بعد دولت عثمانی رو بضعف رفت و مردم از دولت جدا شدند و به طبقه حاکمه عثمانی می گفتند .

در ایران بعد از مغربه افشارها روی کار آمدند بعد از آنها کریمخان زند و پس از او قاجاریه سلطنت کردند. افشارها و قاجاریه نیز ترک زبان و از اولاد اغوز بودند. با این ترتیب اغوزها نزدیک یک هزار سال در ایران حکومت کردند و ضمناً ترویج اسلام و مذهب شیعه، زبان و ادبیات فارسی را زبان رسمی دولت قرار دادند و در اشاعه و تکامل آن کوشیدند. با این ترتیب اهمیت اغوزها در تاریخ ایران و منطقه خاور میانه روشن و آشکار می گردد .

در این رساله که طی چند مقاله در مجله وارلیق چاپ خواهد شد .

ضمن دادن اطلاعات تاریخی مختصری هم از تشکیلات قومی و قبیلہ ای و آداب و رسوم آنان شرح داده خواهد شد .

### \* اغوزها \*

درباره منشأ کلمه اغوز عقاید مختلف است. به نظر تورکولوژیست بزرگ مجار نمت ( NEMET ) کلمه اغوز از ( اوق + اوز ) تشکیل شده و " اوق " به معنی تیر یعنی قبیلہ و " اوز " هم علامت جمع ترکی است بنابراین اغوز بمعنی قبیلہ ها می باشد .

از قدیم ایل اغوز به دوشاخه بوز اوق ( تیر یا نیزه خاکستری ) و اوج اوق ( سه تیر و یا نیزه ) تقسیم شده بود. در اینجا هم تیر بمعنی قبیلہ آمده است .

در منابع چینی قدیمی ترین دولت از تبار ترک هیونگ نو یا هون ها معرفی شده است. ترکان گوگ تورک ( گوی تورک )، اویغور و قیرقیز نیز احفاد آنها محسوب شده اند .

در اواخر قرن سوم قبل از میلاد هون ها امپراطوری بزرگی تشکیل دادند. هون بمعنی " انسان " و ترک بمعنی " زائیده و تولید مثل کننده و قوت " آمده است .

در سال ۲۰۹ قبل از میلاد فرمانروای هونها مته ( ماشوتو ) فرزند تومان بود. مته خان با پدرش اختلاف شدید پیدا کرد و در جنگ بین آنها پدرش کشته شد و مته خان فرمانروای امپراطوری هون شد. در تاریخ افسانه ای

اغوزها جد اعلاى آنها اغوزخان همان مته خان است. دراينجا نيز اغوزخان بعلت اينكه دين حق ( اسلام ) را پذيرفته بود پدرش قاراخان ميخواست اورا بکشد ولي درحنگ با اغوزخان پدرش کشته شد. ديوار سدچين که از ۷۵ كيلومترى غرب پکن مي گذرد در برابر خطر هونها کشيده شده است.

درسال ۱۵۵ ميلادى در منطقه اورخون سيبين پى ها جاى هون ها را گرفتند. بعدها حوان - جوانها که از مغولان بودند بجای آنها حاکم شدند تا اينکه درسال ۵۵۲ ميلادى امپراطورى بزرگترين امپراطورى بود که تا آنزمان در آسيای مبانہ تشکیل شده بود واز منچورى تا جيحون ادامه داشت. قديم - ترين آثار ادبى ترکى مربوط به اين دوران است. اين آثار مربوط به سنگ نوشته هاى مزار پادشاهان و سرکردگان ترک است که در آنها اولين بار نام اغوز ذکر شده است. اين کتيبه ها دو دسته اند :

۱ - کتيبه هاى يئنى سئى ( *YENISEI* ) که مربوط به قرن ۷ - ۶ ميلادى است و در کنار رود يئنى سئى پيدا شده. (شمال مغولستان) و چهار عدد است.

۲ - کتيبه هاى اورخون که در کنار رود اورخون (شمال مغولستان) بوده و مربوط به قرن هشتم ميلادى است و مهمترين آنها ۶ کتيبه است.

از آنچه از يکى از کتيبه هاى يئنى سئى ( کتيبهء بارليق يئى وارليق ) برمى آيد اغوزها در اين تاريخ از شش قبيله تشکیل شده بودند. کتيبه بارليق يا وارليق متعلق به خان ( بيگ ) اغوزها به نام اوژيگن آلپ توران بوده که درسن ۱۳ سالگى فوت نموده است.

کتيبه هاى اورخون مربوط به دومين حکومت گؤگ تورک مى باشد و متعلق به قرن هشتم ميلادى است. در اين کتيبه ها نام ترک به تمام اقوامى که ترکى صحبت مى کنند اطلاق نشده، بلکه اشاره به قومى است که به اين نام ناميده شده و حکومت را در دست داشته است.

در موقع تشکیل حکومت دوم گؤگ تورک به وسيلهء قوتلوق مرکز حکومت - شان ناحيهء اوتوکن مجاور رود اورخون بود. دراين موقع فرمانرواى اغوزها بازکاغان ويا بازخاقان بود و اغوزها از ۹ قبيله تشکیل شده بودند و تابع گؤگ تورکها بودند و در حکومت آنها هم شرکت داشتند ولى هرگز اوضاع خود و تابعيت گؤگ تورکها را ضى نبودند و بارها با آنها جنگ کردند.



دولت گؤگ تورک در سال ۷۴۴ بـه وسیلهٔ او یغورها منقرض شد. در زمان حکومت او یغورها نیز اغوزها دومین عنصر دولت را تشکیل میدادند او یغورها از ده قبیله تشکیل شده بودند و اقوام ختائی و تاتار هم که از مغولان بودند جزو دولت او یغور بودند.

ختائی ها در قرن دهم به چین حاکم شدند و بعد از مدتی از چین رانده شدند و در قرن ۱۲ در ترکستان امپراطوری نیرومند قارا ختائی را تشکیل دادند.

تاتارها در شرق اغوزها و همسایه آنها بودند و اغلب اوقات به اتفاق آنها شورش می کردند. تا ظهور استیلای مغول نام تاتار از طرف ترکان و چینی ها به همه اقوامی اطلاق می شد که زبان شان مغولی بود.

قارلیق ها هم که از اقوام ترک بودند جزو حکومت گؤگ تورک بوده و در قسمت شرقی اغوزها بودند. قارلوق ها بعد از انقراض دولت گؤگ تورک هم نقش مهمی در این منطقه بازی کردند. غزنویان از ایل قارلوق بودند و دولت شان غیر از قارلوق به ایل خلج هم متکی بود.

قیرقیزها در زمان گؤگ تورکها در ناحیهٔ آباقان (شمال اورخون و جنوب سیبری) زندگی می کردند. در قرن نهم شورش کردند و حکومت او یغور را برانداختند و خود جانشین آنها شدند (۸۴۰) ولی چون فرهنگشان پائین بود در تاریخ ترکان نقش منفی داشتند. در قرن دهم در برابر هجوم قارا-ختائیان (۹۲۰) نتوانستند مقاومت کنند لذا به محل سابق خود رفتند.

بعد از تشکیل دولت گؤگ تورک (۵۵۲) بومن خاقان برادرش ایستمی خان را برای فتح نواحی غرب ما مور کرد و ده بیگ را همراه قبیله های شان بهمراه او فرستاد. ایستمی خان تارود جیحون پیش رفت و با عنوان یا بغو حکومت غرب را اداره می کرد و در عین حال تابع بومن خاقان بود که در اوتوکن مستقر بود. خلف ایستمی خان، تاردو، در سال ۵۸۲ اعلام استقلال نمود و بخود لقب خاقان داد. با این ترتیب امپراطوری گؤگ تورک به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شد.

مرکز زمستانی یعنی قشلاق امپراطوری غربی تالاس (در جنوب قازاق-ستان کنونی) و سواحل ایسیق گول (در شمال قیرقیزستان کنونی) بود. دو امپراطوری شرق و غرب گاهگاهی با هم در کشمکش و نزاع بودند و چون به تنهایی نمی توانستند در برابر چین مقاومت کنند بعد از مدتی به حکم اجبار تابع چین شدند و یا از بین رفتند. دولت شرقی در سال ۶۳۰ سقوط

کرد. دولت غربی هم از ۶۵۷ بعد خاقان نشان مقتول و مستعمره<sup>۶</sup> چین شدند. در سال ۷۱۶ صولو از شاخه تورگیش اون اوق ها حکومت قسمت غربی را بدست گرفت و ضمن وصلت با خاقان دولت شرقی جدید (بیلگه خاقان) اتحاد بست. صولو در برابر چین و اعراب مقاومت نمود. بعدا بوسیله باغاطرخان کشته شد و قسمت غربی مجددا تحت حاکمیت چین درآمد. اساس دولت و مردم قسمت غربی را اون اوق ها تشکیل می دادند که بنظر می رسد اجداد اغوز- های اطراف رود سیحون بوده باشند.

در سال ۶۸۵ قوتلوق امپراطوری جدید گؤگ تورک را تشکیل داد و لقب ایلتریش (یعنی جمع کننده ملت) گرفت. قوتلوق ابتدا در ناحیه قارا - قوم بود بعدها با اغوزها (بسرکردگی با خاقان) که در ناحیه رود تولا بودند جنگید و آنها را شکست داد و ناحیه اوتوکن را گرفت و مرکز قرار داد و اغوزها را هم تابع خود گردانید (۶۸۲).

قوتلوق بعد از گرفتن اوتوکن به توصیه وزیرش بیلگه تونیوق به چین حمله کرد و ۲۳ شهر را از آنها گرفت. در این زمان هم اغوزها دومین تکیه گاه دولت را تشکیل می دادند. قوتلوق ایلتریش در سال ۶۹۱ مرد و به جایش برادرش قاپقان نشست در زمان قاپقان هم امپراطوری گؤگ تورک توسعه یافت. در سال ۷۱۶ قاپقان کشته شد و بعد پسر بزرگش بیلگه خاقان بتخت نشست، پسر کوچکترش کول تکین هم فرمانده آرتش شد.

در سال ۷۳۲ کول تکین فوت نمود. او در استقرار حکومت برادرش نقش مهمی داشت و در سال ۷۳۴ هم بیلگه خاقان مرد.

در سال ۷۴۴ او یغورها شورش کردند و با کمک قارلوق ها حکومت را به دست گرفتند و به حکومت گؤگ تورک پایان دادند.

در زمان امپراطوری گؤگ تورک تمام اقوام ترک زبان تحت یک نظام و اداره یک حکومت بودند. نام ترک هم از نام این قوم به میان آمده و بعدها شامل همه ترک زبانان شده است. دوران حکومت آنها از نظر فرهنگ و ادبیات ترک نیز بسیار مهم است. در زمان گؤگ تورک ها ترکان برای اولین بار صاحب الفبای ملی شدند که به الفبای گؤگ تورک ویا اورخون معروف است.

قدیمترین اسناد به زبان ترکی ادبی از این دوره باقی مانده است. سنگ نوشته های یعنی سنی اگرچه قدیمی سراسر ولی از لحاظ ادبی و سیاسی قابل مقایسه با سنگ نوشته های اورخون نیست. بعد از گؤگ تورک ها

اویغورها مدتی از الفبای ترک استفاده کردند ولی بعد الفبای اویغور را که از الفبای سریانی - پهلوی گرفته شده بود جای گزین الفبای اور - خون نمودند .

در زمان اویغورها نیز اغوزها تکیه گاه دوم دولت بودند و در ضمن گاهگاهی برای بدست آوردن استقلال شورش نمودند و با همسایه شرقی خود تاتارها اتحاد بستند . اویغورها تا سال ۸۴۰ در این منطقه حکومت کردند . ایل اویغور از ده قبیله تشکیل شده بود که به آنها اون اویغور می گفتند .

در سال ۸۴۰ قیرقیزها که در منطقه یعنی سئی (شمال) به اووردو بالیق پایتخت اویغورها حمله کردند و حکومت را ساقط نمودند و خاقان را کشتند و حکومت را بدست گرفتند . بعد از این حادثه اویغورها دودسته شدند . دسته ۴<sup>ا</sup> به طرف تبت رفتند و بعد در ایالت قانسو پادشاهی کوچکی تشکیل دادند . دسته بزرگتری در تیین شان خاقانی تشکیل دادند .

اویغورها در قرن هشتم دین مانی را قبول کردند (در منطقه اورخون) در نیمه دوم قرن دهم بودا را پذیرفتند (در تیین شان و قانسو) . در مقر جدید اویغورها از نظر تمدن پیشرفت نمودند بطوریکه آثار و اسناد زیادی که نشانگر فرهنگ و تمدن پیشرفته آنهاست از آنها باقی مانده است .

به نظر می رسد اغوزهای منطقه سیحون احفاد اون اوقها باشند زیرا قسمتی از دوقوز اغوزها در موقع هجوم قیرقیزها پراکنده شدند و قسمت دیگر هم با اویغورها مخلوط شدند و هویت خود را از دست دادند .

در نیمه اول قرن دهم اقوام ترک از نظر سیاسی تجزیه شده بودند . قیرقیزها بعد از ساقط کردن اویغورها نتوانستند قدرت مهمی را تشکیل دهند و چون از نظر فرهنگی در سطح پائین قرار داشتند سبب از بین رفتن فرهنگ اورخون شدند و در سال ۹۲۴ در برابر هجوم ختائی های مغول تاب مقاومت نیاوردند و به جایگاه قدیم خود در ناحیه یعنی سئی عقب نشینی کردند . با این ترتیب مغولها مملکت ترکان را اشغال کردند و از ترکستان آنروز مغولستان امروز را پدید آوردند . این اشغال را میتوان مقدمه ای برای ظهور بعدی چنگیزخان به حساب آورد .

در نیمه اول قرن دهم میلادی ترکان از پنج قوم زیر تشکیل شده بودند : اغوزها یا غزها ، قارلوقها ، اویغورها ( در منابع اسلامی توقوزغز

نوشته شده)، کیمک‌ها یا کیماک‌ها و قیرقیزها - در شمال دریای سیاه هم  
یچهنک‌ها زندگی می‌کردند.

قارلوق‌ها بعد از همکاری با اویغورها برای براندازی گؤگ‌تورکها  
در زمان اویغورها نیز با آنها در کشمکش بودند و بالاخره بطرف غرب  
آمده و کشور اون‌اوق‌ها را قبضه کردند. ولی در آنجا مقهور سامانیان  
شدند. در سالهای ۳۰ - ۹۲۰ در منطقه وسیعی بین اسفجابتا جنوب ایسیق  
گؤل زندگی می‌کردند.

غزنیان از قارلوق‌ها بودند که علاوه بر ایلی قارلوق به خلیج‌ها هم  
متکی بودند. چینگیل‌ها هم شاخه‌ای از قارلوق‌ها بودند.

درباره اقوام ترک منابع قدیمی مانند حدود عالم و گردیزی معلوم  
مات مفصلی داده‌اند. یغما‌ها از اویغورهائی هستند که به منطقه کاشغر  
رفتند و حکومت آنهارا از قارلوق‌ها گرفتند و بعدا هم حکومت قاراخانیان  
یا آل‌افراسیاب را تشکیل دادند. ترکی خاقانی هم همان لهجه یغما باید  
باشد.

در اوایل قرن دهم کیماک‌ها (قیماق) نیز یکی از اقوام مهم ترک  
بودند. آنها به فرمانروای خود توتوق می‌گفتند. قیماق‌ها در سواحلی  
علیای رود ابرتیش (در شمال قازاقستان کنونی) زندگی می‌کردند و از  
هفت قبیله تشکیل شده بودند.

در قرن یازدهم میلادی نام قیماق از بین رفت و از آن بعد این قوم  
به وسیله قوم قیجاق و ایماک تمثیل شد. قیجاق‌ها در قرن نهم میلادی به  
طرف غرب کوچ کردند و همسایه شمالی اغوزها شدند و از نیمه دوم قرن  
دهم اغوزها را تحت فشار قرار دادند و سبب مهاجرت آنها شدند.  
در نیمه اول قرن دهم اغوزها بین دریای خزر و قازاب و اسفجابتا و  
دشت شمال سیحون زندگی می‌کردند.

در اوایل قرن دهم شبه جزیره کؤسیاه در مشرق بحر خزر از طرف اغوز  
- ها اشغال و اسکان شد و مانقشلاق نامیده شد (اصطخری).

قبایل اغوز در دو طرف رود سیحون مخصوصا در شمال آن، دشت اغوز  
زندگی می‌کردند و پایتخت آنها یعنی کندویا (ده نو) حدود عالم بود  
که مقر یا بغو فرمانروای ترکان اغوز بود. این اغوزها از مشرق  
(اون‌اوق‌ها) به اینجا آمده بودند.

به نظر می‌رسد اغوزهای منطقه سیحون اولاد اون‌اوق‌های امپراطوری

غربی گوگ تورک‌ها بوده باشند. که در موقع اشغال کشورشان به وسیلهٔ قار-  
 لوق‌ها به این نواحی مهاجرت کرده‌اند. قبل از اغوزها در این منطقه  
 چهنک‌ها زندگی می‌کردند. اغوزها که قبلاً در منطقهٔ تالاس و جو زندگی  
 می‌کردند به چهنک‌ها حمله بردند و آنها را به آن طرف رود اِمبلا  
 ( اورال ) راندند. در سالهای ۸۹۳ - ۸۸۳ اغوزها به اتفاق ترکان خزر  
 به چهنک‌ها حمله کردند. قسمتی از چهنک‌ها از رود ولگا گذشتند  
 و به شمال دریای سیاه رفتند. چهنک‌ها در مدت کمی نواحی بین رود  
 دون و دانوب را فتح کردند و در بالکان تا اواخر قرن یازدهم مقتدر  
 بودند. در این موقع قباق‌ها به اتفاق بیزانس‌ها به آنها تاختند  
 و اکثریت آنها را از بین بردند. قسمتی از چهنک‌ها این مهاجرت‌ها  
 را تعقیب نکردند و در غرب رود اورال ( یا بیق ) ماندند.

### بیرنچه سوزون قالان:

عزیز قارداشلار، وارلیق مجله سینده یازیلان خاطرلر، بیزلرده چوخلو  
 کدر دوغورور و اینانچ یارادیر. بیزه بئله گلیرکی، ملی وارلیغیمیز  
 اوغروندا خاطرلر، بئوک مقیاسدا چاپ ائدیلمهلی د یئرئ گلینجه لیر  
 یئرہ بیغیلیب نسر اولونمالی دیر. بو خاطرلرین ایلک دفعه وارلیقدا  
 چاپ ائدیلمه سیندن منتدا رلیغیمیزی بیلدیرمگ له، سیزه موفقیت لیر  
 دیله بیریک .

یاخی بیلیرسینیز بیزیم سیزدن صوراً او ره کدن یانانیمیزیوخدو.  
 سیزین وارلیغیز اولماسا، سوزون دوزو، ایندیلیکده کؤلگه میزده یوخدو.  
 عزیز قارداشلار، بو یازیمیزی م. شسترلی طرفیندن دئیلمیش بیر  
 بیت شعر ایله قورتاریب، سیزه همیشه لیک جان ساغلیخی و کؤنول خوشلوغو  
 آرزولاییریق . شعر بودور :

اونلار کی، دوغولموشدو آلولار بئشیکینده

ائل داردا قالاندا دورار عصیان کشیکینده

وارلیغی سئوهن آذربایجانلی جوانلاردان بیرنچه سی .

م.ع. فرزانه خاطرلرین نثری مجله میزده قورتارانندان صوراً بیر

داها بو مکتوبلارا و امتنانلارا قاییدیب اونلاری یکونلاشدیرماغسی  
 وعده ائتمیشدی . " وارلیق "

## آذربایجان ادبیات تاریخچه پیر باخیش

( ۳۴ )

پازان: دکتر جواد هبنت

اعتماد : سید مهدی اعتماد آذربایجانین گؤرکملی شاعر لریندن دیر . او ، ۱۲۷۹ شمسی ده تبریزده آنادان اولموش و تحصیلاتینی اسکی - یعنی مکتب لردنه آنادان صورنا " طالبیه " مدرسه سینده تاما ملامیشدیر . سید مهدی اعتماد تبریزده مشهور " اعتماد " مدرسه سین آچمیش و ۱۵ ایل یعنی نسلین تعلیم و تربیه سیله بالفعل مشغول اولموشدور . اونون اخلاقی - اجتماعی موضوعلاردا یازدیغی کتابلار " مناظره ادبی ، آئینه اخلاق ، بدرقه الصبیان ، میزان الانشاء ، الفبای جدید ، گول غنچه سی ، تحفة الصبیان ، کلینلریزه گی و چهارشنبه بازاری " دفعه - لرله چاپ اولموشدور .

سید مهدی اعتماد ۱۳۲۲ ده قورولان و ۱۳۲۵ ایلینه دک توپلانان " شاعر لر مجلسی " ینده رئیس و فعال بیر عضو کیمی اشتراک ائتمیش و گنج شاعر لرین تعلیم و انکشافیندا خدمت ائتمیشدیر . او ، عینی زماندا ثبت اداره سی نین مسئولو و طیفه سینده چالیشمیشدیر .

دموکرات حکومتی ییخیلیب ، تهران حکومتی تبریزه گلندن صورنا ، اعتماد توتولوب ایکی ایل حبسه محکوم ائدیلدی . حبس دن چیخاندان صورنا ، آذربا - یجانلی دوستلاری نین یاردیمیله ثبت اداره سینده چالیشما غا ادامه وئرمیش و عینی زماندا ادبی فعالیتینه و شعریازما غا دوام ائتمیشدیر .

مرحوم اعتماد دوکتور جا ویدایله بیرلیکده آذربایجان صرف و نحو کتابینی یازمیشلار ، لکن آریا مهری رژیم بویکتابین چاپینا اجازه وئرمه میشدیر ، نحه کی یازدیغی " ترکی - فارسی نصابی " کتابینی دا او زمان چاپ ائتدیره - بیلمه میشدی .

اعتماد شعریازما غا باشلادیغی زمان " ناطقی " تخلصو ایشله دیدی . بیر مدت دن صورنا " اعتماد " تخلصو سئجدی . اعتماد شعر لرینده خلقین عادت و عنعنه لرینی جانلی بیر شکلده ترسیم ائتمیش و پیس عادت لری و خرافاتی طنز بیر دیلله تنقید ائتمیشدیر . اونون " کلینلریزه گی " ادلی شعر مجموعه سی سوکیمی اثر لرین گؤزه ل بیر نمونه سی دیر . بو کتاب ایلیک دفعه " کلام حق " و صورنا

"ثینة اخلاق" آدلاریله چاپ اولموش و بالاخره "کلینلریزه گی" آدیله بوراخیل - میشدیر . کلینلریزه گی نین صون طبعی تبریزده آقای شیدا طرفینده ۱۳۶۰ دا تدقیق و تصحیح ائدیله رک بیر مقدمه ایله برابر "انتشارات ارک" طرفیندن چاپ ائتدیریلیمیشدیر . بو کتابدا مرحوم اعتمادین چاپ اولان اثرلری بئله صیرا - لاسمیشدیر :

- |                    |                   |
|--------------------|-------------------|
| ۱ - مناظره ی ادبی  | ۲ - بدرقه الصبیان |
| ۲ - میزان الانشاء  | ۴ - گول غونچاسی   |
| ۵ - شالی آذربایجان | ۶ - ناهار وعده سی |
| ۷ - تحفه الصبیان   | ۸ - کلینلریزه گی  |
| ۹ - چارشنبه بازاری | ۱۰ - ذخیره المعاد |
| ۱۱ - هدایت الکلام  | ۱۲ - تورکی نصاب   |

مرحوم اعتماد اولولیک حیاتیندان شکایتچی اولدوغو حالدا ، شعرلرینده (کلینلریزه گی) جوانلاری ائولنمگه تشویق ائدیر و بیر شعر بنده بئله یازیر :

ائولنمگی آسان ائله یین نسل چوخ اولسون  
دوغسون بو آنا توپراغیمیز مردیله دولسون

بورادا نمونه اوچون آشاغیدا کی شعرلرینی درج ائدیریک :

بیرداته گرک دیر اولونا حمد و ستایش  
اوندان دی عموم بشره بست و گشایش  
گر ائیلیه سن فکریمی وابسته خدایه  
صیقل و ثره جکدیر اوزمان ذوق و صفایه  
بو لفظ خدا منبع اسرار حکم دیر  
مستجمع اوصاف کمالاته علم دیر  
حلق ائبله دی بیر قطره صودان اهل جهانی  
مشحون ائله ییب مرحمتی پیر و جوانی  
انوار حمالی هامی اشیاده درخشان  
هرتک - تکی توحیده بؤیوک آیه ی قرآن  
اصناف خلایق ده ائدیب صنعی تجلا  
آثاری ائدیب انفس و آفاقی محلا  
عاجز اولوب اظهار کمالیندا بیانات  
هر جمله سی نین آخری بیر کلمه ی هیبات

چون ایسته‌دی خلقه ائله‌یه ذاتینی اعلام  
 اؤز ائلچیلرین یئر اوزونه ائله‌دی اعزام  
 بو سلسله‌دن بیربیری ائله‌دی تصویب  
 تا دینینه وئرسین اونیله رونق و ترتیب  
 یعنی او وجودیکه اودور رحمت شامل  
 تکوین حیات بشره علت کامل  
 آلاه طرفیندن گتیریب بیر گؤزه‌ل احکام  
 حسنونده کفایت دی فقط کلمه‌ی اسلام  
 واردیر ائله احکام شریفینده مزایا  
 مبهوت قالیب جمله مشاهیر اروپا  
 هر حکمی بوتون جنبه‌ی آسایشه راجع  
 نوع بشرین مقصد و آمالینا جامع  
 ان عمده‌سی احکامدن اولموش بیری تزویج  
 اوندان دی بقای بشرین نسلینه ترویج

### دوغما آذربایجانا

\*\*\*\*\*

ای داغ - داشی گول، باغچاسی گول، توپراغی مرجان  
 ای آی کیمی اولدوزلار ایچینده اوزو تابان  
 ای خلقیمیزین شوکتی، سن سن بیزه زینت  
 سن سن وئره‌ن اولادینا دونیا بویو نعمت  
 یوردوم، یووام، ائلر کؤکو، دوغما وطنیم سن  
 دونیا هره‌سی بیر طرفه، سن ده منیم سن  
 آزادلیغی چون سرو آغاجی سندن آلیبیدیر  
 دانا ولدوزوتک باش چکیب عرشه اوجالیبیدیر  
 سندن آلیر الهام او داغ - داشداکی طوفان  
 سن تربیه وئرسن داش اولار لعل بدخشان  
 بو قلبلرین جوشغون اولان پاک قانی سن سن  
 آذر ائلینین عزتی سنسن، جانی سنسن  
 تاریخ او اوزون کئچمیشینی یاخشی یازیبیدیر  
 شانلی آدینی پارلاق اوره‌ک لرده قازیبیدیر



ههچ قوه جهاندا آييرانماز سنى مندن  
 ممكن مى آييرماق اولايير روحو بدن دن  
 عشق اولسون او عاشقلرهكى، باغلادى پيمان  
 اؤز جانلاريني ائيله ديلر عشقينه قربان  
 اوغلانلارين عشقى، مرامى بودور آنجاق  
 داسم ياشاي عزتيميز، ايتا توپراق !!

### تبريزيم

\*\*\*\*\*

اي آنا يوردومون گولو، گولشنى  
 سن گول قوجا غيندا بؤيوتدون منى  
 ايستهرم دونيالار بويونجا سنى  
 عزتيم، شوكتيم، گولوم تبريزيم  
 من قوربانام سنين قيزيل گولونه  
 قهرمان تاريخلى، شانلى ائلينه  
 بختيار يوردونا، شيرين ديلينه  
 سنده آچيليبدير ديلم تبريزيم  
 من عاشيقام دوغما آذربايجانا  
 اونون عاشقلىرى ههچ كلمز سانا  
 گوزه لايير يانا، سن ده بير يانا  
 حسنوله فخر ائدير ائليم تبريزيم

### اوشاقلار ديليندن

\*\*\*\*\*

نقل ائدرلركى، منى دوغدو آنام \* دئدى: به به، نه گوزل دير بو بالام!  
 دولانيب باشيما پروانه كيمي \* چكيب آغوشونا دردانه كيمي  
 سود ايله قوه وئربدير اتيمه \* دوزوب ايلر اوزونو زحمتيمه  
 دئييب آهنگيله لاي گوزونو \* يومماييب چوخ گئجه اصلا گوزونو  
 آغليان واختدا چكيبدير يانينا \* سؤيله ييب: "آغلما، قوربان جانينا"  
 منى گولدرمك اوچون پيخ پيخ ائديب \* چا خچاخي الدهه توتوب چيخ چيخ ائديب  
 يئرييه ن واختدا توتوبدور اليمي \* آچيب اؤز دوغما ديلينده ديليمي  
 اؤرگه ديب بيلمه ديگيم كلمه لري \* آنا يوردومدا اولان نغمه لري

مندن اوترو اویوناسایی آلبب  
 قویما ییب اوزباشیما تک دولانام  
 اؤرگه دیب حرمت ائله یولداشینا  
 آتانیپ اؤپ الینی شام وسحر  
 سالمیشام محنته گرجی آنامی  
 دئیهرم بوسوزو عشقیله هرآن :  
 اعتماد اؤلمز، همیشه دیری دیر  
 عشق اولا، خلقیمیزین شاعری دیر  
 "جانیم اولسون سنه قوربان آناجان!"  
 سون اولاراق " گل اوخو" آدلی بیر غزلینی نقل ائدیریک :

روحوم قوشو بیر سئوگیلی جیرانیله خوشدور  
 بیرنازلی صنم، سرو خرامانیله خوشدور  
 ای گول! اؤلورم، گل سوروں احوالیمی یوخلا  
 عشاق اوره گی دردینه، جانانیله خوشدور  
 گول غونچاسی تک غونچا لبیندن آلیر الهام  
 بولبول لر، اودور، غنچه ی خندانیه خوشدور  
 زولفونده کی سونبول لرینبن عطرینی آلام  
 بولبول گلون عشقینده گولوستانیله خوشدور  
 چک قاشلاری نین خنجرینی عاشقین اولدور  
 چون سئوگیلی لیک عالمی قوربانیه خوشدور  
 گول اوزده قارا زولفلرین سایه سالیبیر  
 بو ظلمته باخ، ماه درخشانیله خوشدور  
 ای گول! گل اوخو "اعتماد"ین نغمه لریندن  
 آذربایجان خلقی بو الحانیله خوشدور

معصوم عظیمی (۱) : معصوم عظیمی ۱۳۳۸ هجری قمری ده زونوز دا آنادا<sup>ن</sup>  
 اولموش وایلیک تحصیلی نی ده اورادا آلمیشدیر. معصوم عظیمی احساسلی  
 شاعر لریمیز دن ولوب و گنج یاشدا بللی اولمایان بیرشکیلده ایتیب  
 گئتمیشدیر. نسبتا قیما سورهن عمرونده چوخ آغیر گونلر گئچیرمیش و بعضا  
 ده روحی هسته لیگه مبتلا اولموشدور. دیوانی بین جلدینده "دیوان دیوانه"<sup>نه</sup>  
 یازماغی اونون مختلف روحی حاللاردا یاشادیغینی گؤسته ریر. اونون

---

۱- بومقاله آقای بهرام حق پرست (اغلچین)ین یازیلاریندان فایدالاناراق  
 یازیلیمیشدیر.

شعرلرینده قرآن کریم، گلستان و بوستان و شفا هی خلق ادبیاتینین تأثیری  
گؤرولمکده دیر .

عظیمی شعرلر سی داها خوخ عروس و زنیله ، ایکی دیلده (فارسیجا و تورکجه )  
وعزل، قصیده ، مننوی، راعی و دیگر شکللرده یازمیشدیر . اجتماعی شعرلرینین  
برقیمی گرایلی، قوشاما سئرر مدس ، محس و بولارکیمی شکللرده یاز-  
میشدیر .

شاعرین دئوایی ۱۳۶ صفحه دیر و اؤزو نسخ و استعلیق حطبله یازمیشدیر .  
دیوانداکی شعرلری مضمون باخیمیندان اوچ بیئرله ئولمک ممکن دور :

۱- خصوصی شعر ۲- مذهبی شعرلر ۳- اجتماعی شعرلر .  
۱- خصوصی شعرلرینده اؤز یا شاییشی ایله یا ناشی سؤگی، هجران، یالقیزلیق  
جون و بولارکیمی موضوعلاردا ن بحث ائتمیشدیر . خصوصی شعرلری آراسیندا  
" سرگذشتیم " آدلی مثنوی سی مارا قلبدیر . بورادا بومثنوی دن بیرنجه بیت  
درج ائدیریک :

ازل حقئ تسبیح ائتمک گرک \* حییی نین امریله گئتمک گرک  
ائدیم شرح حالیمی مجمل سه \* مین اوچ بوز اوتوز سگگیزینچی سنه  
ربیع اولین اون بیئشینده تمام \* بیئر اوزره گلیب خلقه وئردیم سلام  
زمانیکه تحصیل ائدیم بیئش لیل \* کی سالدیم اله بیر سواد قلیل  
باشیمدا قالب دا عاشوق درس \* گیریپ بوینوما چیخمادی طوق درس  
آتامدان نه قدر ائیله دیم التجا \* منیم عرضیمه ائتمه دی اعتنا  
دئدیم : قوی ادا مه وئریم درسیمه \* دئدی سؤز منیم حرفیمین ترسینه

مذهبی شعرلری حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) نین مدحینده و دین مسئله لر باره  
سینده دیر . بورادا نمونه اوچون حضرت علی نین مدحینده یازدیغی شعر دن بیر  
نجه بیت درج ائدیریک :

ائدیرلر نقل وقتیکه پیمبر \* ائدیر معراج چون یئددی سمانی  
اولور آلاهیله مشغول صحبت \* واریدی پرده ای درآن میانی  
حییی ایله حق عالم الغیب \* ائدیر صحبت مثال دوست جانی  
رسول کبریای کل عالم \* خداونده دئییر بعد از زمانی  
اوزووی گؤرمکه چون مایلمس \* کی ای بوچرخ و بو افلاکه بانی  
بفوریت دوشور پرده بو سؤزدن \* گؤرور بگردن علی المرتضانی

بونا اول معتقد سن معرفتله \* علینی جمع ائت هوشووی، تانی  
ایتیرمه بابرب کائناتی \* کی بو معنیده واردیرنکته دانی

.....

اجتماعی شعرلرینده زمانه دن و قورولوشدان، زوربالیقدان، رعیته و خلقه  
اولان ظلمدن شکایت ائدیر و عینی زاماندا وطنپرورلیک، انسان سئورلیک-  
دن دانی شیر و آزادلیق یولوندا مبارزه نی دگرلندیریر. بعضی شعرلرینده  
صابرین تأثیری حس اولونور. "چکمه جینقیرین" ردیفلی شعرینده بوتأثیر  
آیدین شکیلده گؤرونور:

دووران بیزیمکی دیر، عمی جان چکمه جینقیرین  
الش همیشه اولدارا یان، چکمه جینقیرین

اک، بیچ، دوگ سووور، دن ائله وئر بیزه تمام  
بو نوع دور حقوقووی قان، چکمه جینقیرین

نان جوینه شک ائدوبن دویمه اوندان هئچ  
نان و پلوو بیزیمدی فلان چکمه جینقیرین

گؤز یاشیوی قاتیق چوره گین ائت گیلن مدام  
چونکی یشمک حرامدی یا وان چکمه جینقیرین

.....

رضاشاه سقوط ائدی بسورگون ائدیلدیکدن صونرا وئریلن اؤترگی آزادلیغی  
آلایشلایراق بئله ترنم ائدیر:

فعله، اکینچی ائندییه تک ظلمه تاب ائدیپ  
ایندی قصاص اوچون علم انقلاب آچیب

گویا قوپوب قیامت کبرا، اولوبدو حشر  
... (۱) لريله کاسب ویوخسول حساب آچیب

نور عدالتیله منور اولوب جهان  
داد ودهش حکومتی رخنه نقاب آچیب

آچمیش بساط لطفینی دونیایه، ائيله بیل  
صحن جهانہ پرتوونی آفتاب آچیب

شاعرین اجتماعی شعرلریندن "آمدن لشکر روس" ادلی منظومه سی مارقلی دیر  
نمونه اوچون بیرنئچه بیتده اوندان نقل ائدیریک:

---

۱ - بورادا بیرکلمه اوخوناقلی دگیلدیر.

دوشدو مشمول آدیم، خدمته گئتدیم من ده  
 بئش - اون آی گئچدی سلامتلیک ایله بالاخره  
 هله سربازخانانین وضعینی عرض ائیله میرم  
 متمنی است قناعت ائله بو مختصـره  
 .....  
 غفلتا آلدی گویی جنگی هواپیمالار  
 چیخدی سربازلار اوطاقدان عجله بوخـبره  
 شاره‌شار، شمت تیره توتدو بیزی آیروپلانلار  
 دئدیله: شاردی، ائله چونکی گلیردی نظـره  
 گۆردولر صورنا، بالام، گولله‌دی، شاققیلیدیر هی  
 شارین هئج بنزه ریشی یوخذو اولان بو طهره  
 بیری اولدی، بیری قوخی، بیری اولدی مجروح  
 گیردی بیر دخمه یه بو واقعه‌نی گۆردی هره  
 یاتسین افسرلر او دمده خانم آغوشینده  
 ملتین حقینی وئرسینله بکلی هـدره  
 .....  
 شمسی تاریخده مین اوچ یوز ایگیرمینجی ایلی  
 دوشدی بوجنگ یاییین آخر آیی شهر یوره  
 آفرین! ائتدی عجب عهد وفا زالمحمد  
 کتیریب چوخلی شجاعت، نهجه گلدی نظـره  
 مختصر، چتريله دوشموشدی اون اوچ سال دات روس  
 مانع اولموشدولار اول قلت ایله رهگذره  
 اردبیل لشگری اون اوچ نفرین ترسـیندن  
 گئده بیلمیردی کتیرسین صو، یا زیق تشنه لره

عباس واثق : عباس واثق ۱۸۹۸ - نجی میلادی ایلینده، شبستریین بئش کیلومتر  
 شمالیندا، میشوو داغی نین اتکلرینده یئرله شن چنوان/شانجان/کندیننده  
 کندچی عائله سینده دوغولموش و ایلك معلوماتینی اورادا، ملا مکتبیننده  
 آلمیشدیر. عباس واثق قلیقدان علمه هوس بسله میشدیر. او، ۱۶-۱۷ یا شلاریندا  
 اولارکن آتاسی نین شبسترده کی تجارتخانا سی نین محاسبات ایشلرینی گۆرموشدور  
 عباس ۱۷ یا شیندا، اوخوماق اوچون، آتاسیندان اجازه سیز، روسیه یه قاچماق  
 ایسته میش، لاکن تانیشلاری اونو یولدان قایتارمیشلار. نجفده اوخوماقین

ممکن اولماسینی اثشیدن واثق، کربلا زواریله عراقا و نجفه گئتمیشسه ده، اورادا آختاردیغینی تاپا بیللمه یه رک، تکرار شیبستره قاییتیمیشدیر.

۱۹۱۹ - نجوایلده واثقین آتاسینی نین تجارتی پوزولور و بورجلو دوشور. کنج عباس آتاسینی آغیر وضعیتدن قورتارماق اوچون روسیه یه گئسیدیب تفلیس شهرینده قنادی لیک ائدیر و آتاسینا کؤمک گؤنده ریر.

۱۹۲۱ - نجی ایلده گرجستان سووه تله شیر، اجتماعی محیط دگیشیر. کنج عباس دایئنه ده اوخوماق هوسی آلولانیر. بو وقتلر تفلیسده آذربجه "یئنی فکر" غزه ته سی نشر اولوردو. کنج عباس "واثق" تخلصو ایله بوغزه ته ده شعرلر یازماغا باشلاپیر. بو ایللر تفلیسده "نریمان نریمانوف" آدلی کلوبدا آذربایجان جوانلارینین ادبی بیغینجاقلاری اولاردی. عباس واثق بو ادبی مجلسلرده فعال اشتراک ائدیب شعرلر اوخویور. عباسدا استعداد گؤرن حزب رهبرلریندن "علی تقی زاده" اونو دولت خرچینه اوخوما گؤندرمک ایستیر، لکن بوگونلر آتاسینی نین وفاتی و کلی مقداردا بـورج قویدوغونو اثشیدن عباس تبریزلی تقی زاده نین تکلیفی نی رد ائدیر، چونکی بو بورجلارین اؤده مه سی قسما عباسین عهده سینه دوشوردو.

عباس واثق شفاهی معلوما تیندا دئییردی کی، تقی زاده نین تکلیفی نی رد ائتدیم، لکن صورالار گؤردوم کی، اوخوماغا گئتسه ایدیم ده، استالین خفقانی دؤورونده ن یا خامی قورتارا بیللمه یه جک ایدیم.

۱۹۲۴ - نجوایلده عباسین آتاسی وفات ائدیر، او، قاچاق ایرانا گلیب آرزونرا روسیه یه دؤنور، لکن بودفعه تفلیس دگیل، باکی دا یئرله شه رک قنادی لیک ایشیله مشغول اولور.

تفلیسده اولدوغو ایللر، عباسین تشبثو ایله، تفلیس وباکی دا کسسی شانجانلیلارین خیریه جمعیتی یارانیر. بوجمعیت ۱۹۲۶ - نجی ایلده چواندا مکتب تیکمک اوچون پول توپلاپیر و بومکتبی تیکدیرمک ایشینی عباسا تاپشیریر. عباس همین ایلده چوانا گلیر و مکتبین اساسینی قویب باکی دا دؤنور و ۱۹۲۸ - نجی ایلده مکتبی تما ملاماق اوچون تکرار چوانا گلیر. واثق مکتبی تیکدیریب تیکمه داشلی میرزا صالحی معلم لیگه دعوت ائده رک مکتبی ایشه سالیر، ائله بوزمان کنندن اربابی و محالین موهومات چیلاری عباسی توتدورماق ایستیرلر. واثق چاره سیز باکی دا قاییدیر، ۱۹۳۵ - نجی ایلده قدر اورادا چالیشیر. بو ایللر روسیه ده آغیر خفقان حکم سوروردو. استالینین شخصیتینه پرستش بیداد ائدیردی. بو خفقان و

تورخو ايله علاقه دار عباس ال يازمالاريني آرادان آپارير وپليس الينه  
دوشمه مكا وچون باكي دان "گۆي چاي" شهرينه كۆچوب عكاسليق اؤگره نير و  
اورادا ايشله ييب عائله قورور و نهايت ۱۹۵۶- نجى ايلده اورادا وفات  
اكتدير. عباس واثقين اوچ اوغلو وايكى قيزى واردير.

"گۆي چاي" دا اولدوغوم زمان عباس واثق منيم شوروى دن چيخا جا غيمي  
بيلديكده ال يازمالارينين بيرمقداريني منيم اختياريمدا قويـ اراق  
دئدى : نئجه مصلحت بيلسن بونلارى چاپ ائتدير. من لازمى ياددا شـ تـ لارى  
گۆنوردو كدن صوردا اونون بيرشكلينى ده خواهش ائتديم . شكيل ۱۹۶۷- نجى  
ايلده چكىلميشدير .

واثقين اثرلرى يوخاريدا گۆردوگوموز كيمي، واثق جوانليقـ دا  
يا زديغى اثرلرينى استالين خفقانى دؤورو آرادان آپارميشدير . بوشعرلرين  
بعضى سيني صورالار خاطرلا ييب يازميشدير . واثقين دئديگينه گۆره او، ۱۹۲۱  
نجى ايلده "ساقى نامه و بهار يات" آدلى، مسدس فورمالى اوزون شعريا زيب چاپ  
اكتديرميش و اونو پارچا - پارچا ، مکتوبلاريندا چواندا قارداشى يونسه  
گۆندرميشدير . ساقى نامه بوبندله باشلانيرميش :

مى وئر اى ساقى كى، ائتديم تهمت وعارى قبول،

عشق دن يئتسه نه قدرى ظلم و آزارى قبول،

وئر او مى دن كيم، ايچيب منصور ائديب دارى قبول،

وئر همان مى دن كى، صنعان ائتدى زنارى قبول،

وئر او مى دن تا قويوم من ده او ميدانه آياق ،

مى وئر، اى ساقى، اؤزون اولسون ايكى دونياده آغ!

واثقين بير صيرا شعرلرى وقتيله تفليس شهرينده يايينلانميش "يغنى فكر"  
غزه ته سينده چاپ اولموشدور .

واثقين اليميزده اولان مكممل اثرلريندن بيرى "شرق ده اوزاق كئچميش"  
بير صحنه "آدلى يوز بيت ليك منظومه دير . اثرده شاهلار و خانلارين كندلى-  
لره ائتديكلرى ظلملر افشا اولونور . منظومه بو بيت لرله باشلانير :

نئچه ايل بوندان اول من بير كندده ياشارديم،

هاردا بيغينچاق اولسا اورا ياخينلاشارديم،

دينله يرديم خلقلرين سؤزونو، صحبتى نى،

آنلاماق ايسته يرديم هر كسين نيتى نى .

باش - باشا اون دۇردلوک شکلينده اولان بومنظومه شاعرين اۇزال يازماسى  
كىمى مقاله مۇلفينده موجود دور .

عباس واثقن نغچه پارچا شعرى و غزلىده اليميزده واردير . اونلاردان  
بیرغزلى گۇسترمکله کفا يتله نيریک :

يوردم اودلار ديارى، آذر ائلى گرائليم اولسا

فخردير سۇيله مگه و صفينى، شيرين ديليم اولسا

ائلين آمالى ايله گوللو گولستان سالارام من

گوللرين عشقينه گر نغمه دئيه ن بولبولوم اولسا

آرزو دونياسينا مين سئوگى، هوسله باخارام من

اوزومه اينجه تبسمله باخان سئوگيليم اولسا

گئجه - گوشدوز چکه رم گول اوزونون حسرتين، آخر

چاتارام وصله محبت چمنينده گولوم اولسا

عهد و پيمانيله اۇز خلقيمه آند ايچديم ازله

دۇنمه رم اوندان اگر عمرده يوزمين يليم اولسا

کيم سئورسه ، سئويلر ، حرمته حرمت قازانارلار

نولا "واثق" بو تمنادا منيمده اليم اولسا! ۱)

---

۱ - بو ترجمه ی حال شاعرین اۇزال يازماسيندان دوكتور م . ت . زهتابی

طرفيندن قيسا ديلميش وبيزه گۇنده ريلميشدير .



دوكتور: غلامحسين بيگدلی

=====

آئينهء سكندر جام جم است بنگر

تا برتو عرضه دارد احوال ملك دارا

حافظ

===== فردوسی "شهنامه" سیله نظامی "اسکندرنامہ" نین =====

### ادبی علاقہ لری حقیقہ

\*\*\*\*\*

۱۱ - فلیپ ایرانا یوروش آپارماغا حاضرلاشیردی کی، اؤلدورولدو، ماکدونیا نین سلطنتی ۲۵ یاشلی جسور اوغلو اسکندر ( ۲۲۳ - ۳۵۶ میلاد - دان قاباق ) بیئتیشدی. بو حسور جنگاور و ایگید سرکرده، تاییینی تاریخ آز گؤستر مییش نابغه لردن دیر کی، اوشا قلیغیندان خصوصی معلمر، تربیه - چی لر و متخصص لر واسطه سی ایله یوکسک سیاسی و حربی تعلیم آلمیشدیر. اونون خصوصی تربیه چیسی اولان و صورالار سیاسی مشاور حربی مصلحتچی - سی کیمی خدمت ائده ن ارسطونون یونان شاهزاده سی نین گله جک انکشاف و نائلیت لرینده درین تاثیر اولموشدور.

آتاسی نین آمالینی حیاتا کئچیرمک ایسته یین اسکندر ۳۳۴ نجی ایل میلاددان اول، گؤزه ل تعلیمات گؤرموش، مکمل سلاحلارنمیش گوجلو بیر قو - شونلا شرقه دوغرو یوروشه باشلا ییب، هخامنشی سلاله سی نین صورنجو - پادشاهی اوچونجو دارا ایله ووروشماق عزمی ایله اژه، مرمره دنیز لر - یندن کئچیب، بسفر و داردانل بوغازلاری واسطه سی ایله آسیا قطع ه سینه آ یاق باسدی. ایکی آغیر و قانلی محاربه دن صورنا کیچیک آسیا یاریم آداسینی اشغال و ضبط ائدیپ دارا قوشونلارینی زاگروس داغلارینا قده ر قووب گئری یه اؤتوردو. بونولادا ایران لا ماکدونیا قوشونلاری نین ۱ - نجی مرحله ووروشلاری باشا چاتدی .

ایلك مرحله دن غلبه قازانمیش اسکندر، ماکدونیا اوردوسونا اندیر - یلن آغیر مادی و انسانی ضربه نی، زیان و خسارتلری تامین ائتمک اوچون او زمان اؤز فراوان ثروتی و بول جمعیتی و حربی استراتژی اهمیت ایله مشهور اولان مصر اؤلکه سینی اشغال ائتمک و جبه خانه دن استفاده ائده رک، اؤز کم - کسرینی دوزه لدیب، لازمی بیر حاضرلیق آ پار - دیقدان صورنا اؤز جهانگیرلیک نقشه سینی حیاتا کئچیرمک و ایره لی یه دوغرو حرکتینی دوام ائتدیرمک قرارینا گلدی.

بودورکی، ماکدونیا سرکرده سی، فرعونلار اؤلکه سینی اشغال ائتمک

مقصود ایله آرالیق دنیزی نین شرق ساحلی بویو جنوبا طرف حرکت ائتدی. یول اوستو شهرلرین اهاالیسی ایله صون درجه شدت وحدت له رفتار ائدیپ، گؤسته ریلن جزئی مقاومتلره قارشى آغیر جزا وئریب محو ائدیجی ضربه - لر ائندیردی. بئله کی، قارشیسیندا بیر قدهر جدی مقاومت گؤسته رن تیر شهری نین اهاالیسینه آغیر دیوان توتوب، سککیزمین نفر قیلینج - دان کئچیریب ۳۰ - مین نفرلرینی ده اسیر توتوب کوله (قول) ساتیلان بازار لارا گؤنده ردی. او، بوندان صونرا دا بوتون یوروش و سفرلری بویومغلوب ملت لرله بوسایاق شدتلی وگوبود صورتده رفتار ائتمیشدیر. دا ئما قتل و غارت و اسارت له مشغول اولموشدور.

اسکندر قوشونلاری سینا یاریم آداسی دوزه نلیگینی کئچدیکدن صونرا آرتیق داها هئج بیر جدی مقاومت له اوغراما دان اهرام لار وطنی وفرعونلار یوردو اولان مصر اؤلکه سینی تسخیر ائتدی. بو آسانلیقدا اله ائدیلمن بو بؤیوک موفقیتین اساس سببی او ایدی کی، بو زمان مصر هله ده ایران ایمپریاسی اراضی سینه داخل ایدی. آنجاق هخامنشی شاهنشاهی آ - آ - دارا موقتى اولاراق مصرده کی اوردولارینی اورادان فرات ساحل لرینه قده رگئری چکمیش، بیر نوع بوشلوق یاراتمیشدی، دارا اسکندرله ایرانین اغوز سرحد لرینده اوز - به - اوز گلمه کی گؤزله ییردی. بیر طرفدن ده مصر اهاالیسی اوزون سوره ن ایران ایمپریاسی سلطه سیندن خلاص اولسونلار، - دئییه اسکندر قوشونلارینا قارشى نه اینکی هئج بیر مقاومت گؤسته رمه دیلر. بلکه اسکند - رین پنا هینا سیغینیب، اوانو خلاصکار کیمی قوربا نلیقلا قارشیلاییب دبدبه ایله ممفیس شهرینه گتیردیلر. حتی قبطی کاهن لری ماکدونیا سرکرده سینی مصرین فرعونى اعلام ائدیپ، مصرلی لری اونا ستایش ائتمگه دعوت ائدیلر بو ال وئریشلی شرایط دن با حاریقلا استفاده ائدن اسکندر مصر ثروتی و اهاالیسی حسابینا اغوزونون یورغون و آغیر تلفات ا اوغرامیش قوشونلارینی مرمت و برپا ائدیپ، تپه دن دیرناقا قدهر سلاخلاندیردی. یقینی دن اوچونحو دارا ایله ایرانین اغوز اراضی سی داخلىنده پنجه لشمک مقصدی اوچون شرقه دوغرو حرکت با یراقینی قالدیردی. ایران سرحد لرینه یؤنلدى.

ماکیدونیا قوشونلاری دحله چایی نین صول ساحلینه کئچیب گا وگا مل دوزه نلیگینده ایران اوردوسو ایله اوز به اوز گلدیلر. دارا قوشونلاری - نین صایی ایکی دفعه اسکندر اوردوسوندا ن آرتیق اولوب، سلاح جهتده ن

ده زرهلی آرابالار و دؤیوشکن فیل لرایله مجهز اولمالارینا باخمایا - راق، ایران اوردوسوندا حکم سورهن روح دوشگونلوگو، اینا مسیزلیق، تعلیمات ضعیفلیگی، خصوصاً ایران قوشونلاری حصه لری نین چوخلو بیرپایی مزدلو ویا اجباری عسگرلردن عبارت اولدوقلارینا گؤره بیرطرفدن، دیگر طرفدن ده اسکندر قوشونلاری نین مکمل تعلیم آلمالاری، روح یوکسک لیگینه مالک اولمالاری، اوردونون اساس حصه لری نین سئچمه وکؤنوللو عسگرلردن عبارت اولماسی، هامیدان آرتیق اؤز سرکرده لرینه درین اینام و محبت بسله مه لری، بوتون بو مسئله لر هله ایران لاپ محاربه نین ۱۱-نجی مرحله سینى باشلانما زدان قاباق اونون طالعینى تعیین ائدیردی.

ایرانین اؤز اراضی سی داخلینده گئده ن ایلک محاربه ده یعنی گاو کامل محاربه سینده یونان قوشونلاری نین اوخچو حصه لری ایران اوردو - سونون منقلای \* تشکیل ائده ن زرهلی حربی آرابالاری و دؤیوشکن فیل لری اوزاخدان اوخا باسیب فیل لری دارا قوشونلاری نین داخلینه و اساس حصه لرینه طرف هورکوت دولر.

اسکندر اؤزوده سئچیلیمیش نیزه لی آتلی دسته لری ایله اؤزونون صاغ جناقیندان ایرانلیلارین صول جیناقینا هجوم کئچدی. دارا قوشونون صول جیناقینى مغلوبیتته اوغرادیب مرکز حصه سینه سیخیشدیردی. نیزه لی آتلی لار دؤوره دوروب ایران قوشونلاری نین قالان حصه سینى محاصره ییه آلدیلار. بئله لیک له ده ذخیره و تدارکات حصه لری ایله دارا قوشونلاری نین علاقه سی کسیلدی و رابطه قیریلدی.

محض بو زمان ماکدونیا قوشونلاری نین فلانژ حصه سی جبهه دن دارا قوشونلاری نین قلبینه ( مرکز حصه سینه ) هجوم کئچدی. اونا سارسیدیجی ضربت اندیریب آغیر بیر تلفات اوغراتدی. بونولادا ایران قوشونلاری دارا - داغین اولوب تما میله مغلوبیتته اوغرادى. دارانین اؤزوده میدا - نی ترک ائدیپ قاچما غا مجبور اولدو...

هخامنشى سلاله سی نین سونونجو پادشاهی اولان ۱۱ - دارا گاوگامل محاربه سیندن سونرا نئجه دئیلر هئچوقت داها باش قالدیرا بیلمه ییب آرتیق جدی بیر مقاومت گؤسته رمک امکانیندان محروم اولدو. فقط محلی و آت اوستو و وروشلاردان باشقا اساسلی بیرجبهه ده اسکندر قوشونلاری ایله

(\* منقلای = آوانکار د / پیش قراول .

اوز به اوز گله بیلمه‌دی. نهایت کرمان شهری اطرافیندا یکی نفر اوز ناراضی ضابط لری الینده اولدورولدورولسدو. بونونلادا اسکندریین بوتون ایرانین تسخیر ائتمه‌شینه امکان و شرایط یارانندی وئله ده اولدو. اسکندر ایران اراضی سینی اشغال ائتدیگده نونرا اورتا آسیا اولکه‌لرینی تسخیر ائتمک مقصدی ایله شرقه دوغرو حرکت ائدیپ، اوج ایل تمام قانلی ووروشلار و آغیر محاربه‌لر آپاریب حدی مقاومتلره راست گلدیکدن نونرا، آمو دریا نین سول ساحلرینه قدهر ایره‌لی له‌یب بوتون اورتا آسیا اولکه‌لرین تسخیر ائتدی. حدسیز، حدودسوز ثروت‌الده ائدیپ و اون مینلرله حوان و ساغلام کوله دونیا بازارلارنا گونده‌ردی مغلوب ملتله و اولکه‌لرین غارت ائتدیگی ثروتی حسابینا یونانستانی زنگین بیر خزینه‌یه جئویردی.

ماکدونیا سرکرده‌سی اورتا آسیا شهر و اولکه‌لرین تسخیر ائتمک له‌ده کفایت له‌نمه‌یب، جهانگیرلیک سوداسی ویئنی اولکه‌لر نونماق عزمی و خولیا‌سی ایله یئنه‌ده محاربه‌ایشینی شعله له‌ندیرمک و مین لرله انسانلارین قانینی آخیتماق فکرینه دوشره‌ک هندوستان سرحدلرینه اوز جئویردی. لیکن بیر طرفدن یونان قوشونلاری نین حدیندن آرتیق یورغون و مغلوب اولمالاری، آغیر تلفات‌لارا معروض قالیب حدی تحلیله‌گئتمه – لری، دیگر طرفدن ده‌هندلی لرین تجا و زکارا قارشی مردانه مقاومت گؤسته ریب، مهاجم دشمنه آغیر ضربه‌لر اندیرمه‌لری نتیجه‌سینده اسکندر قوشون – لاری داها ایره‌لی لیه بیلمه‌یب، ایستر – ایستمهز ۳۲۵ – نجی ایل میلاددان قابق شرقدهن غربه‌گئری دؤنمک مجبوریتینده قالدیلار.

یورقون آنجاق مغرور اسکندر عمان دنیزی و فارس کورفزی (خلیجی) ساحل‌لری ایله غزه دوغرو گئری یه قاییدیپ، بابل شهرینه گلسیب جیخدی. اورادا اوتوراق ائتدی. یکی ایل تمام حاضرلیق آپاریب یئنی یوروش‌لر آپارماق مقصدی ایله چالیشدی. آنجاق زامان دا اوز ایشینی گؤردو، یولوخوجو قیزدیرما خسته‌لیگی اونو قوه‌دن سالدی. ۳۶ یاشلی جوان سرکرده‌نین مین بیر دیگر آرزولاری رحم‌سیز شفقت‌سیز داش‌اوره – گینده قالا – قالا ۳۲۳ – نجی ایل میلاددان اول بابل\* شهرینده وفات ائتدی. اونون اولومو ایله مین لرله انسانین قانلاری بهاسینا اشغال ائتدیگی اوجسوز – بوجاق‌سیز اراضی و گئش امپریا آز بیرمدته سقوط ائله‌دی.

(\* اونون وفاتینی شهر زور دا یازانلاردا واردی .

دوغرودان دا بؤیوک حافظ صورالار بو حقدده نه گؤزه‌ل دئمیشدیر :

جندروزی پیش و پس شدورنه از حورزما ن

برسکندر نیز بگذشت آنچه بر دارا گذشت

ائله اسکندرین یا شادیغی دغوردن توتاراق بیر سیرا مشهوریا زیجی

لار و تاریخلیرا وحمله دن آرریان، پلوتارک، کورتسی، کوینت روفدان توتמוש، شرق عالم لریندن : جاحظ بصری، حریر طبری، احمد دینوری، نظامی گنجه وی و اونلارلا مشهور شرق و غرب مورخ و عالم و شاعرلری منثور و منظوم "اسکندرنامه" لر آدی ایله اونون حیاتی، فعالیتی و شخصیتی حقیقنده فکر سویله یوب، هرکس اغزونه مخصوص و اوریژینال بیر طرزده ملاحظه یورودوب بعضا تاریخی حادثه لره یاخین، بعضا بدیعی و ادبی باخیمدان اثرلرر میداننا جیخاریب. کیمیسی ده مبالغه لره دولو صحنه لر یا راتمیشدیرکی، ظنمیزجه بو موضوع دا یارانمیش بوتون منثور و منظوم اثرلری ۲۲ دسته یه بؤلمک اولار : ۱- تاریخی اثرلر ۲- بدیعی اثرلر .

بیز ایسه هله لیک اورتایا چیخان بونجا چوخلو اسکندرنامه لردن

آنجا ق فردوسی و نظامی یارادیلیمیش "شاهنامه" و "اسکندرنامه" اثرلرینی گؤتوروب بوایکی مشهور وجهان شمول اثرده اولان ادبی علاقه حقیقنده اختصارلا فکیر سؤیلویه حه بیگ .

\*\*\* \*\* \*

فردوسی "شاهنامه" سی ایله نظامی "خمسه" سی آراسیندا اوچ تاریخی

موضوع مشترک ایشلنمیشدیر : اسکندر، بهرام گور (یغددی گؤزه‌ل) و خسرو و شیرین موضوعلاری .

آنجا ق بعضی لری ائله ظن ائدیرلرکی، نظامی بو موضوعلاری عینی ایله

فردوسی دن گؤتوروب، اونو بیر نوع تقلید یا تکرار ائده رک ایشلتمیش دیر. سوفکرین اساس طرفدارلاری بعضی آروپا شرقشنا سلاری نین یالنیش ملاحظه لری تاثیرینه معروض قالان بیرسیرا دیگر بیر طرفلی ملتچی تدقیقا چی لار دیرلار، اونلار نه دنسه نظامی نین نوو اتورلیگینی، نبوغونو بیرنوع انکار ائده رک شاعری آز قالا تقلیدچی و تکرارچی کیمی قلمه وئرمک. ایسته بیرلر، بو عالم لردن : بدیع الزمان فروزانفر، علی اکبر دیهیمی، جلال الدین همائی اصفهانی، دکتر رضا زاده، شفق و بیرسیرا باشقالاری نظا - می نین یعنی چی لیگینی انکار ائتمگه چالیشرلار. بونلارین فکرینجه

گویا، نظامی "اسکندرنامه"، "خسرو و شیرین" و "یعددی گوزهل" داستا نلاری۔  
نین اساس موضوعلارینی فردوسی "شاهنامه" سیندن گؤتوروب ان اوزاق باشی  
اونا بیر نوع نظیره یازمیشدیر. حتی رضا زاده، شفق کیمی قاطی واغؤگی  
"ملتچی؟! " بیر شخص" عینی فردوسینی تکرار ائتمیشدیر"۔ دئیسه .  
ملاحظه یوروتموشدور و اوتانما میشدیر .

بیزجه بوکیمی غیرعلمی و اساس سیز مدعالارین اورتا یا چیخما سینا  
اساس سبب بیر سیرا یئرسیز عرقی تعصب لردن، یا خود شخصی منافع اوغرو۔  
نداکی احتراطلاردان علاوه .همده بعضی آروپا شرقشنا سلاری نین یالنیش  
فکر و مقایسه لرینن ضررلی تاثیری اولموشدور .مثلا مشهور تورکولـوگ  
ک . یا کوب نظامی نین "اسکندرنامه" اثری نین ترجمه سی مقدمه سیینده ،  
فردوسی ایله نظامی نی مقایسه ائده رکن گنجه استادینی اوستون توتا ۔  
راق یازیر : " نظامی ... بیر شاعر کیمی فردوسی دن داها بؤیوکدور"  
دیگر آروپا شرقشنا سلاریندان هرمان اته اپیک اثرلر حقیینده فکر سؤ۔  
یلوین و بحث ائتدیگیمیز موضوع باره ده بئله بیر ملاحظه ایره لی سورور :  
... نظامی اسکندرنامه سی نین میدانا چیخماسی کهنه اپیک عنعنه لرینا وز  
اهمیتینی ایتیرمکده اولدوقونو گؤسته ریر . " همین ملاحظه زبیر قدر صورنا  
ای .پیز ده تصدیق ائتمیشدیر .مشهور شرقشناس چخ عالمی یان ۔ رسکا بو  
حقده یازیر : " ایران دا هرژانردا شعر استا دلاری وار دیر .آنجا ق قطعیت  
له دئمک اولورکی، نظامی منظوم داستا ن یارا تما قداها میدان یوکسک او۔  
لموش وهئچکس اونا چاتما میشدیر، چاتا دا بیلیمز .مشهور نظامی شناس  
وحید دستگردی ایسه نظامینی بوتون یئر کوره سی اوزه رینده کی شاعر لردن  
اوستون توتموشدور .

همین ملاحظه لرین عکسینی سؤیله یین لرده وار دیر .یعنی فردوسنی نظا ۔  
می دن قات ۔ قات اوستون توتوب بؤیوک قلمه و فرمک ایسته یین لرده آز  
دگیل دیر .آنجا ق بوفکیر لرله قطعیت له راضیلاشماق اولماز .محض بو کیمی  
بیر طرفلی ملاحظه لردیرکی، بیر سیرا متعصب فارس دیللی ادبیا تشنا سلاری  
چا شدیریپ ،اونلاری غیر علمی و غیر جدی ملاحظه لر یوروتمکه سوق ائتدیر  
میش دیر .

بیز هندوستان عالمی شبلی نعمانی نین بوباره ده گلدیگی علمی و  
عدالتلی قراری آلقیشلاریق .سسیمیزی اونون سینه قوشوب ایلک اولدن  
سؤیله ییریکی کی، دوغرودان دا فردوسی فردوسی دیر، نظامی ده نظامی بو

کیمی داهی صنعتکارلاری بیر- بیرلرینه قارشى قویماق غیرعلمی بییر اصول و غیر دوزگون بییر حرکت دیر، سهودیر .

آدلارینی جکدیگیمیز اوج مشترک مسئلهیه گلدیکده، بومسئله-لر تاریخی حادثهلردن عبارت اولدوقونا گؤره هر ایکی بؤیوک شاعرین دقت مرکزینده دایانمیش، هر ایکی شاعر بومسئله اوزه رینده اؤزلرینه مخصوص بییر طرزده مختلف زامان، مکان و شرایط ده اونلاری ترنم ائدیپ نظمه چکمیشلر. دوز دور کی، هر ایکی شاعر اؤز نادر و قیمتلی اثرلرینده بیر- بیرلرینه بنزهر بعضی یاخین واوخشار مسئله لرده قویموشدولار. اقلا بوکیمی یاخینلیقلار تاریخی حادثهلرین اؤزونون ایضا حیندان توره - نیب میدانا گلیر. آنجاق بورادا دا آیدین دیرکی، عینی موضوعو، عینی مسئله نی، ایکی فکر، ایکی ذهن، ایکی طبع و ایکی قلم هر سی ده اؤزونسه مخصوص سلیقه، قدرت، ذوق، هنرو بیان و دونیا گؤروشو و غیره و غیره ایله ترنم ائدیپ نمایش ائتدیرمیشلر. همین اوخشار مسئله لرین حلینده ده اثر لرده کی تام اوریژیناللیق و مطلق اصالت و اؤزولولوگ بارز صورتده اؤز- لرینی گؤسته ریر و دقتی جلب ائدیر .

دیگر طرفدن بومسئله علم عالمینه تما بله آیدین دیرکی، نظامی فردوسی نین "شهنامه" سینی دفعه لرله دقت له اوخوموش، اؤز یارادیجی - لیقیندا "شاهنامه" دن ده بییر معتبر منبع کیمی استفاده ائتمیشدیر. شاعر اؤز "خمسه" سی نین هر بخش مثنوی سینده بو مسئله سه دؤنه - دؤنه اشاره ائتمیشدیر. آنجاق بو هئجده او دثک دگیل دیرکی، نظامی فردو- سینی تقلید یا تکرار ائتمیشدیر. آخی نظامی یارادیجیلیغی ضروری ولابد اولراق بییر تاریخی ادبی بینووره و قدیم مدنی بییرارث و عنعنه اوزه رینده یار انمالی ایدی. نظامی ده محض بونا گؤره تکحه بردع\* ده الده ائتدیگی یگانه قدیم منبع دگیل وطنین ائله جه ده قونشو خلق لری نین بییر چوخ ادبی آبدهلرینی اوخویوب مضمونلارینا دقت یئتیرمیشدیر. او، فارس، عرب دیللی ادبیاتدان تکجه "شاهنامه" دگیل بییر سیرا دیگر اثرلرله ده تائیش اولموشدور کی، بییر بونلاردان بییرنجه سی نین آدلارینی چکیریک . نظامی اؤز یارادیجیلیقی نین فورمالاشماسی اوچون ایرانین گؤرکملی معاصر عالم لری نین اؤز اعترافلارینا اساسا : "خدای نامک"، "کارنامک اردشیر

---

(\* بردع = فردوسی شهنامه سینه اشاره دیر .

با بکان" ، ۳ - نجی هجری قمری یوزایللیگینده یازیلان ابوحنیفه احمد بن داوادلندینوری ( وفات ۸۹۵ میلادی)نین"الخبیر الطوال" تاریخیندن مؤلفی بللی اولمایان ۵ - نجی هجری قمری یوزایللیگینده یازیلان"منثور اسکندرنامه"دن، هجری ۶- نجی یوزایللیگین اوللرینده ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن موسی طوسی نین قلمی ایله یازیلیمیش"قهرمان نامه"دن یونان دیلیندن سریانی و عرب دیلینه و عربجه دن ده فارس دیلینه چئو- ریلیمیش"داراب نامه"دن ، ابوشکور بلخی طرفیندن یازیلیمیش"آفرین نامه" دن ، دقیق ی نین "گشتاسنامه" سیندن ، ثعالی نین "شهنامه" سی- - - - - نندن جا حظین "المحاسن والاضداد" یندن ، ابو جعفر محمد بن جریر الطبری نین "تاریخ" یندن ، عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس وشمگی- - - - - رین "قابوسنامه" سیندن و بیرچوخ بوکیمی شرق کلاسیک منبع لریندن بهره له- نیب ، اوللاردان تنقیدی صورته استفاده ائتمیشدیر . بوندا گرهک کیمیمی ده ادعا ائتسین کی ، نظامی آدلارینی چکدیگیمیز بومؤلف لری ده تقلید یاداکی اوللاری تکرار ائتمیشدیر . البته کی ، یوخ ، شاعر مختلف منبع لردن استفاده حقینده اغزوده آچیق - آیدین بومسئله یه اشاره ائتمیشدیر :

ز تاریخ ها چون گرفتم قیاس	هم از نامهء مرد یزدانشناس
چو می کردم این داستانرا بیج	سخن راست رو بودره بیج بیج
اثرهای آن شاه آفاق گرد	ندیدم نگاریده دریک نـورد
سخنها که چون گنج آکنده بود	بهرنسختی در پراکنده بود
زهر نسخه برداشتم مایه ها	برو بستم از نظم پیرایه ها
زیادت ز تاریخهای نوی	یهودی و نصرانی و پهلوی
گزیدم زهر نامهء نغز او	زهر پوست برداشتم مغز او

حالبوکی مقدونیه لی اسکندر او برازی نین یار انما سینداهم فردوسی وهم نظامی وهمی ده آدلارینی چکدیگیمیز بوتون مؤلف لرین اساس استناد گاهلاری ، چوخ احتمال کی ، میلادین بیرینجی یوزایللیگینده قلمه آلینمیش ( بعضی لره گؤره ۷- ۷۱ عصرده ) " پسودا کاللسفنا " اثری یا رومانسی اولموشدور .

قید ائتدیگ کی ، بواثر چوخ احتمال کی میلادین ۱- نجی عصرینده قلمه آلینمیشدیر . اثرین مؤلفی کاللسفنا اوزون بیر مدت یونان سرای حکیمی ارسطونون قوهومو کیمی تقدیم ائدیلیمیشدیر . صونرالار بوملاحظه نین یالنیش اولدوقو ثبوت اولوندوقدان صونرا اثره یالانجی کاللسفنا رومانسی\* آدی

(\* ساختا کاللسفنا اثری .



وئریلمیشدیر. اثر مصر و اریانتلاری اساسیندا آنجا ق یونان دیلینده قلمه آلینمیشدیر، صونرا بیرچوخ دیلله اوجمله دن عرب، پهلوی، تورک حبش، سریانی و قدیم ارمنی دیلله ترجه ائدیلمیشدیر. تاریخی آبدله لرله یاناشی بوا اثر شرقده اسکندر موضوعونون یا بیلماسی اوچون اسکندریین بدیعی او برازی نین یا رانماسیندا اساس منبع لردن بیری اولموشدور.

یئددی فصلدن عبارت اولان اثرین فصلی لری بئله آدلانیر:

- ۱- اسکندریین حیاتی و قهرمانلیقی ۲- موتونه و دیگر شهرلرین آلینماسی
- ۳- دونیا آقاسی (اسکندریین) قارشیسیندا اسمه نیانین نغمه اوخوماسی.
- ۴- اسکندریین ائلجی صفتی ایله دارا یانینا گئتمه سی. ۵- درین و ایل سانکا جای حقیندا ۶- اسکندریین دارانی هارادا باسدیرماسی.
- ۷- لبتوس و اریواردی نین قتله یئتیریلمه سی.

بوفصللرده اسکندریین حیاتی، فعالیتی و یوروشلری حقینده گئیش معلومات وئریلیب، همی ده اسکندر ایده آل لاشدیریلیب و مقدس له شدیر یلمیشدیر. (مصرلی لر اؤز تاریخی افتخارلارینی قورویوب ساخلاماق مقصدی ایله اسکندری مصرلی ائتمگه چالیشیب، اسکندری مصرین جادوگر پادشاهی نق تانب نسلیندن اولدوغونو سؤیلمیشلر) همین مسئله ده بواثرده اؤز عکسینی تا پمیشدیر.

بواثرده اسکندریین آناسی نین آدی دا اولیمانیا درج ائدیلمیش دیرکی، بیزیبو حقه بیرقده ر صونرا دانیشا جاییق. اثرده اولان بیرسیرا مسئله لر کی صونرا لاریوتون منبع لرده اوجمله دن ده فردوسی "شاهنامه" سینده و نظامی "اسکندرنامه" سینده ده مختلف نوع لرله اؤز عکسینی تا پمیش دیر بونلاردیر:

- \* اسکندر مصره گله رکن، مصرلی لر طرفیندن قوربانلیق و هدیه لرله قار- شیلانماسی و قیطی لرین و اؤز لرینی اونون اختیاریندا قویمالاری.
- \* دارا ایله اسکندریین توقوشما و محاربه لرین اساس سببی دارانین خراج طلب ائتمه مسئله سی، اسکندریین سرت جوابی، قیزیل یومورتا مسئله سی.
- \* دارانین اسکندره توپ، چوگان و ده ن گؤنده رمه سی، دارا یه اسکندریین کسگین جوابی و هجومو.

\* دارانین وصیتی، اولومو و عائله سی نین اسیردوشمه سی و اسکندریین دارانین قیزی روشنگرله ائولنمه سی ایرانین اشغال ائدیلمه سی و تالان اولو - نماسی.

\* اسکندریین تا بعلیگینده اولان بوتون شاهلاری اولدورمک حقیقته  
ارسطویا مکتوبلا مراجعه ائدیبا ونونلا مصلحت له شمه سی وارسطونون  
آغیللی ودوزگون حوایی واسکندری بوایشدن چکیندیرمه سی. اسکندریین  
شرقه قوشون یورومه سی .

\* اسکندریین هند فیلسوفلارینا مراجعه ائدیبا ، " مندن بیرشئی ایسته -  
یین " دئمه سی، اولارین ابدی حیات تمنا ائتمه لری واسکندریین عاجز  
قالما سی واونون فلسفی نتیجه سی .

بو اثرده بیزیم دقتیمیزی جلب ائدن ان ماراقلی مسئله " اسکندریین  
قادین حکمداری شاه میرام کانداک لی اولکه سینه گئتمه سی. شاه میرامین  
شکل واسطه ایله اسکندری تانیماسی دیرکی، مختلف اثرلرده مختلف وار -  
یا نتلارلا نقل اولونموشدورکی، بیزیم بویوک نظامی ایسه شاه میرانی نوشا -  
به و کانداک دایردع قلمه آلمیشدیر. کانداک یا کنیزه ک همان گنجه  
دئمکدیر .

\* اثرده اسکندریین اوجسوز، بو حاقسیرا میرا سیندا ۱۲ شهر، هامیسی دا  
" اسکندریه " آدی ایله بنا یا بریا ائدیلمه سی درج ائدیلمیشدیر \* اسکندر -  
بن اولومو بابل شهرینده قلمه آلمیشدیر. هله لیک قطعیت له حکم و اثرمک  
اولار کی فردوسی نین اؤزوده سؤیله دیگی فکرلری بیرسیرا تاریخی منبع  
لر ومنثور اسکندرنه مه لرله یا ناشی همین " ساختا کاللسفنا " اثریندن  
یا اونون هانسی بیردیله ترجمه سیندن بهره له نمیش دیروا گرموضوع اعتبار  
ایله بعضی مسئله لر " شهنا مه " ایله " اسکندرنه مه " ده ا و خشار یا مشترک دیرلر  
- سه هرایکی مؤلف بوکیمی قدیم قایناقلارا استناد ائدیبا ونلاردان خام  
مال و اساس قایناق وایلکین ماخذ کیمی استفاده ائده رک اؤز ذوق، سلیقه ،  
استعداد، ذکاء، شرایط زمان و مکاتلارینا اویغون اؤزاثرلرینی یا راتمیش  
دیرلار .

\*\*\* \*\*

ایندی ده ا جازه و اثرین بوموضوعدا بیرنچه شرق منبعلرینه مراجعه ائده ک  
میلادی ۸۹۵ / ۲۸۲ هجری قمری ایلینده وفات ائده ن ابوحنیفه احمد بن  
داوادلدینوری نین کتاب " الاخبار الطوال " اثرینده یئرله شن بیرسیرا  
تاریخی مطلب لرهم فردوسی وهم نظامی اثرلرینده اؤز عکسینی تاپیرا و جمله  
دن دارانین یونان دان باج و خراج ایستمه سی موضوعو، هره سی قیرخ مقال  
وزنی اولان یوزمین قیزیل یومورتا مسئله سی. همین مؤلف دارا بیسن \*\*

(\* محمدعلی تربیت دانشمندان آذربایجان ص ۳۸۴ \*\*) گویا دارا ب اسکندر  
ین اصل آتاسی دیر .

فیلیپین قیزینا ائولنمه‌سی وقیزین آغزیندان بیس ایی گلمه‌سینه‌گوره  
گئری قایتا ریلما‌سی مسئله‌سینی قلمه‌آلمیشدیر .

دینوری یه‌گوره ایران پادشاهی بهرامین اوغلو دارا ب یونان پاد-  
شاهی فیلیپین قیزی ناهیدله‌ا‌ئوله‌نیر . ناهیدحامله‌ولور . آنجا ق اونون  
آغزیندان خوشا گلمز ایی گلدیگینه‌گوره دارا باونوگئری گونده‌ریسر .  
ناهیدمقدونیه‌یه‌قاییدیر . آغزی نین بیس ایی‌نی سنده ر آدلی بیراوتسلا  
معالجه‌ا‌ئدیرلر . ناهیدوضع حمل ا‌ئدیب بیراوغلان گتیریر . اونومعالجه  
ا‌ئده‌ن اوت‌خاطرینه‌ا‌وغلانین آدینی ال - سنده ر قویورکی ، بودا صونرا  
الاسکندر ( آلكساندر ) سؤزونه‌چئوریلیر .

فردوسی ده " شاهنامه " سینده‌همین حادثه‌نی تخمینا عینی ایله‌تکرار  
ا‌ئدیر و یازیر :

دل پادشه‌سردگشت از عروس فرستاد بازش برفیلقوس . . .

غمین دختر و کودک اندر نهان نگفت آن سخن با کسی در جهان

چون ماه بگذشت بر خوبچهر یکی کودک آمد چوتا بنده مهر

زبالاواروند بویا ———— سکندر همی خواندی مادرش

ماراقلی دیرکی ، فردوسی دادینوری کیمی اسکندر سؤزونون لفظی معنا  
سینی آغزندان بیس ایی آپاران اوت ایضاح ا‌ئتمیشدیر . آنجا ق یونانلی  
لارین اؤزلی بو آدین معنا سینی " بشرمدافعه‌چیسی " قید ا‌ئتمیشلر .

یوخاریداکی اپیزودون قلمه‌آلما سیندا فردوسی ایله نظامی آراسیندا  
تام اختلاف و ضدیت واردیر . نظامی مسئله‌نی تما میله‌بونون عکسینه‌قویور و  
بیرچوخ بوکیمی واریانتلارین هامی سینی ردا‌ئدیر . مثلا گنجه‌ا‌وستادی  
اسکندر حقیقده همین احوالاتی و یوباره‌ده‌کی دیگر ملاحظه‌لری تما میله‌رد  
ا‌ئدیب اسکندربین یونانلی اؤزوده فیلیپین اوغلو ولدوقونو تصدیق‌ا‌ئدیر  
دگرگونه دهقان آذر پرست به‌دارا کند نسل او باز بست  
زتا ریخها چون گرفتیم قیاس هم‌از نامه‌مردیزدان نشناس  
در آن هر دو گفتار چستی نبود گزافه سخن را درستی نبود  
درست آن شدا ز گفته‌ه هر دیار که از فیلقوس آمد آن شهریار  
دگر گفته‌ها چون عیاری نداشت سخنگو بر آن اختیاری نداشت  
نظامی نین بواحوالاتدا دینوری و فردوسی ملاحظه‌لرینی ردا‌ئتمه‌سی  
تاریخ طبری ایله اویغون گلیر . تاریخ طبری ده‌ده اسکندر فیلیپین اوغلو  
کیمی تقدیم ا‌ئدیلیر . . . .

ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (۹۲۳ - ۸۳۸) "تاریخ الامم و الملوک" آدلی اثرینده اسکندرین حیاتی، شخصیتی و حربی فعالیتی ویو- روشلری حقیقینده گئنیش معلومات و ثرمیشدیر. بیوک نظامی نین گوزون کئچیرتدیگی قایناقلاردان بیرسی ده همین منبع اولموشدور.

طبری ده اسکندرین ایران پادشاهی دارابین اوغلو اولدوغو اوید- ورماسینی رد ائدیر. آخی داهی فردوسی ایران عنعنه و عادتلرینه اساسا واستنادا اسکندرین "فر" صاحبی اولوب هخامنشی نسل و سلاله سیندن اولدوغونو و بونا گوره ده ایران تخت و تاجینا چا تا بیلمه سی حقوقونا مالک اولابیلمه سی ملاحظه سینی نظمه چکیر. نئجه کی، واختیله مصرلی لرده اغوز تاریخی افتخارلارین سا خلاصه قدان اغوتری مصر پادشاهی نق تانب نسل - ایندن حساب ائدیرلر. آنجا ق طبری بوا ویدورمالاری رد ائدیر. اونون ماکدونالی فیلیپین اوغلو اولدوقونو تثبیت ائدیر. نظامی ده همین ملاحظه نین طرفدار ی دیر. باشقا نظر و ملاحظه لری رد ائدیر.

طبری اسکندرین نسلینی، اولو بابا لارینی آپا ریب عیص و اسحق و نهایت خلیل الله نسلینه چیخاریر کی، نظامی ده اغوز "اسکندرنامه" سینده همین فکری تصدیق ائدیر:

نو آئین ترین شاه آفاق بود نوه زاده عیص و اسحق بود

دئیه، یئنه ده فردوسی رد و طبرینی تصدیق ائدیر.

طبری تاریخی ایله نظامی اسکندرنامه سینده اولان مشترک مسئله لر- دن بیرسی ده دارابین اغلوم فاجعه سی و اونون کیمین طرفیندن و نه شکلده اولدورولمه سی مسئله سی دیرکی، یئنه بومسئله فردوسی ده باشقا بیر شکلده و ثریلمیشدیر.

دارابین اسکندرین باج و خراج طلب ائتمه سی، توپ، چوگان، دهن، قیزیل یومورتا مسئله سی طبری تاریخینده همده نظامی اسکندرنامه سینده اغوز عکسینی تا پیر. آنجا ق طبری تاریخینده بیر مسئله نظامی طرفیندن قبول ائدیلمیر. اودا اسکندرین آناسی نین آدی مسئله سی دیرکی، طبری اونون آناسینی هولای سندروس آدلاندیریر. بو قادی "ساخا کا للسفنا" روما نیندا اولیمپیا، فردوسی شاهنامه سینده ناهید و تورک دیللی منبع لرده رقیه آدلان - دیریلیر. بودورکی، بعضی منبع لرده هم اسکندرین وهمده آناسی نین مصرلی، ایرانلی و لدوقوم دعا لارینی ایره لی سورورلر. آنجا ق نظامی بوکیمی بیر طرفلی و غیرجدی ملاحظه لری رد ائدیر هم اسکندرین همی ده آناسی نین یونانلی اولدوقلارینی تصدیق ائدیر. آنجا ق اسکندرین آناسی نین آدینی چکمیر و سؤیله نیلن آدلارین دا هئج بیرسینی انکار یا تصدیق ائتمیر و بو حقدده بیرسوز دانیشمیر.

\*\*\* \*\*

## حضرت محمد بن (ص) اولاد لاری

كُلُّ ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودٌ إِلَّا صَاحِبُ التَّوَّاضِعِ .

هر نعمتین صاحبینه کیحیکله نرلر، مگر آچاق کؤنوللویه .  
كُلَّمَا طَالَ عُمُرُ الْمُسْلِمِ كَانَ لَهُ خَيْرٌ .

مسلمان عمرونو اوزادان هرشئیده خیر وار .

بِزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ .

تانری یانیندا دنیانین زوالی بیرمسلمان کیشینین اولدورولمه سیندن  
یئنی دیر .

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الرَّاشِي وَالْمُوتَشِي .

تانری نین قارقیشی رشوه وئرهنو رشوه آلانا اولسون .

لَعَنَ اللَّهُ الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالْمُتَوَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ .

تانری، مخنث کیشی و کیشی کیمی کؤرونن آرواتلارا لعنت ائدر .

لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ .

هر دردین دواسی وار، گناهلارین دا دواسی عفو دیله مک دیر .

كَنْ يَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ سَيِّفَيْنِ: سَيْفًا مِنْهَا وَسَيْفًا عَدُوَّهَا .

تانری بو امته ایکی قیلیجی بیر آرادا اسیرگه سین، بیر اوز قیلیجی  
سیرده دشمن قیلیجی .

لَادِينَ إِلَّا بِمُرُوءَةٍ .

مروتسیز دین اولماز .

لَادِينَ لِمَنْ لَاعَهْدَ لَهُ .

ایلغارسیزین دینی اولماز .

لَا نَدِيمَ مَنِ اسْتَشَارَ وَلَا فَتَقَرَمَنِ اقْتَمَصَدَ .

مشورت ائدن پشیمان، و مقتصد آدام فقیر اولماز .

لَا يَحْتَكِرُ إِلَّا خَاطِيٌّ .

خطا کاردان باشقا کیمسه احتکار ائتمز .

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا رَحِيمٌ .

رحمی اولمایان بهشته گئتمز .

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَلَا بَخِيلٌ .

حیله کار و پاخیل آدام بهشته گئتمز .

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَيِّئُ الْمَلَكَةِ .

بداخلاق آدام بهشته گئتمز .

ترجمه ائدن: ج- هیفت

م.ع. فرزانه نین "آنا دیلیمیز و ملی وارلیغیمیز اوغروندا خاطره- لر"ی "وارلیق"دا نشره باشلایان گوندن، بیز اوخوجولاریمیزدان بو خاطره لر و اونلارین نشری ایله رابطه ده مکتوبلار و حضوری ممنونیت ل— آلمیشدیق. بو مکتوبلار و ممنونیت لر گاهدان بیزه، گاهدان دا م.ع. فرزانه نین اؤزونه جاتمیشدی. ایندی بو مکتوبلار و ممنونیت لر بیر باشا جواب سیز قالما سین - دئییه، اونلاردان ایکی سینی، بیرینی ایلک نوبه ده قوجا مان و دونیا گۆرموش بیر آذربایجان لیدان آلدیغیمیز مکتوبو ایکینجی سی ده صون زمانلاردا بیر نئچه جوان وطنداشان اداره یه جاتان مکتوبو درج ائدیریک :

بیرینچی مکتوب - مکتوبون اصلی فارسجادیر، اما، بیز بورا دادا اونون تورکجه مضمونو و اثریریک - وارلیق محله سی نین حرمتلی مدیرینه مجله نین صون نمره سینده معلم م.ع. فرزانه ایله صاحبه نین اولموش دور. معلم فرزانه بو صاحبه ده سینه دفتیرینه یادگار ساخلادیغی اوشاقلیق و جوانلیق خاطره لری ایله بیرلیکده، اؤز عزیز، قایغی کش وهر بیر درده قاتلاشان آناسندان یاددا قالان قوشمالار و بایاتیلاری، اولدوقجا صمیمی و حانا یاتار بیر دلیل ایله نقل ائتمیشدی. سیزی اینان دیرماق ابستره دیم کی، سۆزلرین اؤگره دیجی و دوشوندور وحو اولماسی، منیم اوره گیمین درینلرینه ایلک دفعه حیدربابانی اوخودوغوم زمان جانلانا احساسی یاراتدی و روحودا سیلینمز ایزلر بورا خدی، سیزدن رجا ائدیرم معلم فرزانه نین بو آجی - شیرین خاطرلرینه مجله ده دوام ائده سینز، تا بو خاطرلر ایله علاقه له نن لر و بو تورپاغین اولادلاری، بو آینا کیمی صاف و ریادان و یالاندان اوزاق خاطره لر ایله فایدالانیب، تجربه قازان - سینلار. اولایلسین کی بونلار گله جک نسل لره چراغ اولسون .

احتراملارلا - آمیغی

ایکینجی مکتوب - وارلیق محله سینده چالیشان انسانلارا سلام، اوزاق یوللاردان، اما بیر اوره کدن سیزی آلقیشلا بیریق. عزیز قارداشلار سیز آنایا وطنین حراغینی یان دیران و فرهنگی باخمدان آذربایجان جوانلارینا یول گۆسته رن بیر ملی وارلیق سیز، بیز سیزلرین یولونوزو اؤگره نمگله و اوندان تجربه آلماقلا سبزیله بیرلیکده آد دیملای بیریق.

===== آنا دیلیمیز و ملی وارلیغیمیز

===== اوغراندا خاطرهلر

\*\*\* ۵ \*\*\*

دانشرانین ایکینجی ایلینده، بیز اورانین یاتارلی قسمتینه آلیندیغیمیز سیرادا، دانشرانین یاتارلی قسمتی نین سرپرستی و ادبیات معلمی، بیزه ابتدائی مدرسه نین بیرینجی کلاسیندا معلمیک ائدن رحمتلیک غفار بینش پور اولموشدو.

بیز، ابتدائی مدرسه نین بیرینجی کلاسینی قورتاراندا ن صونرا، بیز داها بینش پورو او مدرسه ده گورمه دیک، سن دئمه بوآرادا، بیزیوخاری کلاساردا دولاشدیغیمیز ایللرده، او تهرانا گفتمیش، دانشگاهدا اوخوموش دانشگاه ی قورتارمیش، بیرنچه ایل آیری - آیری شهرلرده معلم ولموش و ایندی ده شهریور حادئسی اونو اعز شهرینه قایدیب دانشرادا ادبیات معلمی و سرپرست اولماغا امکان یار اتمیشدی. منیم اوشا قلیق ایللرینده تانیدیغیم بینش پور، اولدوقجا آلچاق گویول، اوشا قلارین قایغیسینا قالان، اونلارین دردلری و محرومیتلری ایله آجییان، اونلارا درس لرینده یولا دوشمگه یار دیم ائدن وهر بیرینی بیردیل ایله دیندیرن معلم ایدی. هئج یار دیمدان جیخماز، ابتدائی کلاسدا اوخودوغوموز سیرادا، اوشاق لارین آراسیندا بیر "دالا قالمیش" اوشاق واری ایدی. بو اوشاق ذهنی جهتدن ضعیف اولدوغو حالدا، انسانلارین محبتینه درین حرمت بسله پن بؤیوک اوره کی واری ایدی، اولغان ایکی ایل بیرینجی کلاسدا قالدیغی حالدا، حرف لری یاخشی باشا دوشمه دیگی اوچون، اوچونجو ایلی ده گینه همان کلاسدا قالمیشدی. اونون کلاسدا دوروش گتیرمه سی نین باشلیجا سببی، بینش پور و محبتلری، اونو اعز دیلی ایله دیندیرمه سی و بیریپارا اوشا قلارین قاخینج لاریندان قوروماسی ایدی.

بینش پور او مدرسه دن گئدندن صونرا اوشاق دا مدرسه دن آباق چکدی اوشاغین آدی غلامرضا ایدی، هر وقت او - بو صوروشاندا کی، غلامرضا، بس نییه مدرسه یه گئتمیرسن؟ دئیهردی: هر وقت میرزا غفارخان تاپیلیب گلسه، اوندان من ده گئدیبا ونون کلاسیندا اوتوراجا غام. میرزا غفارخان - نین تاپیلیب گلمه سی اوزون چکیر، اوشا قلار کوجه ده غلامرضانی گوره نده اونونلا باش - باشا قویوب دئیهردی لر: غلامرضا، میرزا غفار گئستدی

گندهر گلمهزه، غلامرضا بو سوزو ائشیتجک برک عصبی له شیب، ائوزلوگوندن  
چیخار و باغیراردی، ددهن گئتسین گندهر گلمهزه، نهنن گئتسین گندهر  
گلمهزه، ائوزون گئت گندهر گلمهزه، بئله لیک له ده او، درین منتدارلیق -  
فینی گوردوگو محبتله نسبت بیلدیردی .

بونا گوره ده، من اوزون ایللردن صونرا بینش پورون بیزه تا زادن  
معلم اولاجا غینی ائشیده نده چوخ سئویندیم و بوسئوینجیمده صداقتلی و  
معصوم بیر آدمی دا ائوزوم له شریک ائتمک اوچون، گونلرین بیرینده  
اونون خیرینی غلامرضا یا چا تدریدیم. غلامرضا یئردن گئییه سئویندی، صونرا  
بیرمدت فکیرلشدی و بیردن بئله بیرسئوال وئردی - فلانی، گوره سن  
بینش پور ائله همان بینش یوردو، یا لکه اودا بیرچوخلاری کیمی دگیشیب؟  
آخی روزگار چوخلارینی دگیشیر... غلامرضانین بوسئوالی منی دوشوندور -  
سده هله لیک اونا جوابیم یوخ ایدی .

اما غلامرضا حقلی ایدی، روزگار بیرچوخلارینی دگیشدیردیگی کیمی  
ابتدائی مدرسه نین بیرینچی کلاس معلمی اولان آلچاق گویول، خوش گولش،  
اؤز ملی وارلیغینا و آنادیلینه حرمت بسله یین بینش پورودا بوسبوتون  
دگیشمیشدی. تهران دانشگاهی نین او گونکو فضا سی، بیر پارانژادپرست  
وفا شیست مسلک اوستا دلارین اورادا میدان گزدرمه سی، مملکتده حاکم  
کسیلمیش فارس اولمایان خلقله توهین و تحقیر روحیه سی، آذربایحانلی  
لارین "خشن" و "دیل آنلاماز" اولدوقلاری باره ده آپاریلان گئنیش  
تبلیغات، بجرچوخ آذربایحان روشنفکرلری کیمی، بینش پورون دا روحیه  
سینده ائرقویموش وانودا (أَتْرُک التُّرک ولو کَانَ أبوک) لاردان ائلمیشدی.  
دانشرادا یئرلی اوشاقلارلا بواحوال روحیه ایله ایشه باشلامیش بینشپو -  
رون آراسیندا آجیق و گیزلی توققوشما چوخ تئز باشلادی. یئرلی یئرسیز حالدا  
فارسلار اهوادا رچیخماق، اونلارین یا رامازلیقلارینی ائورت - باس دیرا ائتمک  
اونلارلا بیردیله و یئرلی اوشاقلارلا آیری بیردیله دانیشماق و بوکیمی  
آیری سئچگینلیک لرایسته ر - ایسته مزبیزلری اونولا اوزبه اوزقویدو، بو  
اوزبه اوزلوکده اورتا یا چیخان توققوشما لارین بیرچوخو گونده لیک مسئله لر -  
ین آراسیندا ایتیپ - باتیر، اما بعضیلری قابا ریرسوز آتیشما لارینا و  
مجادله یه باعث اولوردو. اجازه وئرین منیم ائوزوم له باش وئرمیش بو آتیشما  
ومجادله لرین ایکسی یا اوچو باره ده سیزه دانیشیم .

تبریز دانشراسیندا اولدوغموز ایلدر، بیزی فارسی دانیشماغا



"عادت" و "ترمک" و هر یئرده گونده لیک مسئله لری میزی بودیل ایله حل ائتمک مسئله سی هامیدان اساس یئر توتوردو. بو ایشین باشلیجا سببی اوندا ایدی کی، گویا بیز معلم اولاجا غیق و معلم اولونجا دا آذربایجان دیلی نین آرادان قالدیریلما سینا و فارس دیلی نین اونون یئرینه یئرله شدیریلمه سینا یاردیم ائده جه ییک. مسئله بیر چوخ وقت لر اؤزونه جوخ جدی حال آلیر و اولدوقجا حیاتی بیر مسئله یه چئوریلیردی. ائله بیل بیزیم اؤز آرامیزدا، یا اویاندا، بویاندا، فارس دانیشما غیمیز-ینان حیاتی بوتون چتینلیک لری حل اولاجا ق، بوتون محرومیت لر، حق سیز لیک لر، ایشیز لیک لر، وغرولوقلار، اگری لیک لر آرادان قالدیریلما ق. بیزلری کلاس اداره ائتمک و تدریس یوللاری ایله عملی حال داتانیش اولماق اوچون، هفته ده بیرگون یا ایکی یاریم گون ابتدائی مدرسه لره گونده ریردی لر. بو عملی ایشه گئندنه بیر طرفدن توصیه اولونوردو کی، اوشاقلارین روحیاتی ایله یاغیندان تانیش اولماق اوچون اونلارلا "مشترک دیل" تاپماق، او بیری طرفدن ده جدی تاپشیریقلار و ثریلیردی کی دانیشیق لاریمیزین هامیسی فارسجا اولسون، تبریزده، یا آذربایجانین هر یئرینده ابتدائی مدرسه نین ایکنجی - اوچونجو، حتی آلتینجی - کلاسیندا باشدان - باشا فارسجا دانیشماق هله آیری - آیری آنلاشیل - مازلیقلاری بیر یاندا دورسون، بیزی اوشاقلاردا ن آبی ریر و اونلارلا "مشترک" دیل تاپماقدان اوزا قلاشدیریردی.

دانسرا یولدا شلاریندان بیر چوخلاری کیمی من ده اوشاقلارلا مشترک دیل تاپماق، یا سوزون حقیقی معناسیندا اونلارین محرومیت لری، نیسکیل لری، ایسته ک لری و آرزیلاری ایله یاغیندان تانیش اولماق خاطره، ایلک کلاس گئتدیگیم گوندن تورکجه دانیشما غا باشلادیم.

بیرگون بیزلردن نجه سی ابتدائی مدرسه نین کلاس لاریندا "تدریس عملی" یه مشغول اولدوغوموز سیرا دا، بینش پور اؤزو تکلیکده یا یادیمدا دگیل بیر آیریسی ایله اورایا باش چکمه گلیر. او، کلاس لارین بعضی لر-ینه باش چکیر، اما من اولدوغوم کلاس گلیمیر. سن دئمه، صورالارا اؤزونون دئدیگی کیمی، او مدت لر قاپی نین دالیندا آتاق ساخلیر و منیم اوشاق لارلا تورکجه دانیشما غیما قولاق آسیر. ایکی اوچ گون اوندان صورنا، او منیم تکلیف دفتیریمین حاشیه سینده بئله بیر مطلب یازیر "کسیکه رهنموهای مدرسه را در بارهٔ مسائل اساسی آموزش و پرورش ندیده بگیرد، هر قدر هم

تکالیفش را دقیق و تمیزانجا مدهد، بی انضباط محسوب می شود ."

مسئله نین منه عاید اولدوغو شهه سزایدی. مطلب منیم دفتریمین قبراغیندا یازلمیشدی. بو مسائل اساسی نین نه دن عبارت اولدوغوندا ن ومنیم هارادا اولناری "ندیده" توتما غیمدان خبرتوتماق اوچون اونما مراحه ائتدیم. او منیم و آیریلاری نین کلاسدا تورکجه دانیشما غیمی زی اورتایا چکدی و بو ابشین "باغیشلانیلماز بیر اؤز باشینالیق" اولدو- غونو قید ائتدی .

من اوگونه قدهر اوخودوغوموز پداگوژی (تعلیم و تربیت) کتابلاری نین هئج بیرینده کلاسدا اوشاقلارلا اؤز آنا دیل لرینده دانیشما غین "باغیشلانماز اؤز باشینالیق" اولدوغونون یازیلما دیغینی و اونون هارادان و هانسی اوستادین نظری اساسیندا بو نتیجه یه گلیب چا تدیغی نی صورتونجا او دوداق بوزوب دئدی : دئیسه سن بو ایلکی سئرحه بیلدیر کی سئرحه یه جیی - جیی اؤگره دیر!...

هله مسئله بونونلا دا قورتارمادی. اوگونلرده آذربایجانین معارف رئیس ی محمدملکزاده، ملک الشعرا بهارین قارداشی ایدی. آقای ملکزاده عائله سی تبریزده اولما دیغی اوچون بیرمدت دانشسرادا بیر کیچی سک اوتاقدان پانسیون کیمی یاشاردی. او سن سیز - صداسیز گئدیب گله روهئچ کمینن ده ایشی اولما زدی، بونونلا بئله او، بیرگون کتابخانادان کتاب گؤتوردوگو مجال چوخ حدی بیرحالدا مندن صورتو شدو:

- بعضی از شما ها سرکلاس تدریس عملی ترکی صحبت می کنید، این درسته؟  
- بلی درسته .

- حتما این کار علت خاصی داره، می تونید علتش را توضیح بدید؟

- علتش حرف زدن در زبان خودبچه ها و پیدا کردن تفاهم بیشتر با آنهاست او، بیرنئجه لحظه فکیرلشدی و صورنا دئدی :

- اگر دلیلش این باشد، در این صورت حق با شماست .

کنار داندان گلمه بیر آدام، نژادپرست اولدوغو و آذربایجان ی فاسلاش - دیرما قدا "ملی" واداری وظیفه داشیددیغی حالدا، اوشاقلارینان مشترک دیل و آنلایش تاپماق خاطره، اولنارلا اؤز آنا دیل لرینده دانیشماق مسئله سینده بیزه بیرپارا "قینیندان چیخیب، قینیننی بگه نمه یین" قارابوغاز روشن فکرلریمیزدن چوخ یاخین ایمیش ...

دانشسرادا اولدوغوموز ایللر، اوراسین "عملی" برنامه سنده یئر توتان ایشلردن بیری ده، بیزلری شهرین بعضی عمومی وصنعتی تاسیسات لاری ایله تانیشتیمک ایدی. بوابش، ایسته رسه بوتاسیساتلاردا اولان ایش مکانیزمینی یاخندان گئورمک، وابسترسه ده اورادا اولان ایش شرایطی ایله تانیش اولماق باخمسدان جوخ فایدالی ایدی. بوابشین هامیدان فایدالی طرفی اوراسی ایدی کی، بوتاسیساتلاری گئوروب قاییدانندان صورنا اوشاقلار بو گئوروشلردن آلدیغی احساس وتاثراتی کاغاذ اوسته گتیرمه لی ایدی لر. بو یازیلار اوشاقلارین اؤزلریندن آسیلی اولمایا- راق، بعضا اولدوقحا درین، دولغون، احساسلی، بعضا ده جوخ قورو، اوزدن گئجه و دگرسیز جخاردی. یازیلارین بو حوره فرقلی جیخماسی نین علتی هر بیر گرده اوشاقلارا باشجیلقب وسرپرستلیک ائدهن معلمین کارکتر - یندن آسیلی اولوردو. فارس دیلیندن قیراغا جیخماغی اؤزلرینه وها بیله شاگردلره حق وئرمه بن معلمر بوگردشدره مؤسسات وکارخانالاردا اولان ایشجیلره و مسئوللارا فارس دیلی ایله یانا شدیقلارینا گوره اون- لاردان لازمی معلوماتی آلابلمیر و اونلارین ایش شرایطی ایله ده یاخیندا اوغراشانمیردیلار، عکسینه فارس دیلیندن قیراغا جیخیب کارگرلرین و مسئوللارین اؤز دیللرینده دایشان معلمر، اونلارین بوتون شرایطیندن دردیندن، اوتوندان خبر توتور واونلارلا قایناییب قاریشیردیلار. اوشاق لارین یازیلاری نین بعضا دولغون و احساسلی، بعضا ده سؤنوک و قورو جیخماسی نومسئله دن آرایا کلیردی. بیله لیک له اوشاقلارین نجیب یا نانحیب (او وقتلر نیز معلم لری بیری - بیریندن آئیرد ائتمک اوچون بو کلمه لری ایشله دردیگ) سرپرست له گئوروشه جیخمالاری اونلارین یازی لاریندا گؤزه چارپان ایز بوراخاردی .

بیرگون تهریزین چراغ کارخانا دئیلهن برق کارخاناسینا گئده- جگیدیک، سرپرست بوگردشین گزارشینی یازماغی منه تکلیف ائتدی. برق کارخاناسینا یولا دوشمه دن سرپرست کارخانانین باش مهندسی نین بییر خارجی اولدوغوندان، خارجی لرین اولدوقحا حدی وشوخلوق گؤتورمه یین آداملار اولماسیندان، بونا گوره ده بییزیم کارخانادا اولدوقحا ملاحظه- لی و احتیاطلی اولدوغوموز ویئرسیز سئوال - صورغو وئرمه مه گیمیز- باره ده توصیه لر دانیشدی . کارخانادا بییز، کارخانانین خارجی مهندسی و بیره اللی - اللی بیئش یاشیندا ساحلاری آغارمیش، اما اؤزو ایسته -

دیگین قدر سا غلام و بازو بیلکلی تبریزی موتورخانا مسئولو ایله قارشیلادیق. خارجی مهندس دوداغیندا پیپ، گوی گۆز، قولقلاری نین و بونونون دالیسی قبرخیق بیرآدام ایدی. او، اللری شالوار جیسنده، آياقلاری بیری - بیریندن آراللی بیرطرفده دورموش و گۆزونون یانی ایله آتدان بوخاری بیزه باخیردی. سرپرست اونولا خوسانلاشماق ایسته دیسه ده او، اصلا بیزی آدام یئرینه قویمادی. اما موتورخانا مسئولی جوخ احترام و گولر اوزله بیزه "خوش گلیمسیز" دئدی. صورادا بییزی موتورخانا یا هدایت ائتدی. او، خالص تریب دیلینده دانیشیر، هر سۆزه اوز یئرینده و اولدوقجا بیغمام حواب وئریردی. سرپرست اونون تورکی دانیشماسیندان ناراحات اولموش کیمی موتورجونون سۆزونون آراسین کسدی و توضیحلرینی فارسجا وئرمه سینی اونا تکلیف ائتدی. کیشی بیر آرز دوروخسوندو، صورادا کنایه لی گولومسه ییب دئدی :

- من درس اوخوما میشام، فارسی بیلمیره م، بو اوز یئرینده، اما مگه سیز هامیز آذربایجانلی دگیلسیز ؟

- نییه ؟ ایچیمیزده دؤرد - بئش نفر فارس دا وار .

ماتورجونون باخیشلاری اوشاقلارین سیماسیندا گزیشمه گه باشلادی ائله بیل او، بیر سۆز تاپیب دئمک ایسته ییردی. اوشاقلارین ایچیندن بیری دانیشدی :

- عیبی یوق، بیز تورکی حالی اولوروق .

دانیشان فارس اوشاقلاردان بیری ایدی .

کارخانادان قاییداندان ایکی - اوچ گون صورادا من ایشین گفد -

یشینی اولدوغو کیمی، خارجی مهندسین بیزه اعتنا ائتمه دیگیندن توتموش تا فارس دوستوموزون "بیز تورکی حالی اولوروق" دئمه سینه قدر یازیب دفتریمه کؤچوردوم و سرپرسته وئردیم .

صباحی گون او دفتری منه قایتاردی. او، دفترین یازیلدیغی صفحه سینی جیریب گؤتورموش و او بیری صفحه ده بئله بیر یاداشت بوراخ - مشدی : "نوشتهء شما اصلا به خواندنش نمی آرزید... گؤرونور آتیلیمیش اوخ درست هدغه دگمیشدی .

اوشاقلار بوسۆزو گؤره نده هامیسی او یازینی گؤرمگه علاقه له ندیلر. یازی نین اوزونو اوشاقلارا وئردیم بیر به بیر اوخودولار بونون خبری هارادانسا معلم لرین ده قولاغینا گفدیب چاتمیشدی. نچه گوندن صورادا

طبیعیات معلمی مرحوم علی اصغر دیبائیان او یازینی مندن ایسته‌دی  
 دیبائیان تبریزین یاغشی معلم‌لریندن یا اوگونون اصطلاحینا گؤره نجیب  
 معلم‌لریندن بیری ایدی. اونون کلاسدا بیرچوخ وقتلر درسدن قیراخ‌آپار  
 - دیغی صحبت‌لر اوشاقلارین اجتماعی - ملی شعور سویه‌لری نین یوخار  
 گئتمه‌سینده مؤثر اولوردو. من یازینی الیم گلمیه - گلمیه دیبائیانا  
 وئردیم. او، بیرنچه گون صورنا درس باشیندا یازینی منه قایتاردی.  
 یازی نین حاشیه‌سینده بئله بیر مطلب یازمیشدی: نوشته شما به چندی  
 بار خواندش می ارزید، من آنرا سه بار به دقت خواندم و هر بار هم که  
 خواندم بیشتر عبرت گرفتم. موفق باشید".

ایندی نه او، اولکی یازی، نه‌ده ایکینجی یازیدان بیر نشان قالما -  
 میش، اگر قالسایدی، حتما آداملاری تانما قدا و گنجمیشی او گره نمکده  
 درده دگن سندلر سیراسیندا دورا بیلهردی ...

\*\*\* \*\*

دانشسرانین ایکینجی ایلینده او خودو غوموز سیرادا، بیرگون شهره  
 سس دوشدو کی، تبریزده صحنه‌اثرلری گؤسته‌رمک اوچون او تایدان بؤیوک  
 تعاتر دسته‌سی گلیدیر، بوخبر، هر یئرده دیلره دوشدو گو کیمی، دانشسرادا  
 دا آغیز با آغیز گزدی. او یونلار تبریزین شیرخورشید صحنه‌سینده گؤ-  
 سته ریلیردی. بیزلردن بعضی لری قاباقچا دان او تاییین صحنه‌اثرلری  
 باره‌ده آرز- جوخ بیرشعیلر ائشیتیمیشدیک. من ائویمیزده قدیمدن قالان  
 بیرنچه تورکی نمایشنامه‌نی اوخویوب، اونلاری جوخ خوشلامیشدیم. بیز  
 بو نمایشلری گؤرمک آرزویسه آلیشما قدا ایدیق کی، خبر گلدی، صحنه‌هفته  
 ده بیرگون معارف ایشچیلرینه اختصاص وئریلیر، و بئله‌لیک له بیزدن ده  
 یاخین گله‌جکده معارف ایشچیلیسی اولاجا غیمیزا و چون دعوت ائدیلیمیشدی.

تعیین اولونموش گون بیز معلم‌لرین بیرنچه‌سی ایله بیرلیکده یاریم  
 ساعات تاماشانین باشلانما سینا قالمیش شیرخورشید صحنه‌سی نین سرسرا -  
 سیندا ایدیک. هله نمایش باشلاما میشدی. بونودا دئییم کی، بیزلر نمایشن  
 آرز- جوخ باشیمیز چیخدیغی حالدا، اوگونه قدهر بیردانا دا اولسون،  
 اوره‌گه یاتان صحنه‌اثری گؤرمه میشدیک. دوغرو دور، گاهدان بیرمدرسه‌ده،  
 یا شیرخورشید صحنه‌سینده بیربارا فارسلی نمایشلر وئریلیردی. لکن، بو  
 نمایشلرین فارسجا اولدوغو، موضوعلارین خلقین احوال روحیه‌سی ایله  
 اووشما دیغی اوچون درین تاثیر بورا خماز و جماعت طرفیندن آلیشلانما زد

عضا اوندان - بوندان ائشیتیمیشدیک کی، سابق، یعنی تورکی نمایشلرین قدغن ائدلمه سیندن اول، تبریزده تورک دیلینده وئریلن نمایشلر چوخ وقتلر هفته لر و آبلار صحنه ده اولارمیش. صورالار من او، نمایشلرده اشتراک ائدن آرتیستلرین بیرنجه سیندن ائشیتدیم کی، تبریزده چوخ حائلی تئاتر رپرتوواری (صحنه ده نمایش او حون سینا نمیش اثرلر محمو - عه سی) وارا ییمیش. بوندان علاوه، تبریزین او زمان صحنه خادملریندن اولان رحمتلک محمدعلی رشدی قاباقلاردا اشاره ائتدیگیم کیمی، ابتدا - ئی مدرسه ده سیزه دؤردونجو کلاس معلمی اولموشدو. رشدی کلاسدا اولدوقجا جدی و آرزادا حوصله سیز آدام اولدوغو حالدا، آغوز ایشینده، صحنه - حیاتیندا باشی یوموشاق و حوصله لی آدام ایدی. بونو من داها صورالار دانشرادا اولدوغوم زمان رشدی نون بورادا "هنرآموز" تئاتر وظیفه - سینده گؤسته ردیگی خصوصت لرده دویا بیلدیم. البته یئری گلمیشکن بونودا آرتیلمالیبام کی، رشدی عین حالدا، آذربایجاندا تورکی تئاتر قدغن اولاندان صورادا رابطه سیننی صحنه ایله کسمه میش و اوزون ایللر "لهجه سیز" فارسی دانیشماغا حان آتمیشدی. لکن بو خصوصدا ونون موفق اولوب اولما دیغینی آغوزوندن صوروشاندا آه جکیب دئییه ردی: اون ایسل آغوز دؤوره مه فیرلاندیم، اما آخیردا باش گیجه لله نمه سیندن ساوای بیر شئی گؤرمه دیم. دانشرادا من رشدی نی هارادا بیرگیره سالار و تبریزین گعجمیش تئاتری باره ده اوندان بعضی شئیلر صوروشا ردیم. او، آرتیسیلیگی یادینا دوشنده اوزون - اوزادی و معلملیگینی یادا سالاندا حوصله سیز و قبریق قوروق حواللار وئره ردی...

هر حالدا، او آخشام من ده شیروخورشید صحنه سینده یوزلرجه آیریلاری کیمی صر سبزلبک له تما شانین باشلانما سیننی گؤزله بییردیم. بیر طرفده دایانمیشدیم و ناخیشلاریم جه ره لرده گزیشیردی. بییردن سررانینسن او طرفینده گؤزوم رشدی یه ساتاشدی. او، بیرنجه نفر ایله دانیشیردی و نا طرف آددیم لادیم. بو آندا او دا حؤنوب منی گؤردو، آددیم لارینی باسا - باسا منه طرف یؤنلیدی. یاخینلاشینجا یاری حدی - یاری شوخی گوله گوله دئدی: قره داغلی (او یادیما گله لی، حتی مدرسه زمانیندن منی بئله حاغیراردی. بو آدی هاردان تا پمیشدی؟) اولابیلین منیم ساریمتیسل باش - گؤزومون همیشه گون قاباغیندا چارپانا ق قویما سیندان) اولسن یئریندی. بوسن، بودا صحنه، گشت دو بونجا گؤر، دا منیم باشیمی کئچل ائله مه

کی، منہ صحنہ دن دانیش .

آز صونرا نمایش باشلادی دوغرودان دااؤلن یئریم ایمیش . یاخسی یادیمدا قالما ییب اول دفعه گؤردوگوم لیلی محنون یا شاه اسماعیل اوبراسی ابدی . خوخ احتمالاً شاه اسماعیل اوپراسی اولسایدی گره که اما صحنه ، موسیقی ، ابشیق ، یاراشیق ، چهره لر ، جانلی دیالوگ ، قیرخ ایلیدن صونرا ایندی کیمی گؤزومون اؤنونده دی . اوره گیم هیجانلارا قاپیلیمیش ، آرزو ائدیردیم زمان دایانسین ، هرشعی اولدوغو حالدا دونوب قالسین . اما مگه زمانی دایاندرماق اولور ؟

آنتراکتدا سرسرایا حیخدیق . بوتون تماشاچیلارین سیماسیندا سئوبنچ وراضلیق یئر سالمیشدی . بییزیم اوشاقلاردا فارس - تورک هامی راضی گؤرونوردولر . هامی بیرنچه لحظه اول شاهد اولدوقلاری اونودولما زحنه لردن دانیشبردیلار ، بوآرادا منه بیرآیری سئوینچ ده ال وئردی . سرسرادا باش منیم ، باش همت دایی نین :

- باجی اوغلو ، خوش گؤردوک ، تماشا یا گلیمسن ، عجب ائله مبسن .

- خوش گوون اولسون همت دایی ، نس سن نه عجب بورالاردا ؟

- اشقی ( آکشی ) مگه سی منیم حال خویوما بلد دگیلسن ، هارادا آشا اولسا من اوردا باشام . هله بیردئینه ن گؤروم آتان نئحه دی ، اؤزون هاردا سان درسی هارا حاتدیرمسان ؟

- آتام یاخشیدی ، آرجا مریض احوالدی ، اؤزومده اوخویورام ، بلکه معلم چیخام .

- عجب ایش گؤرورسن ، معلملیک گؤزهل پئشه دی ...

همت دایی ایله بئله شیرین صحبته گیریشمک ، سرسرادا منله مان بایان دوران اوشاقلاری ماراقلاندیردی . اونلار منیم دایی - دابی دئمه گیمدن اول ائله باشا دوشدولر کی ، دوغرودان دا کیشی منیم داییمدی . اما منیم بیرنچه کلمه ده همت دایینی اونلارلا تانیش ائتمه گیم ، اونلاری بوشبه دن چیخارتدی . اما عوضینده کیشی یه نسبت درین حرمت حسی یاراتدی . تماشا - نین باشلانماسی یاخینلاشدیغی اوچون بیز هله لیک همت داییدان آیریلدیق من اوشاقلارا سؤز وئردیم همت دایی حقیقنده اونلارا آرتیق دانیشیم . همت دابی نین پاتوغون اؤگره نمیشدیم ، اونا گؤره ده اونون یئرینسدن یوردوندان خبر توتماق ایسته مه دیم .

تماشا قورتارانندان صونرا ، اوشاقلارلا بیرلیکده مدرسه یه قاییتدیق .

گنجه گنجدیگی اوچون بیرباشا یاتاق اوتاقلارینا حبخدیق، اوشاقلارین ایچیده نادمه گلن اردبیللی اوشاقلاردان بیر شاه اسماعیلدا عرب رنگی رولونو گنجهن گؤزهل قیزین ایگیدلیک و حرارتلی سسینه وورولموش دو، اوشاق اوتاقیندا سرآز دا اوشاقلاری گولدورسون دئبه، صوبونا- صوبونا عرب زنگی کیمی دسره جؤکوب اوخا سسله اوخوماغا باشلادی. اوغلانین نیمداشت کؤنگی بدنین حرکتی ابله یاخا آشاغا سؤکولدو، بو آرا سرپرست ابجهری گوردی، هامی اونون احترامینا آیاغا قالخدیق، اما او، بو احترامما اعتنا ائتمه دن اوزونو اردبیللی اوغلانا توتوب دئدی: میمون هر قدر زشتتر، ادا و اطوارش بیشتر، تو اول چاک پیراهنت رابدوز بعد ادای دلکهارا دربار... صونرا دا اوزون اوشاقلارا توتوب آرتیر- دی: آقاییان دیر وقت است، چرا نمیخواهید بخوابید و اوتاقدان حبخی. توهینه معروض قالمیش اوغلان دیوارا سؤیکه نیب قالدی، اوشاقلارین سرئنجه سی اؤزلوک لریندن چیخیب یوموروقلارینی سرپرستین دالینا حاسلکه له دبلر.

اونلاردان بیر اوتاقدا اوپاش- بوباشا گنجدیب منیم قاباغیمدا دایاندی و دئدی: سن نیه گوزون یول چکیر؟ اولمازدی جوابینی وئره- ایدیک؟ بس نیه هئحکسدن سس جیخما دی؟ اوغلان حقلی ایدی، سرپرستین ایستی- ایستی جوابینی وئرمکده گنچیکمیشدیک، او بیر اوشاقلاری- ندن گنچیکدیک لرینی بیلمه دیم، اما، من او اهانقلی سؤز سرپرستین آغز- بندان جیخار- چیخماز بیرلحظه اون ایل دالییا، ابتدائی مدرسه نی- ن سیرینجی کلاسینا قایتیدیم، کلاسدا منله یان بایان حبیب آدلی بییر بوخسول اوشاق اوتوروب، حبیبین کؤنگی دالیدان سؤکولوب اونون ات جانی گؤرونور، دالی ردیفده اوتوران اوغلان مدادین اوچو ایله حبیبین ات جانینی جیزیر، حبیب دیسگینیر، کلاسین معلمی (همین بیرلحظه اولار- دبیللی اوغلانا اهانئا ائدن آدام) مدادلا حبیبین جانینی جیزان اوغلا- نین حرکتیندن چوخ ناراحت اولور، اوغلانی حبیبین عذرا یستمگه و اونون اوزوندن اؤیمگه وادار ائدیر، او معلم هارا، بو سرپرست هارا؟ سنین گوزون نییه یول چکیر؟، سؤزو منی خیال دونیا سیندان قایتاردی اوزومه گلیب دئدیم:

- اوشاقلار گنجه دن چوخ گنچیب، یا تماق وقتی ده چوخدان صووشوب، صویو- نون گیرین یا تاقلاریزا، قرار ایدی سیزه همت دابی نین کیم اولدوغونو



دئییم، بوقال سین بیر آیری وقته، ایندی سیزه بیر آیریسی نین قصه سینی  
دئییه جگم .

اوشاقلار صویونوب ییئرلرینه گیردی لر ومن هله اوگونه قده رکیمسه یه  
دئمه دیگیم بوگونکو سرپرستین گئچمیشده بیزه اول کلا سیندا معلم اولدو-  
غونو، اونون او وقتلر نه قده ر خوش گولش، یوموشاق، مهربان، انسان قایغیسی  
چکن و اوشاقلاری آموز دیل لری ایله دانیشدی ران بیر آدام اولدو غونو-  
دانیشدی م، صورادا غلامر ضانین حکایه سینی آرتیردی م و او، آداملاری آورگ  
ایله لمس ائدن صاف ساده انسانین روزگارین دکیشدی ر مک باره ده سؤزونو  
خاطرلادی م، اوشاقلاردان بیر یی دریندن بیر چوغلارینی بیر آه چکی ب دئدی  
سن او غلامر ضانی منه نشان وئر، من اونون آغزیندان او یوم ...

سحرچا غیلار من یو خودان تئز دورانلاردان بیر یی ایدی م، ال - اوزومو  
یویوب یوخاری چیخاندا سرپرست ایله اوز به اوز گلدیم، طرفین سلامینی  
آغیرلی قلا آن آدام بو دفعه سلامدا منی قاباقلادی و آتما جاکیمی دئدی:  
- تو قصه پرداز خوبی بودی وما نمیدونستیم ؟

سرپرستین اوتاغی، اوشاقلارین یاتاق اوتاغیندان بیر آراقاپی ایله  
آرالانیردی، شبهه سیز او، گئجه قاپی نین دالیندان قولاق آسمیش و آموز حق  
ینده دئییلن سؤزلری دینله میشدی، یئری گل میشکن یایی چکی ب گینه اوخو  
بور اخماق لازم ایدی، اونا گوره ده هله کنایه لی گولوشون ایزی اونون  
دوداقلاریندان چکی لمه میش دئدی م :

- دئییه سن تهراندا سیزه درس وئره نلر ملی وارلیغیزا خور باخمماغی  
بیرده قاپی نین دالیندان گیزلینجه قولاق آسماغی هرشئیدن یاخشیی  
او گره دیب لر ....

او، بیر لحظه قولقلارینا اینانمیر کیمی دوروخ سوندو، قاشلاری یوخار  
دارتیلدی و اوزومه باخمادان میزیلدادی :  
- سن چوخ دیلی اوزونوموشان، من هئچ بئله بیلمزدیم ...



## آذربایجان شعر و ادبیاتی ایله تانیشا اولاق

### ۴ - آزاد شعر و هجا شعری

آزاد شعر - وزن قافییه و مصرع آربالیغی اولمایان شعره آزاد شعر دئییلیر. بونوع شعر یازان شاعر لر دئییر لر کی، وزن، قافییه و مصرع آربا - لیغی باعث اولور کی، شعرین مضمونو بو خصوصیت لره فدا اولسون . بو نظرین آنلامی بودور کی شعر یالنینز مضموندان عبارتدیر و باشقا خصوصیت لر گرکن بیر شرط دگیل لر .

بیژ آزاد شعرا یله مخالف دگیلیک، آنجا ق بونو بیلمه لی بیک کی بیر شعرده هر بیر زاد قیراغا قویولا بیلمه شاعرانه ذوق واحساس لار قیراغا قویولا بیلمه ز، چونکی وزن، قافییه و مصرع آربالیغی قیراغا قویولدوقدان صونرا یالنینز شاعرانه ذوق لار و دویغولار قالیر کی بیر اثره شعر لیک جنبه سی وئرسین، اونا گوره آزاد شعر اوستا دلاری شعرین شرطینی اونون ذوق واحساس داشیما غینی بیلیر لر، وزن باره سینده دئییر لر کی، اینجی لر بیر ساپا دوزولن کیمی آزاد شعرده، وزن بیر ساپ کیمی کلمه لر دن کئچیر و اولاری بیر - بیرینه دوزور .

بوردا اؤرنک اولراق بختیار وها بزاده نین وزن و قافییه دن علاوه درین احساس داشییان گؤزه ل بیر آزاد شعرینی اوخویوروق :

اهرام لارین اؤنونده

اهرام لارین اؤنونده ، گوندوزدن آخشا مادک ،

"فونف پیاستر" دئییرک ،

اؤز دوغما جا ائلینده ،

دیله نیر عرب اوغلو ،

اجنبی نین دیلینده .

زامانا باخ ، زامانا !

ایچیمدن یانا - یانا ... باخیرام ...

آی قوجا شرق نه گونده سن ، نه گونده !!؟

هجا شعری - هجا شعرینده هر مصرعین هجالاری صای جهتجه برابر دیر . هر مصرع ده بیر هجا اسکیک اولسا سؤز نظم دن چیخیب و شعر لیگینی الدن وئره جکدیر .

بودان علاوه هر مصرعین آموزنده کیچیک بؤلوم لری واردیر کی،  
 ممکن دیر بیر مصرع ایکی، اوج ویا دؤرد قسمته بؤلونسون .  
 هجا اصولوندا هر مصرع یئددی هجالی دان اون آلتی هجالی یا قدر  
 یازیلیب دیر. بورادا بو اؤلچولرین هر تک - تکینین باره سینده قیسا  
 معلومات وئره جگیک .

۱ - یئددی هجالی - بو شعرین ان تانینمیشی بایاتی لاردیر . هر  
 مصرع ۳ - ۴ هجا دان تشکیل اولور، بوردا ایکی بایاتی بو اؤلچوده  
 اوخویوروق :

من عاشیق ، او یار منیم      غم باغریم ، او یار منیم  
 مکه م دی ، مدینه م دی      قبله م دی ، او یار منیم

گؤزلرین ، خومار ایندی -      یاش تۆکر ، یومار ایندی  
 تۆک زولفون، سینهن اوسته      نار گۆره ن، اومار ایندی

بعضا ده بونون ترسینه اولاراق ایلك بؤلومو ۴ و صون بؤلومو ۳  
 هجالی اولور. بونداندا ایکی نمونه اوخویوروق :

مرد آنادان، مرد اوغول      نامرده بیگ ، مرده قول،  
 قورخاق تهمت آرتیرار      باش او جالدار ، مرد اوغول

عزیزیم سن، گونده سن -      کۆلگه ده من، گونده سن  
 جان آلماق بیر یول اولار      جانیم آلدین ، گونده سن

بو اؤلچو یالنیز بایاتی یا مخصوص دگیل ، شاعرلر باشقا شعرلرده  
 بو صای دا یازمیشلار. اؤلکرین بو اؤلچوده "یولچو" آدلی شعریندن نچه  
 بیت اوخویوروق :

### یولچو

نه بوران وار نه دومان      قارلار اوسته قیزیل قان  
 شاختا کسیر قیلینج تک      داغدان اسیر سرت کولک  
 مئشه لیک لر ایچ - ایچه      چایرلار اولموش کئچسه  
 داغ اوسته آی قونموشدور      آی شاختا دان دونموشدور  
 آی دا ، داغ دا حیات یوخ      جانلی لارین دردی چوخ  
 آی ایشیغی آینا دیر      کۆلگه لری اوینا دیر  
 یولچو یولدا قالیب دیر      یولا کۆلگه سالیب دیر  
 بیر کندلی دیر سایان دان      اوزاق دوشموش کاروان دان

لوت دور، آج دیر، چوخ آریق      آیاغیندا وار چاریسق. الخ.  
 باغچا بانین پروانه شعری ده      همین اؤلچوده دیر حقیفا ولار کی، بو  
 گؤزه ل شعردن نچه بیت اوخوما یاق .

## گۆزەل آذربایجان

بیرگون دوردوم تهران دان  
 هیققانا - ها هیققانا  
 نەلر گۆردوم من اوردا  
 ککلیک گولور داغیندا  
 باغلاری نین چیچکی  
 هله سن باخ باداما  
 آذربایجان دا هر یئر  
 اوزاق - اوزاق یوللاردان  
 گلدیم آذربایجانا  
 قوشلار اوخور شن اوردا  
 بولبول اوخور باغیندا  
 تاچالارین بزه کی  
 چیچک گولور آداما  
 گول دور، چمن، چیچکدیر

۲ - سککیز هجالی - بو اؤلجو ده مصرع لر سککیز هجالی وهر مصرع  
 ایکی دؤرد هجالی قسمته بؤلونور. اورنک اولاراق ابی زاده نین "وطن"  
 آدلی شعریندن ایکی بند اوخویوروق :

دئبیرلر کی عزیز وطن  
 بو ائل لرین دردی، غمی  
 آنالارین آغلار گوزو  
 بو گوردوگون زاواللیلار  
 تاریخ سنین گۆز یاشین دیر  
 ازل گوندن یولداشین دیر  
 سنین اورهک سرداشین دیر  
 یا اوغلون یا قارداشین دیر

آقا تورپاق سن یوردوسان  
 گوزو یاشلی آنالارین  
 باشی آچیق، آفاق یالین  
 آلا گوزلو بالالارین

یادیندامی او زامانلار  
 عمری بویو عاشیقلارین  
 ائشیتیمیشم تاریخینده  
 مگر آنا طالعیینه  
 داغلاریندا یاز اولماییب  
 سینه سینده ساز اولماییب  
 آغیر ایللر آرز اولماییب  
 هئج سعادت یازیلماییب

نه اولموش کی اوزون ایللر  
 گولمه میش دیر اوزون سنین  
 ائل ایچینده مثال اولموش  
 اورهک یاخان سغزون سنین

بو اؤلچوده اولکرین "یول کناریندا" آدلی شعرینی اوخویوروق :  
 یولدان کنار دۆزه نلیکده  
 آلاچیق لار قورولوب دور  
 بیر آرز اوزاق چای بویونجا  
 بعضی آچاق بعضی اوجا  
 هر یئر گۆی اوت هر یئر چیچک  
 بو یئر زنگین اولسا بئله  
 تورکمان صحرا بوراسی دیر  
 فلاکتین یوواسی دیر

اوحا داغلار اتگیندن  
تورکمانلارین امگیله  
هر بئر گؤک اوت، هر بئرحیجک  
الی خمبرلی، قارنسی آج

حوشار، آخار، دورو جایلار  
پامبوق ستر، حبک آخار  
تورکمان صحرا بوراسی دیر  
انسئلارین اواسسی دیر

۳ - دوققوز هجالی - بو اولچوده جوخ آز شعر یازیبیلار، بورادا -  
مونه اوچون اولکرین "قار..." آدلی شعریندن نئجه بیت اوخویوروق :  
قار... قوش باشی یاغان، آغیرقار  
داغ دان قویوب گلن روزگار  
غروب اعدیر گونش بیر داهها  
جیجک آچمیش کیمی آغاحلار  
ویالحیق داخمالار اوچورلار  
صولقون اوشاقلارین اوزونو  
کسیرده اونلارین سوزونو  
آغیرقار آلتیندا داخمالار  
آغیر - آغیر نفس آلیرلار  
آغ اولوم، بوروموش هر یئری  
کننده مانکی یوخ بیر دیری

آخشام دیر ساوالانین آردیندا  
هر یئره باخیرسا قاردیرقار  
یاغان آغیر قاردان، قارانلیق  
سینیق لامیا آیدینلادیرسا  
پنجره یه چارپان کولک لیر  
گنجه قارانلیق دیرگورکور  
اونلاردا یاشایان آجلار دا  
قارا بولوت جولقامیش گؤگو  
ظلمتلر ایجیننده بوغولان

۴ - اون هجالی - بو اولچوده هر مصرع ایکی بخش لیک قسمتیه  
بؤلونور، بو صای دا دا آز شعر یازیبیلار، اورنک اوچون اولکرین "داغ  
معبدینده" آدلی شعرینی اوخویوروق :

قیزیل داغلارین یولونو توتدوم  
چشمه ده یویوب گونده قوروتدوم  
شمالدان اسن کولک گوج لئسیدی  
باشقاسی دئدی: "داغا گلئیدی"  
گۆزه ل بیر قیزین گور ساچلارینی  
بیرکؤلگه کیمی کسدم یانیسی  
آرواد - اوشاقلا دولو مسجد ده  
شمعین یاندیردی توزلو مسجد ده  
گوردوم هر یئرده خالجا سالیبلار  
داغا گلن لیر سفیره دالیبلار

مکتبدن قاچدیم ایستی بیر گونده  
گوللو، چیچک لی ایپک دستمالی  
دیرماندیم داغا یوللار اوزاندي  
بیرجوت قیز گوردوم بیرری سۆزدوردو  
گوردوم اوزاقدا نسیم اوینا دیر  
قاچدیم یئتیشدیم گیک قاچان تک  
گوردوم یوزلرحه شمع شعله چکیر  
من ده گلیرم دئییه ساده قیسر  
قالدیم داغا وسته ذروه یه چا تدییم  
قاینار سماور اوستونده چایدان

۵ - اون بیره جالی - هجا اصولوندا بو اؤلچو آهنگدار اولدوغونا  
گوره باشقا نوعلاردان آرتیق ایش له نیب دیر. شاعر لر اؤز شاه اثر لرینی  
بو اؤلچوده یاز میشلار. اون بیر هجالی لار نئجه قسم دیر: بیر قسمی هر  
مصرع ۶ - ۵ هجایه بؤلونور. بو اؤلچویه اؤرنک اوچون بختیار وهاب  
زاده نین "قوجالیق" عنوانلی شعرینی اوخویوروق :

ایستهرم گیزلین پاچ اوینایام گینه  
باشیما گؤتوروب چؤلوسو چمنلی  
ايله گیزلنیم کی دوشوب ایزیمه  
هئج تاپا بیلمه سین قوجالیق منلی

گنجلیکدن الیمیز اوزولن کیمی  
دنیا دان دؤرد اللی یا پیشریق بییز  
یا شیمیز اؤتدوکجه آغا جلا ر کیمی  
درینه ایش له بیر ریشه لریمیز

گؤز لیم ایتی کن گؤرموردوم هله  
گؤرموردوم ایچینی بر - بزه ک ل رین  
ایندی ضعیف سه ده باخما دان بئله  
هر شئی گؤرورم دریندن درین

بیر قسمی ده ۴ - ۴ - ۳ بؤلومدن تشکیل اولور. بو اؤلچو اوچون  
ان گؤزه ل اؤرنک شهریارین "حیدر بابا" منظومه سی دیر. بورادا اوچ بند  
او منظومه دن اوخویوروق :

حیدر بابا داغین - داشین سره سی  
ککلیک اوخور دالی سیندا فره سی  
قوزولارین آغی، بوزو، قره سی

بیر گئدثیدیم داغ - دره لر اوزونو  
اوخویایدیم جوبان قایتار قوزونو

حیدر بابا کن دین گونو باتاندا  
اوشاقلارین شامین یثیب یاتاندا  
آی بولوتدان جیخیب قاش - گوز آتاندا

بیزدن ده بیر سن اولارا قصه دی  
قصه میزده چوخلو غم و غصه دی

حیدر بابا ننه قبزین گؤز لری

رخسنده نین شیرین - شیرین سۆزلی  
تورکی دئدیم اوخوسونلار اؤزلری

بیلسینلر کی، آدام گئده ر آد قالار

یاخشی - پیسدن آغیزدا بیر داد قالار

بعضا ده ۳ - ۴ - ۴ هجایابولونور. بونا اؤرنک اولاراق اولکترین

"بیگ و شاعر" آدلی شعریندن نچه بیت اوخویوروق :

س - سمیریوخدو دنیزده قورودا  
سرای ایچره بوگنجه طوی توتولوب  
لامپالاردان تۆگولور نور زرین  
چا غیریر بیگ او جابوی بیرگۆزلی  
"گفت چا غیرشاعری بیرقوشما دئسین"  
قیزگولور، تازه گلین، بیگ ده گولور  
شاعر افکارینه دالمیش بو گنجه  
قوشما دوزگلمه پیرا و چوخ گوجه نیر  
"بیر آرائیق قیزینا یازما غزل"  
"یاز شالیکارلاری وصف ایله بیر آرز"  
لامپانین صون ایشیغی هاله ساتیر  
یا زیراقوشما جاشالیکار ایچون  
سس سالیب داغدا گنجه سئل سولاری  
شمع آچیرساخسی دابیرقانلی چیچک  
شاعری بیگ کی یامان حاله سالیب  
یعنی بیرقوشما قوشور او بوزامان  
نه قارانلیق دی بوزندان نه صویوق

یئری شیطان نه بورا خمیشدی خدا  
تازه بیر قیز ملکه همسر اولوب  
ناز اندیر عشوه ساتیر تازه گلین  
"گل" دئییر: "مهستی سن بیرجه بری"  
"بیرگۆزل ما هنی بوجا نانا دئسین"  
گۆگ مئشه آردی باخان آی دا گولور  
اونو چوخ واهمه آلمیش بو گنجه  
صوروشور آروادی: "بو قوشما نه دیر؟"  
"یاز دئییم کیملر ایچون، بیر بری گل"  
"پالچیق ایچره چالیشان قیزلارایا ز"  
شاعری ده یوخو پیس حاله سالییر  
پالچیق ایچره چالیشان قیزلار ایچون  
مئشه دن چیخما دا دیر آی یوخاری  
اتکینده چابالیر بیر کپسه نک  
سامان اوسته اوتوروب فکره دالیب  
جان وئیر بیر نچه زنجیرلی آمان  
نه ایچون آی بوقده ررنکی صولوق؟

۶ - اون ایکی هجالی - شاعر لر اون ایکی هجالی شعر چوخ آزدئییب

لر و بواؤلچوده دئییلن شعر لرین چوخو رباعی دیر. بودا بیر رباعی  
باغچا بانی نین ترجمه سیندن :

گۆردوم کی قونوب حصار طوسه بیر قوش \* کیکا ووسون کله سین قا با قدا توتوموش  
سؤیلردی او کله یه کی افسوس افسوس \* زنگین سسی گلمه بیر، ده لهر سوسموش

۷ - اون اوچ هجالی - بو اؤلچوده ده شعر آزدگیلمیش دیر. اون اوچ

هجالی قدیم بیر شعر کی هر مصرعی ۸-۵ بؤلومدن تشکیل اولور آشاغیدا  
اوخویوروق :

ایگنه یه تیکن دئمه دی او دده قورقوت

تیکانا سؤکن دئمه دی او دده قورقوت

آیرانا دویران دئمه دی او دده قورقوت

گلینه آیران دئمه دی او دده قورقوت

وبیرپارا رباعی لرده معمولی رباعی لردن اوزون اولدوغونا گؤره اون  
اوج هجالی دیرلار، بو رباعی میرصالح حسینی نین ترجمه سی دیر، هر  
مصرعی ۵-۴-۴ هجایا بؤلونور:

یئر اوزره هانی بیتیش اولان بیرجه چیچک

سیندیرمایا هم باسمایا تورپاغه فلک

قالخیرسا بولوت تورپاغی یاغدیرسا اونو

گؤگدن یئره حشره تک قیزیل قان گله جک

۸- اون دؤرد هجالی - اون بیر هجالی دان گئچنده، ان ایشلک

اولجو اون دؤرد هجالی دیرکی، شاعر لر بو اولچودن چوخ استفاده ائدیبلر  
اون دؤرد هجالی لار ایکی یئددی هجالی بؤلوم دن تشکیل اولور، بئو  
اولچویه اورنک ایچون اولکرین "گنجلیک" ادلی خوش آهنگ و احساسلی  
شعرین اوخویوروق :

گنجلیک او یاز گونونده جوشان چاغلایان پینار

افسانه چؤلرینده مگر بیر سراب ایمیتی

عشقین منه ایچیردیگی آل آتشین. شراب

آلتون پیاله لرده مگر زهر ناب ایمیش

گنجلیک نه بوش خیال و نه رؤیای سحر کار

رؤیالار ایچره صرف اولونان دادلی بیر حیات

گنجلیک آخار سودیر و اسن روزگار دیر

کیم آختارار قرار سودا، یئل ده بیر ثبات

فجر شباب و عشق ده بیر لحظه پارلادی

خولیالی پرده لرده او دان اولدوزوم منیم

کئچدی بهار عمر و خزان اولدو آشکار

بیر غنچه جیک چیچک لی جهاندا دره نمه دیم

یاندیرسا هوس له بیر ال شمع خلوتسی

هیئات بیر نفس له تباه ائتدی بیر گئجه

کئچدیک حیات یوللارینی کؤلگه لر کیمی

وئردبک عزیز عمری بو یوللاردا بیز هئچه



قوشلار اوجون فنادن اسن اول سموم ياس  
آرتيق بهاريميزدا ياشيلليق بوراخمادی

بیرگون شراع عمره مساعد يئلل اسمهدی

بیردم مرادیمیزله بو سرحشمه آخمادی

اون دؤرد هجالی لارین بعضی سی ۴ - ۳ - ۴ - ۳ بؤلومدن تشکیل

اولور. اونون ایچون اؤرنک اولاراق ابی زاده نین "من کیم" آدلی

شعرینی اوخویوروق :

نه پادشاه، نه سلطان، نه یاراشق، نه زینت

نه افسانه، نه ملک، نه سرای، نه سلطنت

نه عصرلر آرخاسین یادا سالیب آغلايان

نه عمرینی غزله، آغولره باغلايان

نه پیمانہ، نه ساقی، نه شراب شاعری یم

آزادلیغین جارچیسى، انقلاب شاعری یم

منیم عومور دفتریم بنزه ییر گلستانا

من اوندا یئر وئر مه دیم قارلی قیشا طوفانا

من ال آجیب کیمسه دن دیلمه دیم آزادلیق

منیم آرزیم، دیلگیم اونلاردان داها آرتیق

دونیا لار حسرت چکن آفتاب شاعری یم

آزادلیقین جارچیسى، انقلاب شاعری یم

۹ - اون بئش هجالی - شاعرلر اون بئش هجالی شعرده جوخ یازیب

لار. اون بئش هجالی شعرلرین بیر پاراسی ۴ - ۴ - ۴ - ۳ بؤلومدن

تشکیل اولور. بونون ایچون نمونه ابی زاده نین "جبهه دن مکتوب" شعر

یندن نچه بیت اوخویوروق :

مکتوبونو آلدیم قیزیم دوشونورسن آتانی

سندن اؤترو جبهه لرده سنگرلره یاتانی

هر کاغاددا یازیرسان کی، گؤروشوروک ها چاندر

مگر قیزیم بو زامانلار گؤروشمه لی زاماندر؟

فکرین هئچ یوزما قیزیم جبهه لرده ساغام - ساغ

یاغشی بیل کی، منیم الیم زنجیرلری قیراجاق

نه قده رکی، گؤروشمه میش کیچیک قیزلار آتالار

منیم سنله گؤروشمه مین قیزیم نه معناسی وار؟

چون عزیزیم بویثرلرده گوزیا شلاری دریا دیر

مظلوملارین اینیلتی سی بیثری گؤگوآغلادیر

حیات سؤنموش، اشو داغیلیمیش، انسا نلیقدان اثر یوخ

من گوزوم له جوخ گورموشم بیرکننده بیرنفر یوخ

اون بشش هجالی لاردان ۸ - ۷ بؤلوملوسو ده واردیر. بو اولچویه

اؤرنک ایچون اولکرین " گئجه دیر " آدلی شعرینی اوخویوروق :

گئجه دیر، آی اوجالیبیدیر و سهندین نفسی

باغچالاردا آچیر افسونیه گول غنچه لرین

گئجه نین پرده لرینده پرینی عشق و خیال

بیرنفس له ونوازش له آچار بال و پـرین

سودا اوینور، آیین انواری گولور آینه ده

آل ایشیق لارلا اونون عکس خیال انگیزی

آینالاردا و سودا هاله لنن نقش خیال

لوح فکرتده نه خوش نقش ائله بیر تبریزی

پرده لر سالانیر آهسته سهندین الی می؟

پرده لرله گئجه لر اوینایان آشفته اولان؟

گل گوزه ل، جامی مئی لعل ایله دولدورمنه وئر

آن گل منیمله بوگوزه ل عالمی سئیر ائیله بیر

باخ سنین عکس جمالین دیر آیین صاف ایشیفی

یوخسابیر جرمده بو قدر گوزه للیک اولاماز

آینادا عکس جمالین له چیچک لر آچیلیر

گل گوزه ل، آینه، دلده چیچک لن ده بیر آرز

۱۵ - اون آلتی هجالی - هجا شعری اون آلتی هجالی دان آرتیق

یا زیلما ییب دیر. اون آلتی هجالی لار ۴ - ۴ - ۴ - ۴ بؤلومدن تشکیل اولور

نمونه ایچون رسول رضانین " بولبول " آدلی شعرینی اوخویوروق :

اؤلی توتوب سسین یینه آ بخته ور آنا بولبول

باغچالاردان کسيلمه بیر خوش چهچه یین صونا

بولبول

بوران کئچدی، بهار گلدی، قیزیل گولون دمی چاقدی

محبتین هر رمزینی عارف گرهک قانا بولبول

من دوستلوغا وئردیم کؤنول مهربانیم دئدیم سنه

کئچیر منی امتحان دان چتین گونده سینا بولبول

من سوزومدن قایتمارام صنعتکارا حرمتیم وار  
 سوزلریمه خلاف جیخسام اوندانی قینا بولبول  
 سن نغمه‌نی ائله وئردین من ده ائلین دیلمانجی یام  
 شعر مندن نغمه‌سندن نه سوزون وار، بونا بولبول  
 گل باش - باشا وئریب سوره‌ک گؤزه‌ل عمرین صفاسینی  
 بیزه یاندان کج باخانلار قالسین یانا - یانا بولبول  
 هنج بیر سازین تئل لرینده چالینما میهن نغمه‌م منیم  
 گزدیرمه دیم یاد سوزوندن قولاغیمدا تانا بولبول  
 گول چوخدان دیر حسرت چکیب آرزولاییر، "رضا" نی  
 دئیر کونلوم باغچاسیندا بیرگون کلیب قونا بولبول

\* صون \*

## موقفیت بزرگ پزشکی

آقای دکتر چو ادیست صاحب امتیاز و مدیر مسؤل مجله‌ی  
 وارلیق آرتاریخ ۱۹ - اکتبر ۱۹۸۳ بعصویت اکادمی جراحی  
 پاریس انتخاب شدند .

این موقفیت بزرگ پزشکی به ایشان و جامعه پزشکی  
 ایران بوشه به نویسندگان و خوانندگان مجله وارلیق تمهیه  
 تبریک میگویم .  
 بهیت تحریریه وارلیق .

## کتاب قوتادغوبیلیگ

یا

﴿ علم سعادت ﴾

کتاب قوتادغوبیلیگ ( ویا علم سعادت اولین اثر منظوم ترکی اسلامی است که در سال ۴۶۲ هجری (۱۰۶۹ میلادی) توسط یوسف حاجب خاص بالاساغونی نوشته شده است .

یوسف بالاساغونی در سال ۱۰۱۸ میلادی در بالاساغون (در قیرقیزستان کنونی) متولد شده و نزدیک شصت سال عمر کرده است . او، از خانواده قارا-خانین بوده و کتاب خود را به حسن بغراخان پادشاه قاراخانین تقدیم نموده و بهمین مناسبت لقب حاجب خاص به او داده شده است .

این کتاب که بشکل مثنوی سروده شده یک پندنامه و سیاستنامه اسلامی است و بطوریکه از نام آن پیدا است برای نشان دادن راه سعادت و رستگاری به انسانها و جامعه نوشته شده است . کتاب به زبان ترکی خاقانی یا کاشغری نوشته شده . (قوت) بمعنی سعادت است و (قوتادماق) به معنی سعادت مند کردن میباشد . (قوتادغو) یعنی سعادت مندکننده (بیلیگ) هم بمعنی دانش است بنا براین کتاب قوتادغوبیلیگ بمعنی کتاب دانش سعادت بخش میباشد . کتاب از نظراخلاقی و پند و مثال و سخنان حکمت آمیز در ردیف بهترین پندنامه و سیاستنامه های معروف جهانی است . از نظر نگارش و صنعت بدیع هم ، چون نخستین تجربه در این زبان میباشد در حد یک شاهکار ادبی است .

متن کتاب بشکل مثنوی است که بوزن عروض در بحر متقارب مقصور (فعول ، فعول ، فعول) نوشته شده لهذا یا زده هجائی و همان وزنی است فردوسی برای شاهنامه بکار برده است . در داخل متن کتاب ۱۷۳ دوبیتی و در آخر آن سه قصیده (۱۲۴ بیت) دیده میشود که جمعا ۶۶۴۵ بیت میباشد ضمنا مقدمه ای هم به نثر ترکی دارد که بعدا و از طرف دیگری علاوه شده و در آن تاکید شده که این کتاب نزد ایرانیها به شاهنامه ترکی معروف است .

کتاب از ۸۵ باب تشکیل شده و با مناجاتی در حمد و ستایش پروردگار شروع میشود بعدا شعاری در نعت پیامبر اسلام و مدح و سلام به خلفای راشدین آمده است . باب چهارم به تصویربها رومدح بغراخان اختصاص دارد . بعد در باره هفت ستاره و دوازده برج اطلاعاتی داده شده .

در باب هفتم دربارهٔ زبان سخن بمیان آمده، مؤلف زبان را نیکوترین و بدترین چیزها می‌شمارد و این اختلاف را در کاربرد زبان میدانند. می‌گوید زبان ترجمان دانش و خرد است، انسان میمیرد. ولی کلامش باقی می‌ماند. در این باره چنین می‌گوید:

کیشی توغدی، اؤلدی، سؤزی قالدی کؤر

اؤزی باردی یالنوق آتی قالدی کؤر

ترجمه:

مرد بدنیا آمد و مرد و کلامش ماند \* ببین خودش رفت و نامش ماند  
بعد دربارهٔ کاربرد زبان چنین می‌گوید:

قارا باش یاغیسی قیزیل تیل تورور

نئجه باش ییسی بو تاقی ماییبور

ترجمه:

دشمن سر سیاه، زبان سرخ است چندین سر را خورده و باز هم می‌خورد  
در باب نهم از خوبی ستایش میکند و فوائد آن را بر می‌شمارد. و معتقد  
است که جواب بدی را هم بهتر است با خوبی داد می‌گوید کسی را که به تو دشنام  
داده تعریف کن و کسی را که به تو ظلم کرده ببخش.

باب دهم در فضائل و فوائد دانش و خرد است. در این باب از انوشیروان  
به نیکی یاد میکند و او را نمونهٔ پادشاه خردمند و عادل می‌شمارد. می‌گوید  
عقل مانند مشعلی است فروزان که جهان تاریک را روشن می‌سازد. مرد با خرد  
ترقی میکند و با دانش بزرگ میشود.

از باب دوازدهم اصل موضوع کتاب شروع میشود و آن عبارتست از مناظره  
چهار شخصیت تمثیلی که یکی پادشاه (گون توغدی) است که عدالت را تمثیل  
میکند. دیگری وزیر (آی تولدی) که نمایندهٔ سعادت است. سومی پسر وزیر  
(اؤگدورموش) نمایندهٔ عقل و خرد و با لایحه چهارمی خویش و زیروزا هدی است  
که عاقبت و قناعت را تمثیل مینماید.

موضوع کتاب نشان دادن راه رستگاری و بدست آوردن سعادت دنیا و  
آخرت است. قبل از آنکه نمونه‌هایی از اشعار کتاب بیاوریم لازم است  
مختصری از ویژگیهای ترکی خاقانی را شرح دهیم:

ترکی خاقانی یا ترکی ادبی میان یک لهجه ترکی شرقی است و مادر  
ترکی اؤزبکی و ترکی اوغوری معاصر محسوب میشود و با ترکی اوغوز یا  
غربی که مادر ترکی ایران و ترکیه میباشد، متفاوت است. در این لهجه

در مقایسه با ترکی اوغوز و ویژگیهای زیر دیده میشود :

در ترکی خاقانی "ن" غُنه (نگ) موجود است. ف، و، ج، ح، موجود نیست. بجای "ح" صداهای "خ" و "ک" و بحای "و" صداهای "ت" و "w" موجود است. "گ" ترکی غربی "ک" و "ی" هم "د" تلفظ میشود مثلاً بحای بؤیوک (بزرگ) "بدوک" گفته میشود. بعلاوه "ق"، "گ" وسط و آخر کلمات موجود مانند ترکی غربی حذف نشده است. در اول کلمات اغلب اوقات بحای "د"، "ت" دیده می شود مانند تیل (زبان) بحای دیل و تهوه (شتر) بحای دهوه. همچنین به حای داماق (ترکی غربی)، تامقاق گفته میشود.

در ترکی خاقانی هم نه صدا دار را موجود است بعلاوه صداهای کشیده هم دیده میشود که معنی کلمه را تغییر میدهند. مثلاً "آج" بمعنی بازکن و آآج بمعنی گرسنه است، "آت" بمعنی اسب و آآت بمعنی اسم، "آش" بمعنی بگذر و آآش بمعنی غذا میباشد.

اول بمعنی (دیر) است و "ارمن" بمعنی (اولماز، دگیل) نمیشود میباید. یوسف بالاساغونی اشعارش را به ترکی خالص نوشته بطوریکه اغلب اصطلاحات مذهبی نیز به ترکی است و نسبت لغات ترکی (عربی، فارسی، سغدی و...) از چهار درصد تجاوز نمیکند. زبان اشعار ساده و موزون و آهنگدار است. گوینده اشعار حکیم دانشمندی است که افکار و عقایدش را بزبان شعر بیان داشته است. افکار فلسفی ملهم از قرآن کریم، همچنین تاثیر نظریات افلاطون و ارسطو از طریق نوشته های فارابی و ابن سینا در اشعار یوسف به چشم میخورد. بهمین جهت بعضی از مؤلفین او را شاگرد ابن سینا میدانند. مؤلف فضیلت انسانی را در علم میدان و برای بدست آوردن آن عقل و خرد را ضروری می شمارد. مثلاً در بیت زیر چنین میگوید :

بیلیگ بیل، کیشی بول، بدو تگیل آموزون

یا بیلیقی آت انقیل کیشی ده بیی—را

ترجمه

دانش بیاندوز، انسان باش و ترقی کن \* ویا نام حیوان بر خود بگذار و از انسانها دور شو. ویا :

اوقوش قایدا بولسا اولوقلوق بول—ور

بیلیگ کیمده بولسا بدو گلوک آق—ور

بیلیگینی بدوگ بیل اوقوشنی اولوغ

بو ایکی بدورتور اؤدورمیش قول—وغ

## یوری آی بلیگ سبیز ابگینگی اوتا

بیلیگ سبیز اوتین سن آی بیلگه قوتا

ترحمه :

خرده رجا با شد بلندی رامی یابد \* دانش در هر کسی با شد بزرگی بدست میاورد  
دانش را بزرگ بدان و خرد را بلند \* این دو چیز منده گزیده را بزرگ میکند  
بروای بی دانش بیماریات را درمان کن- درمان حهلرا تو بگوای حکیم نجات  
بده .

موضوع مناظره از باب دوازدهم شروع و تا آخر کتاب ادامه دارد. چهار  
نفری که در این مناظره شرکت دارند دوبدو با یکدیگر صحبت می کنند .  
ابتدا گون توغدی شروع به سخن میکند ، او امیر خردمند و دانشمندی  
است که قانونهای خوب وضع میکند و کار نیک را پاداش و بدی را مجازات  
و عدالت را برقرار می سازد ، او برای دانشمندان ارزش خاصی قائل است و  
برای اداره کشور وزیر دانشمند و درستکاری را بنام آی تولدی انتخاب  
میکند و کارهای مملکت را با او در میان میگذارد و با نظرها و کارها را انجام  
میدهد ، آی تولدی یا ماه تمام نماینده سعادت است و مانند ماه تمام عمرش  
کوتاه است ، او بعد از مدتی می میرد و امیر تنها می ماند .

امیر پسر آی تولدی ، او گدولموش را برای وزارت در نظر میگیرد و مدتی  
با او صحبت میکند و او را می آزماید ، او گدولموش به همه سئوالات پاسخهای  
مناسب می دهد و بالاخره به منصب وزارت برگزیده میشود .

او گدولموش (مدح شده) نماینده خرد بوده و کارها را از روی عقل و خرد  
انجام میدهد . روزی امیر از او درباره خرد سئوال میکند ، او گدولموش چنین  
جواب میدهد : خرد مشعلی است بمانند چشم بینائی برای کور و جانی برای  
بیجان و زبانی برای بی زبان . مرد خردمند درستکار ، بردبار ، حلیم و خوش  
رفتار است ، بعدویژگیهای کارمندان کشور از امیر ، وزیر ، فرمانده ارتش  
حاجب بزرگ (وزیر دربار) ، رئیس تشریفات ، سفیر ، دبیر ، خزانه دار ، سرآشپز و  
غیره یک بیک شرح داده و صفاتی که صاحبان این مشاغل باید دارا باشند  
بازگو میشود .

بعد از این صاحب امیر با راهنمایی وزیر خردمند قانونهای بهتری وضع  
و کشورش را ترقی میدهد بطوریکه "گرگ و میش" برابر میشوند .

بعد از مدتی وزیران را حتی و خستگی خود شکایت میکند ، امیر بنظرش می  
رسد کمک و معاونی برای او پیدا کند چه روزگار سعادت کوتاه است ممکن است

پیش‌آمدی برای وزیرخ بدهد. در این باره از وزیرش کمک فکری میخواهد. او گدولموش میگوید برادرم بنام او دقورموش (بیدار شده) برای این کار بسیار مناسب است ولی او زاهدی است گوشه‌گیر و به دنیا بی‌اعتنا. مشکل است قانع و راضی بشود که دست از عبادت بردارد و به کار دنیا بپردازد.

گون توغدی نامه‌ای می‌نویسد و بوسیله او گدولموش برای او دقورموش می‌فرستد. او گدولموش نامه را بر میدارد و در کنارش در بالای کوهی به‌خانه او دقورموش میرود. بعد از سلام نامه را با او میدهد. در نامه گون توغدی خطاب به او دقورموش چنین نوشته شده: بیا و پیش ما باش تا دیگران هم از تو بهره‌مند شوند. در دنیا دو جور انسان وجود دارد: آموزگار و آموزنده نوع سوم حیوانند، از آن بهره‌بر. ثواب خواب دانشمند از عبادت جاهل بیشتر است. در شهر و دهات عبادات زیادند بیا و برای مردم مفید باش، به کودکان یتیم بیوه‌زنان، ضعیفان، کور و معلولین کمک کن. کمک بفقرها هم عبادت است، نماز را هم با جماعت بخوان، بیا و از جمع مردم دور مباش.

او دقورموش در جواب از بی وفائی دنیا و بی اعتباری آن سخن می‌گوید بنظر او دنیا برای مؤمنین زندان است، باید بفکر آخرت بود و در این چند روز عمر توشه‌ای برای آخرت اندوخت. در پایان جواب رد میدهد و از گون - توغدی معذرت میخواهد. او گدولموش با ردوم با نامه‌ای از طرف گون توغدی بمنزل او دقورموش میرود و او را برای دیدار خصوصی با او می‌رود دعوت مینماید. او دقورموش دعوت او را قبول میکند. و پیش او می‌آید. در اینجا مصاحبه جالبی بین زاهد و او میر برگزار میشود. زاهد پندهایی به او می‌دهد که او را تحت تاثیر قرار میدهد.

بعد از مدتی او دقورموش خوابی می‌بیند که بعد از آن خود را به آغوش مرگ می‌سپارد و می‌میرد. قبل از مردن به دنبال برادرش می‌فرستد و او را به بالین خود می‌خواند و با او سخنان پندگونه‌ای را در میان می‌گذارد:

حکیم بالاساغونی در کتاب خود از ضرب‌المثلها و سخنان حکمت‌آمیز قدیم ترکی استفاده نموده و آنها را در اشعار خود بکار برده است. مثلاً در بیت زیر: او گوش کورکی تیل اول، بوتیل کورکی سوز

کیشی کورکی یوز اول، بویوز کورکی گوز

ترجمه:

زینت عقل و خرد زبان است و زینت زبان کلام - زینت انسان صورت اوست و زینت صورت چشم اوست.



در کتاب قوتا دغوبیلیگ در خلال اشعار و مناظره از مسأله دینی، اخلاق و نظام خانوادگی، قانون و سنتها، تشکیلات دولتی و دربار، سیاست، جامعه و آرتش، تاریخ، جغرافی و ستاره شناسی، شعرا و ادبیات، تجارت و مسأله دیگر زندگی صحبت بمیان آمده و اطلاعات با ارزشی درباره هر کدام داده شده است.

کتاب ویژگیهایی را که یک انسان کامل و دولت ایده آل ورهیر آن باید داشته باشد به زبان شعر بیان میکند و راه رستگاری و سعادت را نشان میدهد. در آخر کتاب سه قصیده از طرف خود مؤلف اضافه شده است.

در قصیده اول از دوران جوانی حکایت و از روزگار سالخوردگی و رنجوری شکایت میکند. در قصیده دوم از دوران حاضر و انحطاط اخلاقی مردم می نالد و چنین می گوید:

قامو آرزو بولدوم کیشی بولما دیم من

قالی بولسا آرزوم یوزینگه با قایی

ترجمه:

به همه آرزوهایم رسیدم ولی به انسانی برخورد نکردم - اگر به این آرزویم  
برسم برویش نگاه می کنم .

آتی قالدی یا لنیق کیشی قیلقی باردی

با قیلقی قانجا باردی اودو من بارایی

ترجمه:

از انسان فقط نامش مانده خوی انسانی از بین رفته - این خوی یکجا  
رفته من هم از بی آن بروم .

در قصیده سوم با زادنش تعریف میکند و ضمن ذکر تاریخ نگارش کتاب

از خداوند طلب مغفرت می نماید:

بیلیگ سیز یورهک، تیل نه گوکه یارار

بیلیگ بیر له صووتگ قامو گقاییارا

(دل و زبان بی دانش بچه دردمی خورد - دانش مانند آب به دردمه می خورد)

بییل آلتیمیش ایکی اردی تورت یوز بیله

بو سوز سوزله دیم من توتوب جان سوره

ترجمه:

در سال ۴۶۲ بود که - من این سخنان را گفتم در حالیکه جان در بدن میکشیدم  
یارب یارلیقا قیل قاموق مؤمنینگ \* تلیم رحمتینگدن توکل تورقورا

بی نصیب مکن

(یارب همه، مؤمنین را بیا مرز - از رحمت بیکرانت (فراوان) همه آنها را)  
تگورسا وجیمیزقا تومن مینگ سلام \* تغزی تغورت ایشینگه تاقی ارتسوره  
(به پیغمبر ما ده هزار سلام برسان - به هر چهار صحابه (دوستش) نیز دور در برسا  
از کتاب قوتا دغوبیلیگ سه نسخه خطی در دست است که به نسخه های وین،  
قاهره و فرغانه موسومند .

نسخه وین قدیمی ترین نسخه هاست و در سال ۱۴۳۹ در هرات بخط او یغو-  
ری نوشته شده است. این نسخه در سال ۱۷۹۶ توسط هارمر سفیر آلمان در  
استانبول خریداری و به کتابخانه دربار اتریش اهداء شده است .  
این نسخه توسط اوامبری (دانشمند محار) و ویلیم رادلوف، استاد  
آلمانی دانشگاه پترسبورگ بررسی و با ترجمه های آلمانی قسمتهائی از آن  
به خط لاتین برگردانیده شده است. این نوشته ها توسط تومسن دانمارکی  
اصلاح و همه آنها به چاپ رسیده است .

در سالهای ۹ - ۱۹۴۷ عین کتاب و برگردان آن به حروف لاتین، همچنین  
متن ترکی استانبولی آن از طرف پرفسور رشید رحمتی آرات بوسیله سازمان  
زبان ترکی T.O.K در آنکارا چاپ و منتشر شده است .

نسخه های قاهره و فرغانه به خط عربی نوشته شده است. نسخه فرغانه در سال  
۱۹۴۲ از طرف سازمان زبان ترکی T.O.K در استانبول عینا به چاپ رسیده  
است .

در آخر مقاله لغات زیر را که از کتاب "قوتا دغوبیلیگ" استخراج شده

بعنوان لغات فراموش شده ترکی درج می نمائیم :

اکثر این لغات در دیوانهای شعری نام آور ترکی مانند نسیمی،  
فضولی، خطائی ... بکار رفته و در آثار کلاسیک معاصر نیز کم و بیش  
بکار می رود. در لهجه های شهرها و دهات و همچنین در میان ایلات مختلف  
ترک زبان هم تعداد زیادی از آنها هنوز رایج است. ولی بطور کلی در  
لهجه محاوره ای تبریز همه آنها منسوخ شده و بجای آنها لغات عربی و  
فارسی متداول گشته است. نگاهی گذرا به لغات زیر غنای لغوی زبان  
ترکی را آشکار می سازد.

قوت = سعادت	قوتا دماق = مسعود کردن ، مرفه کردن .
تامو = جهنم	اوچماق = بهشت .
ارکی = بلکی، سانکی	بارچا - هر = توزو ، هرکس .

منگو = ابدی	آغو = زهر
اؤک = اؤگ ، عقل	توتجی = دائمی
تونقا = ببر، قهرمان	قالی یا کالی = اگر
مون = تقصیر، گناه ( مون = غصه )	یالنبق = انسان
اؤکونج = پشیمان	اؤمک = عجله ائتمک
تؤکل = تام	اؤکه / اوفکه = غضب
قیلنج = اجرا ، اعمال	آرقیش = کاروان
آیماق = گفتن	تؤروم = اصیل
یانوت / یانیت = جواب	یالاواج = سفیر، پیغمبر
یوت = بلا ، مصیبت	کؤ / کؤی = شهرت
اوسال = غافل ، ندانم کار	تین = روح ، نفس
آسیقلی = بافایده	جریک = سرباز
اوش = شیمدی ، ایشته	یارماق = پول
آزو = یا ، هم	آلبائوت = قهرمان ، نخبه
ایک له مک = بیمار شدن	ایک = بیماری
سینک = مزار	یرچو (گؤموت) = مزار، قبر
اسن له مک = سلام دادن	آقی = سخی
اوقوش یا اوکوش = هوش، خرد ، فهم .	ساران = خسیس
یاروق = روشنائی ، نور، درخشش .	بوگو = عاقل
گوز = پاییز .	یاز = بهار
گوزلوک = پاییزه	یازلیق = بهاره
یاغیز = اسمر ( بین سرخ و سیاه )	ییبیار = مشک
اؤپری = دره ، چوقور	اد = پارچه ، قماش
ساندواچ = ملبلم	اؤد = زمان / اوق
اؤزلک = زمانه ، فلک .	اؤغور = زمان ، وقت
یولوغ = مالیات ، فدیة .	آجون = دنیا
یاشناماق = رعد و برق	یاشین = صاعقه
تاپوقچو = خدمتگزار ، مامور .	تاپوق = خدمت ، پرستش
باتار = مغرب	دوغار = مشرق
اوس = عقل	آنیق = حاضر
تؤرو / توره = عرف	آسیق = فایده

اُورُوق = نسب ، تخم	ياس = ضرر ( قور )
ساقينچ = اندیشه ، نگرانی	ترکن = امير
اُوتچى = پزشک ، داروساز	اُوت = دوا ، درمان
اغکوش = زياد .	قاراگو = کور
يُولا = مشعل	گورک = زيباشی
باى = ثروتمند	شيش = ضرر
نن ، نسنه = شئى	چيقاي = فقير
کيشن / کؤستهک = پای بند ، زنجير .	آغ = دام
قؤمارو = وصيت .	يارليقماق = بخشیدن، مغفرت .
يارليغ = فرمان .	سرينمک = صبرکردن
دؤش = رؤيا ، خواب	قور / کور = ضرر
يورک = اختصاص ، استادى	سوجيغ = شيرين
تاپلاماق = قبول ، راضى	کورزليک = کبر .
اونگ = رنگ	ايوهک = عحول
اُونگ = طرف راست	ايسيز = بد
کؤنيليك گونو = روز قيامت	اغوک = هيچ
کئد = البته .	اغوج = کينه ، انتقام .
ييلخي = حيوان	ساو = قصه ، وجيزه
اير = جنوب ، حای آفتابى	يالين = شعله .
قؤل = وادى .	اغوز = دره
قاراقوش = ستاره ، مشتری .	يغک = شيطان
سومليماق = درزيان اجنبى صحبت کردن	تيگى = سنجاب
گؤموت = قبر ، مزار .	کيش = سمور
تاغار = گونى ، جول ، جووال .	اودؤ = ازپى
ساوجى = پيغمبر .	چادان = عقرب
اغتونمک = حکايت کردن .	اؤکک = برج
اؤلگو = ترازو .	ساتان = مرجان .
يؤکؤنج = نماز	ساقينيق = باعفت .
مون = غصه ، دلتنگى	اوما = مهمان .
اولاتو = دستمال .	يازوق = گناه
*** ** *	اغگره يوک = عبادت .

عشقون منى عالمده عجب مشكله سالىدى  
 رسواى جهان ائيلهدى، ديلدن ديله سالىدى  
 عمروم بوئيو، من تىكجه، كۇنول بىرگوله وئردىم  
 بلبل دى اوڭكى، مېرىنى گولدن كوله سالىدى  
 مېن كوزه محبت مئىيى چكدىم، يۇلا دوزدوم  
 عشق اهلى اوئاھربىرى بىر زىنگىله سالىدى  
 تۇم زولفووى ھۇردون، ھۇروگون نقشىنى كۇرچك  
 نقاش طبيعت كۇتوروب سىنبىله سالىدى  
 اول منى، سۇز وئردى كى، گوندن گونھ كۇرسون  
 انصافىنا باغ كى، اوئو ايلدن ايله سالىدى  
 بو، عشق دگىل كى، منھ لطف ائيله يىب آلاھ ،  
 بىرىاندىرىجى اوڭدو كى، دىن ودلھ سالىدى  
 عشقېن يوكو داغدىر، اوڭدو كاروان چكھ بىلمز  
 ظن اعتمه كى، لىلا بو گوجو محملھ سالىدى  
 دگدىم او قارا زلفھ، دنىزتك لپھ لنىدى  
 چىتمك داشى بىركس ائله بىل كى گۇلھ سالىدى  
 مجنون كىمى اوڭز عشقېنھ لايىق منى كۇرچك  
 تلطفىم اوچون بوئىنوما بىر سلسلھ سالىدى  
 ھجران گونو، زولفون گھنھ فرىادىما يىغدى  
 سانكى منى ارحامى بىلىب، بىر صلھ سالىدى -  
 بىر تىل قىرىلىب قالىدى الىمدھ ھۇروگوندىن  
 "سۇنمز" بو صىنىق كۇنلون او نازك تىلھ سالىدى

ممتاز امتیاز

ظہر عاشورادہ قانلا دستماز آلدی حسین  
 اذن وصلُ اللہی درحال نماز آلدی حسین  
 بی نیازہ قیلدی سجدہ ، سجدہ گاہ عشقده  
 ساجدین حقہ ممتاز امتیاز آلدی حسین  
 بو نمازیلن ، نمازین قیلدی قدرین آشکار  
 خلق اوچون مہر نمازہ خانماز آلدی حسین  
 یعنی: ای امت! کی ترک اولماز نماز، ہتج وضعده  
 دستماز آلدی حسین، وصلہ جواز آلدی حسین  
 تیر و پیکان یارہ سین او تشنہ سرور شوقیلن  
 سجدہ گاہ حربده با صدر باز آلدی حسین  
 وئردی یغتمیش ایکی قربان ، شافع محشرلیگی  
 قتلگہدہ موقع راز و نیاز آلدی حسین  
 قیلدی راہ حقده ایمانیلن ترک حجاز  
 کربلانی کعبہ یہ فاخر طراز آلدی حسین  
 نینوا دؤندی منایہ عرف حقلن جان بہ کف  
 کربلانین مشعرین حقدن مجاز آلدی حسین  
 کئچدی باش و جانندان ، اما کئچمہدی ایمان دن  
 سایہ ی بو شیبده اوج فراز آلدی حسین  
 "شیعتی مہما شربتم ماء عذب" سؤیلہدی  
 شیعه اوچون پایگاہ عز و ناز آلدی حسین  
 بو حسین باب الحوائج دیر، نوا قیل سوزیلن  
 چون رضای حقی با سوز و گداز آلدی حسین  
 پیشگاہ عشقده شوریلہ وئردی امتحان  
 نمرہ ی بو امتحانی سرفراز آلدی حسین  
 قیل نمازین، دوش دخیل ، ایستہ خدادن مطلبون  
 ساجدین حقہ ممتاز امتیاز آلدی حسین  
 ای خدا ، قووما قاپوندان بو حسین عاشقترین  
 اُمته حُبون ، علاج و چارہ ساز آلدی حسین

===== باھار بايرامى پويىشماسيندان بىر پارچا =====

\* ۵ \*

۱

باھاردى گۆركى ھەر چېچەك \* اۈز كۆكۈنۈن اۈستە آچىر  
 طبيعتدن حيات آلئىر \* بزەك وئىرر عطىر صاچىر

۲

گۈلە قونمۇش بىر كپەنك \* گۈلۈن عطرىن آلار، قۇخلار  
 ايشىقلا گۈل سئوكىسىنى \* اورەگىندە عزىز ساخلار

۳

آچار قىزىل قانادلارىن \* زر طوزونۇ توكىر گۈلە  
 عطىر آلار، قىزىل وئىرر \* اينجە گۈنۈل گۈلە - گۈلە

۴

بىر باغچانى بئجر ساخلا \* بىل او، سىنە گۈل وئىرەك  
 يازا باغبان باغ ايشلەسە \* يايىدا ميوەسىن درەجەك

۵

بىر بوغدانى وئىر طورباغا \* اونونچون باغرىن ياراق  
 بۇرچۇنۇ سالماز اوزاغا \* بىرە آتمىش قايتىاراق

۶

بۇ عالمىن ايشى آل - وئىر \* بىرىن وئىرسە، بىرىن آلار  
 بۇ آل - وئىردن، بۇ نظامدان \* اوچۇنچۇ بىر اثر قالار

۷

اي يادلارا ايشلەينلر!.. \* سىز بۇ ايشى نە سانئىرىز  
 بۇنجا اۈزگە قوللۇغۇندان \* ائلىزە نە قازانئىرسىز!؟

۸

اۈزۈندىن اۈزگە اولماغى \* دۇشۈنەك، كىم بىزە وئىردى!؟  
 بۇ ائللر يۈكسەلن چاغى \* بىزە كى وارلىغى دىردى

۹

نە دن اولدۇق گۈز بەگى \* كىم لىر بىزى اۈوسۇنلادى  
 اۈزۈمۈزۈ گۈرمۈرۈك ھىچ \* گۈرۈرۈك يادى، ھىر زادى

۱۰

دوغما ائلدن اى آيرىلان \* بۇ ايشى ھىچ سانما آسان  
 بۇ گۈردۈگۈن خائىن ايشىدن \* بىل ذرەجە قازانماسان

۱۱

طبیعتدن بونو اؤگرهن \* اوت اؤز کؤکو اوسته بیتر  
سن ده اصله دؤنمه لی سن \* یاد اولدوغون بسدی ییتهر<sup>(۱)</sup>

۱۲

بو آپ آیدین مطلبی قان \* آختار - آرا هپ<sup>(۲)</sup> هریانی  
سن کمی بیر ذلیل اولان \* کیمسه نی تاپ ، گؤسته ر هانی؟!.

۱۳

ای اثوننده اؤز بالاسین \* عائله یه یاد بؤگؤن  
ناد دبل ایله یاوروسون<sup>(۳)</sup> \* فنا و یوخلوغون گؤن

۱۴

بو یالنیز اؤز بالان دگیل \* ائل - اولوسدان دؤنور صولور  
اؤزؤن ، ائلن ، دوغما دیلین \* بو سهوا یله فنا اولور

۱۵

ناخ بیر آحین نهیی واردیئر \* وئره بیلسین یالاواجا<sup>(۴)</sup>  
گؤر نئحه آلقاق اولموسان \* ال اوزادیئرسان بیر آجا

۱۶

هر دیله نجی قاپوسوندا \* گئدیب دیله نمه آی کیشی  
اللی بئش ایل ذلیل اولوب \* آنلایا بیلمه دین ایشی!؟

۱۷

یاخشئی دؤشؤن کیم اولدوغون \* واردی بویوک ، آغیئر ائلین  
اؤز آیاغین اوسته دایان \* همتیوه باغلا بئلین

۱۸

بیر عنعنه نئجه مین ایل \* گزیب - گلیب چاتیب سنه  
امانتین بو دوغما دیل \* قویما دؤشه آغیئر گؤنه

۱۹

سینن کمیک<sup>(۵)</sup> ، قانیئن ، اتین \* ایلکین ، صونون ، یولون ، ائلین  
دویغونلا ، عرضله غیرتین \* دیلییندیئر هپ شیرین دیلین

۲۰

دؤشؤن اولو گئچمیشینی \* ائلین شرف داشیئارمیش  
گؤر اردم لی بابالاریئن \* نئجه اوجا یاشیئارمیش

(۱) ییتهر = کافی. (۲) هپ = بؤتؤن. (۳) یاورو = بالالا. (۴) یالاواج = آج  
(۵) کمیک = سؤمؤک .



عظمت لی مولانا یه

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست  
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

✽ مسلماننی تا پمیشام ✽

جانیم گلیب دودا قیمه جانانی تا پمیشام  
جانان دئمه، قرار دل و جانی تا پمیشام  
مرجان دودا قلا ریندا، تان شهدی دادمیشام  
گول تک اوزونده باغ و گلستاننی تا پمیشام  
آیدین جمالینی، قارا زولفی قوجا قلییوب  
کافر لر اورتا سیندا، مسلماننی تا پمیشام  
کیمدیر دئییب کی، کفر ایلمن ایمان باریشمییب  
من، کفر ایچینده، جلوه ایماننی تا پمیشام  
یعقوب تک اگرجه سؤنوب گؤز چراغ لاری  
یوخدور غمیم کی، یوسف کنعاننی تا پمیشام  
فرعونلار عمارتینی ویران ائتمگه  
طورون دؤشونده موسی عمراننی تا پمیشام  
بو یولدا، جان و دل من ایلمن یولداش اولدولار  
(شیر خداننی رستم دستانی) تا پمیشام  
منعم منالیویله منه فخر سا تما گفتم،  
فقر اولکه سینده ملک سلیماننی تا پمیشام  
بیر الدهه مئی پیاله سی، بیر الدهه یار ساچی \*  
رقص ائتمگه میانه میداننی تا پمیشام  
(حامد) چالیشدی (مولوی) اما تا پانمادی  
من دریانین نهنگی ام عماننی تا پمیشام

✽ دامان تنهائی ✽

ز جمعیت ملولستم، تنم قربان تنهائی  
دل از مردم پرا زدرداست، کودرمان تنهائی

---

(\* بومصراع عینا مولانین غزلیندن ترجمه اولوبدور .

از این گلشن، که صدها دست گلچین درکمین دارد  
 برون رفتم که برچینم گل از بوستان تنهای  
 ندیدم چون صفا، از دامن تن ها کشیدم دست  
 از این پس دست تنهای من و دامان تنهای  
 نشد گوئی نصیبم در دیار نا جوانمردان  
 مگر گوئی برم ز این عرصه، با چوگان تنهای  
 نجستم گوهری ناسفته، از دریای جمعیت  
 من و در این تلاش بی امان، عمان تنهای  
 ز مادر مهربانتر دایگان، خستند کامم را  
 از اینان می گریزم تا مکم پستان تنهای  
 دل از این میزبانان گرانجان بود در وحشت  
 سبکجان رفت تا گردد دمی مهمان تنهای  
 ز رنگین خوان رنگین سفرگان بوی ریا خیزد  
 من و یک لقمه نانی بی ریایی خوان تنهای  
 بجای گل خس و خاشاک میروید در این گلشن  
 بسوز این خار و خس، ای شعله سوزان تنهای  
 از این دنیای دیوود که هر درنده سلطانی است  
 روم در ملک تنهای شوم سلطان تنهای  
 سحر میگفت (حامد) دوش دروادی تنهایان  
 "یکی بوده است گوئی جان تو با جان تنهای\*"

(\* این مصراع از ( سحر ) است .

"تو چال" ذروه سینه چرخارکن ...

سنی سارسیتما سین یورولوب قالان  
 یاریمچیق بیرصعود سنه درد اولار  
 ذروه لر اوغروندا جان اتان زمان  
 "گوز نامرد اولورسا، آیا ق مرد اولار\*"

سؤنمز - ۱۳۶۲/۷/۲۹

\* بومصراع "تالار سوزو" ن دن آلینمیشدیر .

\* سسلی حرف ( مصوت ) لرباره سسینده \*

هجا هم آهنگیلیگی ویا سس اویشومو

\* ۲ \*

عاشیق اوست پالتارینی صویونوب اوزدو. چایی او تیا گنجندن  
صونرا گئری باخینه گوردو: آمان! آه، ای قدرتلی الله، خورشید  
بیگ اونون پالتارلارینی گوتوروب تغلیسه قاییدشدی، او ائله چا پاراق  
گئدیردی کی، آرخاسینجا دؤمدوز چولده آنجاق ایلان کیمی طوز بۇرولوب  
قالخیردی. بیگ آتینی چا - چا تغلیسه چاتیب عاشیق غریبین پالتا  
- رینی اونون قوجا آناسینا گؤستهردی: "سین اوغلون درین ببرچایدا  
بوغولدو، - ددی. - آل، بو دا اونون پالتاری". آناسی افاده ائدیله  
بیلمه یه جک بیر حسرتله اغز ایسته کالی اوغلونون پالتاری اوستونه  
سریلدی و اونو ایستی گوز یاشلاری ایله ایسلاتدی، صونرا آرواد پالتا-  
ری گوتوروب اغز یینی گلینی ماه المهری یه آپاردی.

آرواد قیزا :

- اوغلو بوم بوغولموشدور، - ددی. خورشید بیگ اونون پالتارینی گتیر-  
میشدی، سن آزادسان .

ماه المهری گولومسهدی . - اینانما، - دئییه جواب وئردی، - بوتون  
بونلار خورشید بیگین اویدورمالاریدیر\*، یئددی ایل قورتارما میس هنج  
کس منیم اریم اولما یا جاق .

قیز اغز سازینی دیواردان آلدی و یازیق عاشیق غریبین سئویملی  
نغمه سینی ساکت - ساکت اوخوماغا باشلادی .

\* پالتارلارینی - بو کلمه ده ۵ قالین هجا وار: ( پال + تار + لا + رری +  
نی ) و بو کلمه ده ایشله ن سسلی قالین حرف لری:  
( ا . ا . ا . ا . ا . ی . ی . ی ) و قالین هجالی کلمه لره "لار" جمع علامتی دیر .  
مثال : آداملار، قوشلار، آغاجلار . . . .

( بو مثاللاردا نقطه لر صامت (سس سیز حرف ) لرین یئرین توتوب ) .  
\* اویدورمالاریدیر - بو کلمه ده ۶ قالین هجا وار: ( او ی + دور + ما +  
لا + ری + دیر ) بو کلمه ده ایشله ن سسلی قالین حرف لری:  
( ا . و . و . ا . ا . ا . ی . ی . ی ) . بو کلمه ده "لار" جمع علامتی دیر .

غریب چیل - چیلپاق حالدا گلیب بیرکنده چیخدی رحملی آداملار  
 اُونو گئیندیویب یغدیرتدیلر، اُو دا بُونون عوضینده اُونلار اُوچون  
 گوزهل - گوزهل نغمه لر اُوخودو. بئله لیک له اُو بیر کندن اوبیئرکنده  
 بیر شهردن اوبیئرئ شهره گفتدی، شهرتی هریانا یایئلماغا باشلادی.  
 آخیردا حلب شهرینه گلیب چیخدی. عادتئ اوزره، بیر قهوه خانایا گیردی  
 ساز ایستهدی و اُوخوماغا باشلادی. بو زمانلار حلبده بیر پاشا یاشا -  
 ییوردئ، همین پاشا یاخشئ نغمه کارلارئ چوخ سئویردی. اُونون یانینا چوخ  
 عاشیق گتیرمیشدیلر\*، آنجاق پاشا اُونلارین هج بیرینی بگه نمه میشدی.  
 اُونون جوووشلاری شهرده عاشیق دالینجا گزمک\* دن الدن دوشموشدولر.  
 بیرون قهوه خانانین یانیندان گچنده انسانی حئیرته سالان گوزهل  
 بیر سس اشیتدیلر. اُونلار قهوه خانایا گیردیلر.  
 چوووشلار عاشیقه :

- یا گل بیزیمله پاشا حضرت لری نبن یانینا گئدهک، یادا اوزباشینلا  
 جواب وئره جکسن، - دئییه چیغیردیلار.  
 عاشیق غریب :

- من سربست (آزاد) آدامم، - دئدی، - تغلیس شهریندن گلمه غریبم :  
 ایسته سم، گئده رم، ایسته سم - یوخ، کئغیم گلنده اُوخویارام، گلمه -  
 ینده اُوخومورام، بیر ده سیزین پاشانیز منیم آغام دگیل کی !  
 لکن بوتون بونلار باخما یاراق، اُونو یاخالاییب پاشانین یانینا  
 آپاردیلار. " اُوخو" - دئییه پاشا امر ائتدی. او، اُوخودو. عاشیق غریب  
 بو نغمه سینده اوز قیمتلی ماه المهری سی نی تعریف له ییوردی، بو نغمه  
 مغرور پاشایا اُو قده ر خوش گلدی کی، یوخسول عاشیق غریبی اوز یانیندا  
 ساخلادی. اُونو قیزیللا، گوموش له سئیلاب ائتدی لر، اونا قیمتلی، گوزهل  
 پالتار گئیندیردیلر. عاشیق غریب شن و خوشبخت یاشا ماغا باشلادی و چوخ  
 وارلی بیو آدام اولدو. او، اوز ماه المهری سی نی اُونودوب - اُونوتما -  
 دئیغینی بیلمیره م، آنجاق واخت گلیب یئتیشیردی. عهدی نین آخوینجئ ایلی

\* گتیرمیشدیلر - بو کلمه ده ۵ اینجه هجا وار: (گ + تیر + میش + دی +  
 لر) و بو کلمه ده ایشله ن سلی اینجه حرف لر:  
 ( ۰ + ۰ + ۰ + ۰ + ۰ + ۰ ). " لر " اینجه هجالی کلمه لرده ضمیر و اُوچونجو  
 شخصین جمع علامتی دیر.

\* گزمک - بو کلمه ده ۲ اینجه هجا وار: (گز + مک) و بو کلمه ده ایشله -  
 ن سلی اینجه حرف لر: ( ۰ + ۰ + ۰ ). " مک " اینجه هجالی کلمه لرده  
 مصدر علامتی دیر.

تغزلیک له قور تار مالی \* ایدی. اما، او، گشتمه گه حاضیرلاشمیوردی.  
 گوزهل ماه المهری مایوس اولماغا باشلامیشدی. بو زمان بیر تاجر  
 قیوخ ده وه و سکان قۇلدان عبارت بیر کاروانلا تغلیس دن یولا دوشک  
 ایدی قیز همین تاجرئ اغز یانینا چاغیرتدیویب، اونا قیزیل بیسر  
 نیمچه وئودی.

— بو نیمچه نی گؤتور، — دئدی، — هر هانسئ شهره چاتسان، بو نیمچه نی  
 اغز دوکانینا قوی، اغزؤ ده هر یئرده بیلدیوکی، کیم منیم بونیمچه —  
 نین صاحبئ اولدوغونو بیلدیورهسه و بونو اثبات ائده رسه، هم بونیمچه  
 نی، هم ده بونون آغیرلیغئ قدهر قیزیل آلا جاق .

تاجر یولا دوشدو، هر یئرده ماه المهری نین تاپشیرئغینئ یئرینه  
 بختیوردی، آنجاق هئچ کس قیزیل نیمچه نین صاحبئ اولدوغونو بونونسا  
 آلمیوردی. او، ماللارین، دئمک \* اولار کی، هامئ سینئ ساتیب قورتا رمیش  
 دی، آزا جیق مالی قالمیشدی کی، اونو دا گؤتورؤب حلبه گلدی. او، ماه  
 المهری نین تاپشیرئغینئ هر یئرده اعلان ائتدی. عاشیق غریب بونو  
 ائشیدیب کاروانسرایا قاچدی. و تغلیس تاجرئ نین دوکانیندا کئی  
 قیزیل نیمچه نی گوردو .

او، نیمچه نی قاپاراق :

— بو منیم دیر، — دئدی .

تاجر :

— دوزدور، سنیندیر، — دئییه جواب وئودی. — من سنی تانبدیم، عاشیق غریب  
 تغز اول تغلیسه گئت، سنین ماه المهرین سنه قوووشماق \* ا و چون بویورموش  
 دور کی، واخت گلیب یئتیشیر، اگرسن تعین ائدیلمیش گونه دهک اغزؤنسونو  
 یئتیرمه سن او، باشقاسینا اره گئده جکدیر .

\* قور تار مالی — بو کلمه ده ۴ قالین هجا وار: ( قور + تار + ما + لی ) و

بو کلمه ده ایش له نن سسلی قالین حرفلر: ( و . و . ا . ا . ا . ئ )

\* دئمک — بو کلمه ده ۲ اینجه هجا وار: ( دئ + مک ) . بو کلمه ده ایش له نن

سسلی اینجه حرفلر: ( د . م . ) . اینجه هجالی کلمه لرده " مک " مصدر علامتی دیر .

\* قوووشماق — بو کلمه ده ۳ قالین هجا وار: ( قو + ووش + ما ق ) و بو کلمه ده

ایش له نن سسلی قالین حرفلر: ( و . و . ا . ا . ) . قالین هجالی کلمه لرده

مصدر علامتی " ما ق " دیر . مثال : چالیشماق ، باریشماق ، دانیشماق . . کیمی

عاشيق غريب چوخ مأيوس اولدۇ، واختا اوچجه گون قالميشدى، بونا باخما ياراق، او، اوميدينى كسمه ييب، آتا ميندى، قيزيل پولـلارلا دولو اولان هييه سيني اوزو ايله گوتوردو و آتا رحى كلمه دن گوتوـ رولدو\*، آخيرا االدن دوشموش آتئين نفسى كسليب ارنجانلا ارض روم آرا سينداكى ارنجان داغى آراسيندا چا تداى . عاشيق غريب نه ائده بيلهـ . دى ؟ ارنجانان تفليله كيمي ايكى آيلىق يول ايدى. آنچاق جمعىسى ايكجه گون قالميشدى .

" اى قدرتلى الله، - دئيه او يالواردى ، - ايندى سن منه كؤمك ائتمه سن ، داها دونيا نه ييمه گره كدير . " . او، بو سوزلى دئيب ، اوزو - نو اوجا بير قايدان آتماق ايسته ييردى كى، بيردن آشاغى دا \* آغ آتلى بير آدام گوردو و اونون گور سىنى ائشيتدى :  
- آى اوغلان ، نه ائله مك ايسته ييرس ؟!  
عاشيق :

- اوزومو اولدورمك \* ايسته ييره م ، - دئيه جواب وئردى .

- ايندى كى ، بئله دير ، دوش بوژا يا گل سنى اولدوروم .

عاشيق بير تهر قايدان ائندى .

آتلى غضبناك بير حالدا :

- دالئيجا گل ، - دئدى .

- آغى من سنين دالئيجا نئجه كله بيله رم ، - دئيه عاشيق غريب جواب وئردى ، سنين آتئين يئل كيمي اوجور ، اما ، منه هييه م آغيرلىق ائله بير . .  
- دوغرو دئيرس ، كئير هييه نى يه ريعن قاشيندان آس ، اوزون ايسه دالئيجا گل .

عاشيق غريب نه قده ر قاچيردئسا دا ، يئنه دالدا قالئوردى .

\* گوتورولدو - بو كلمه ده ۴ اينجه هجا وار : (گؤ + توهرؤل + دو) و بو

كلمه ده ايش له نن سلى اينجه حرفلر : (ؤ + و + وؤ + وؤ) .

\* اولدورمك - بو كلمه ده ۳ اينجه هجا وار : (اول + دور + مك) و بو كلمه ده

ايش له نن سلى اينجه حرفلر : (اوؤ + وؤ + وؤ) . " مك " مصدر علامتى دير .

\* آشاغى دا - بو كلمه ده ۴ قالين هجا وار : (آ + شا + غى + دا) و

گوى ده - بو كلمه ده ۲ اينجه هجا وار : (گوى + ده) . قالئين هجالى

كلمه لرده "دا" شكيلچيسى و اينجه هجالى كلمه لرده "ده" شكيلچيسى

ايش له نير . آردى گلن صابى دا .

## > گلەن مکتوبلار <

مجله میزه جوخلو منشور و منظوم مکتوبلار، وطن پرورلیک حسی ایله دولو یازیلار کلمیشدیر. مجله نین توتومونو نظره آلاراق اونلارین بعضی سیندن معین پارچالار و مصراعلار درج ائدیریک :

بویا زیلار ایچهریسینده آقای عزت پارلاقین صمیمی مکتوبو و گونده ز-دیگی " حیدر بابا یا سلام " روحونده یازیب گونده ردیگی ۱۱۲ بندلیک منظومه سی دقتی جلب ائدیر. بودور بیز " قافلان داغی نین نغمه لیری " آدلانان شعردن نمونه اوچون بیرنجه بندینی وئیریریک :

قافلان داغی سلام اولسون انسانا \* کؤنلونده کی محبته ،ایمانا  
 حیاتیندا بسله دیگی وجدانا

قوی بو دونیا سعادته یول آچسین \* باریشیغین هیکلینه قول آتسین  
 \*  
 قافلان داغی ایکیدلرین دؤیوشور \* داغ دؤشونده آل لاله لر گؤروشور ،  
 عاشیقلارین آزادلیقدان دئیشیر

سلام اولسون ایکیدلرین قانینا \* جانیم قوربان ارنلرین جانینا  
 \*  
 قافلان داغی قیزیل کونش قوجالماز \* مردا و غوللار ، مظلوملاردان باج آلماز  
 خائن لرین آچاق باشی اوچالماز

قیزیل اوزهن هئی دنیزه آخا جاق \* اوغلان ، قیزین سنه ساری باخا جاق ...  
 بیز آقای عزته توصیه ائدیریک کی ، داها گؤزه ل اثریازماق اوچون  
 جوخلو مطالعه ائدیب ، بدیعی صنعت خصوصیت لرینی ، وزن وقافییه نین گؤزه ل  
 اولماسینی ، شعرین پوئتیک خصوصیت و قانونلارینی داها مکمل اوگره نسین  
 و بیزه گؤزه ل - گؤزه ل منظومه لر گونده رسین .

معاصر شاعریمیز آقای بهرام ائلچین صمیمی مکتوبو ایله برابر  
 اونودولموش شاعر " اعزاز مهینی " حقیقنده بیخجام معلومات و غریب اونون  
 شعرلریندن نمونه لر گونده رمیشدیر ، بیز بهراما ساغ اول دئییه رک اعزا -  
 زین دا بیر غزلینی مجله میزده درج ائدیریک :

ای لعبت سارنگی و ای شوخ تتساری  
 ای دلبر سنتوری و ای مهوش تاراری  
 تاراری سنی شاد ایله سین عالمده همیشه  
 تا شوق ایله مشق ایله یه سن هر گئجه تاراری

بیر تار او زولف سیهیندن منه گوندهر،

سن تاری وی اغوز سینه وه باس من ده اوتاری

من تاریم ایله تار قیلیم صبح ضیانی

سن تارین ایله صبح ضیاء قیل شب تاری

عشق آتشینه سینه ده سیمرغ پری تک

او تاری توتوم بلکه یثتیرسین سنی تاری

گر نام و نشانیم صوروشا سندن احبا

کویومدا منیم، سؤیله کی، "اعزاز" ایتا وتاری

آقای عبدالله بهمنی نین آنادیلیمیزه اولان صونسوز محبت له دولو مکتوبونو او خودوق و اونا همیشه بویولدا آددیلاما غی اغوز اقلینی، دیلینی و مدنیتی سئویب، سئودیرمگی آرزو ائدیریک، دوغرودان داکهنه رژیم مدنیتیمیزه، دیلیمیزه، ملیتیمیزه حدسیز و حدودسوز زیانلار وورموشدو. آنجا ق دوزه لهر، فداکارلیق گره ک دیر.

آقای بهمنی سیزین بحث ائتدیگینیز معلم طاغوتی دئوروندا او خوبو تعلیم گؤرموشدور. اونون اوچون طاغوتی فرهنگ له اشباع اولموش و اغزوده بیلمه یهرک طاغوتی لر کیمی دوشونور. اسلام عالمینده بوتسون ملت لر و دیل لر آللهین آیه لری (نشانه لری) دیر و انسانلارین آرا- سینداکی فرق تقوی و علم ایله دیر. فارس دیلی آسان اولسا دا اغوز خلقینه آسان دیر، یوخسا آنا دیلی تورکی اولان اوشاقلارا آسان دگیل. هر کسه اغوز دیلینده اوخوماق داها آسان دیر، بو دا انکار ائدیلمه زبیر حقیقت دیر. فارسی دیلی ده بیزیم اولکه نین و فارس قارداشلاریمیزین دیلی دیر و بیزیم اوچون اوخونما سی لازم دیر. سیز فارسجا ایله برابر آنادیلی - میزی ده اؤگره نیس. اسلام جمهوریتینده بو حق و آزادلیق بیزلره وئرلمیشدیر. " اصل پانزدهم قانون اساسی : زبان و خط رسمی ومشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است. " بو ایشده قارشی نیزا چیخانلار آنجا ق ملی گرا ویا طاغوتی اولابیلر لر .



## حرمتملی اوخوجوموز آقاي مهرداد حسين پور

مکتوبونوزو اوخودوق، ديليميز حقنده يازديقلارينيز چوخ دوغروويثيرينده دير. بيز مجله ميزده ادبي ديل ايله يازيريقي لکن اوخوجولاريميزين تورکي معلوماتيني دا نظرده توتوروق .

اوزون ايللر ادبي ديليميز اوخونولما ديفيندان اونودولموشدور. انقلابدان صورنا چيخان نشريات و تورکجه کتابلار اوخوجولاريميزين تورکي معلوماتيني آرتيرميش و بيزلره يازيلاريميزدا داها چوخ تورکي سؤزلري ايشلتمه گه فرصت و امکان وئرميشدير .

تبريز راديسونون تورکي برنامهلري ده زامانلا داها دوزگون بير تورکي ديليله ادامه تاپاجاقدير. کئچه ن لرده وارليق دانشرائتيگي - ميز، وزارت ارشاد اسلامي نين وارليق ين باش يازيچيسي ايله بيرليکده حاضرلاديغي سمينار، بونا بير دليل ومثال دير. سيزه ساغليق وباشاري ديله ريک . " وارليق "

حرمتملی اوخوجولاريميزدان آقاي اسد فرض اللهی آلتی بندليک بير شعر گونده رميش، شعر چوخ احساسلي دير. دؤرد بنديني بعضي اصلاحلاردان صورنا درج ائديرک. شاعرون بو اصلاحلاري اولکي شکیلريله مقایسه ائده ره ک ايره لیده يازاجاغي شعرلرده دقت مرکزينده توتماغي توصيه ائديرک . " وارليق "

وور يئره کولونگين داغلار داغيلسين  
قوي قارا توپراقين قلبی ياريلسين  
ايگيت ليگين تاريخلرده يازيلسين

آزادليق نغمه سين اوخو اكينجي

چشمه لر جوشسون سولار دورولسون  
باک بايراغي اولکه ده قورولسون  
عاشيقلار گؤتورسون سازلار وورولسون

آزادليق نغمه سين اوخو اكينجي

قالدير گؤيه اوراغي ني دوش يولا  
زنحير کيمي وئره ک بيزلر قول - قول  
زه لي صفت دوشمانيميز محسولاولا

آزادليق نغمه سين اوخو اكينجي

استعماری ریشه‌دن نابود ائسدهک  
ائللری زنجیرلردن آزاد ائسدهک  
بیر گولمه‌ین دوداقلاری شاد ائسدهک  
آزادلیق نغمه‌سین اوخو اکینچی

\*\*\* \*\*

وایقان\* اهلیندن بیریبی کربلای آدم  
وایقانلی (شاعر) دن روایت ائدیر

بیر گون کندی آخوندی، مرحوم آدمی اکیندی چایی نا قوناق چاگیریر .  
کربلای آدم یولون ائناسیندا ، جوان و خوش سیما ، ارباب اوغلو حسنخانی  
گورور . اونا دئییر :

بوگون اکیندی چایی نا آخوند سنی قوناق ائدیپ ، اما ، اجازه یوخوم  
دور کی ، سنی ده اغزومله اورا آپارام . اونا گوره اوندا خدا حافظلیک  
ائدیپ آخوندون ائوینه ساری یولا دوشور . ائله کی ، آخوندون ائوینه وارد  
اولور ، گورور کی ، مجلس چوخ مزین وطنطه‌لی دیر . بو حالدا حسن خان  
خاطرینه گلیر و حناب آخوندا بئله سؤیله‌ییر :

جناب بیلمه‌دیم اول بئله وفاده سنی  
یا نیمجا تا گتیر ایدیم ، بو مجلسه حسنی  
حسن حسن نه حسن ! گول جمالینه احسن  
قیلئیدی ، مجلسی اغز گول جمالی ایله ختن

\*\*\* \*\*

بیر گون وایقاننا جوان و امرد بیر درویش (قصیده خوان) گلیر .  
درویش بیر مجلسده اوخویور و اوخویارکن چوخ گولورموش . کربلای آدم  
او مجلسده حاضر ایمیش درویشه نظر ائدیپ و فی‌البداهه بئله دئییر :  
بو مجلسین گولو مولا ، اگرچی سن گولوسن ،  
گول اولماغیندا سغزوم یوخ ، نییه بئله گولوسن ؟

\*\*\* \*\*

---

(\* وایقان تبریزین گون با تا نیندا گونقی ما حالیندا خامنه یا خینلیغیندا  
بؤیوک و آباد بیر کنددیر .

مراغه دن آقاي د. م. عاصی ایکی شعر گونده رمیش دیر، بورادا بیرینی  
درج ائدییزیک :

بیلسم اوره گین بیر گئحه بو زاره یاناردی  
من ده گئحه دن خواهش ائده ردیم اوزاناردی  
سن ساقیم اولاردین اوره گیم حامینا ساقی  
من جام شراب الدهه توتاندا جالاناردی  
دردیم جوخالاردی سین عشقین له الهی  
یوز درد گلیب بیر- بیری اوسته قالاناردی  
بیر غمزه لی بیر نازلی اشارت ائله بیردین  
منشق اولان آی تک اوره گیم پارچالاناردی  
کپریک لر اوخو، قاش کمانی ال - اله وئرمیش  
بو حمله ده جان ملکی تماما تالاناردی  
بیر حرعه ایچه ردیم او شراب باخیشینلان  
قانلی اوره گیم کاسه سی هئی جالخالاناردی  
او ساق بلورین منی اولدورمگه خاطر  
مقتل ده کی جلاد تکین چیرمالاناردی  
ساجلار گتیریپ حمله ایلان تک منه ساری  
او جانلی هئوروک لر بوغازیمدا دولاناردی  
بیر داره چکیردی می او زلف چلیپا  
گنبدلرین اوستونده هوالحق اوخوناردی  
بیر قاره شال اوسته منیم عشقیمده یازیلیمیش  
هر عاشقه معشوقی اییلن توخوناردی  
سخت اولدوزومون باشینا بیر قاره سالینمیش  
عمر اولدوزونا خیمه ماتم قورولاردی  
ای کاش اوزانمیردی بو شعرین بئله "عاصی"  
اولدورمه میس آموز شاعرینی قیصا قالاردی

\* خلخال دا آلانکش قریه سیندن آقاي آزاد مهرپور" ایلدیرییم"  
( قورتولوش آدلی بیر شعر گونده ریب بوشعدن اوچ بندبورادا درج ائدییزیک )  
قورتولوش دئورانی دور، دورسون یاتان انسان بوگون گون.  
گورسون انسانی نئجه حیران ائدیردئوران بو  
قالانی صحیفه ده

علم ایله دونیا اولور اوچماق کیمی رضوان بوگون  
 بو ایشه لابد اولور انسان اوزی حیران بوگون  
 بوکسه لیر گوندن گونه بو خوش آزادلیق نغمه سی  
 خوش گلیر هر ملته بو نغمه نین سویله سسی  
 چالیسین عاشیق ائل لره بو خوش صفیری بو سسی  
 دینله سین، آلقیشلا سین هانی بئله فرمان بوگون  
 قوی آزادلیق سئومه یین کیم دیرسه ده باتسین سسی  
 یانسین ، اولدانسین، باغیرسین، پاتلاسین یا تسین سسی  
 هر یانا گئتسین آزادلیق نغمه سی چاتسین سسی  
 قورتولوش میدانی نی جولان ائده ک هر آن بو گون

آدسیز

اورمییه

\* دیلیم \*

من حیجک لر، سله یین، صولماز، گوزه ل باغ دیر دیلیم ،  
 قارلی قیشلاردان حیخان باز تک اوزو آغ دیر دیلیم .  
 هر نئحه بیر حس اولاسویله ر بو قدرتلی کلام ،  
 دالغالی، حوشغون دنیز ، بیر اینجه یاریق دیر دیلیم .  
 هم کور اوغلو نعره سن، هم اصلی نین فریادی نی،  
 عکس ائدیر، بیر گوزگو تک ، ساخ گئورنه اویناق دیر دیلیم .  
 گاه او جالدیر بیزلری، گاه گولدورور، گاه آغلادیر،  
 درد ده ، شنلیکده اوز خلقیله اورتاق دیر دیلیم .  
 قهرمانلار قانیله سوی آتدی ما وباش ساخلادی ،  
 وار بئری گر سویله سم بیر قانلی بایراق دیر دیلیم .  
 آلسا دا ، قدرت فضولی دن ، نسیمی دن اگر ،  
 وورغونون طبعنده انسان فخری بیر داغ دیر دیلیم .  
 جوخ ستملر گورسه ده چیخدی سیناقدان ، سینمادی ،  
 ثابت اولدو عالمه ، هر بیر زامان حق دیر دیلیم .  
 مختلف یئرلرده ساکن ائلری سیرلشدیریر ،  
 بیر نئجه اولکه ، نئجه ائل ، اونلار اوبماق دیر دیلیم .  
 جوخ چالیر دشمن کی، بو دیل عرصه دن چیخسین داها ،  
 یازکی "آدسیز" ، گورسون او ، خلقیم کیمی ساغ دیر دیلیم

## حاجی رضا صراف تبریزی

\*\*\*\*\*

حاجی رضا صراف تبریزی نین آتاسی نین آدی حاج محمدتبریزی دیر . او، ۱۲۷۱ هجری قمری ده آنادان اولموشدور و جوانلیغی نین باشلانقیج لاریندان عمرونون بیرحصه سینی تجارت ده صرف ائدیب و ابیری حصه سینی علم الیه ائتمکده ایشله تمیشدیر .

صراف تبریزده اولان ادبی انجمنین عضولریندن اولموش و اوزونسدن یادگار قویموش شعر دیوانی اونون ادبی مقامینی وها بئله اینجه و ظریف ذوقینی گؤسته رمک اوچون جانلی بیر نمونه اولایلمر .

حاج رضا صراف ۵۴ ایل بیزیم دونیا میزدا یا شامیش و ۱۷ ربیع الا اول ۱۳۲۵ هجری قمری ده بودونیا یه گؤز یوموشدور . اونون وفاتی حقیقنده طاهرزاده نقاش تبریزی ، حاج محمدعلی صفوت اشارة لرا ائتمیشلر .

صرافین دیوانی ، آذربایجان دیلینده ۹۱ غزل و بیر

حاج رضا صراف      نچه ربا عی ، مستزاد ، نوحه و سینه زن و فارسی دیلینده ۱۱

تبریزی نیسن      غزلدن عبارتدیر . الیمده اولدوغو بودیوان ۱۳۷۶ -

یا رادجیلیغی      هجری قمری ده ، دیوان صراف عنوانیله نشر اولونموش و

فکرا ائدیرم بو ، صرافین دیوانی نین صون چاپی اولموش ، اونا گؤره کی ، بو

ایگیرمی بئش ایلین عرضینده ، محمدرضا خانین آپا ردیغی فارسلا شدیر ما

سیاستی نتیجه سینده ، آذربایجان دیلینده یا لنیز سیاسی ، اجتماعی کتاب

لار یوخ ، حتی شعر ، غزل و مرثیه کتابلاری نین دا چاپ ونشری قدغن ائدیلمیش

بیز بومقاله میزده صرافین یا راددیغی غزللر و اوندان درک ائدیگی

- میز اجتماعی مفکوره وها بئله سؤیله دیگی نوحه و سینه زن لرین حقیقنده

قیسسا صورتده دانیشماق ایسته ییریک . مشروطه حرکتی اولکهمیزده باشلا-

نان زمان ضیالی لار ، شاعرلر اکثر خلقی مبارزه یه چاغیرما قدا بویوک

رول اوینا میشلار ، اولار داندان چوخلاری اوز قلم استعدادلارینی توفنگه چئو-

یریب بویولدا مبارزه دن بیر آن بئله چکینمه میشلر . صراف دا بویولدا

خلقلی ایل لرین یوخوسوندان او یا تما غا چالیشیر ، او ، صابرا نه بیر طرزده

بویاره ده بئله یازیر :

ای ملت اسلام او یان وقت سحر دی      گؤر بیر نه خبردی .

سدرور بو قده ر یا تما ، چورورسن نه خبردی دور ، وقت سحر دی .

مین یثردن آییلدییر سنی، بیچاره اخیاء  
 یاتماق بئله اولماز، بو اولومدن ده بتردی  
 تاپدییر سنی همسایه لرون، دورما دئییر یات  
 بو دؤورده هرکیمسه یاتا قانی هدردی  
 گون اولدو، گون اورتا هامی یاتمیشلارا ویانندی  
 سن یات، قوی اولار دورسون اولار چونکی بشردی  
 بی دردلیگی بوشلاما، آختارما حمیت  
 غیرت دئدیگین باشا بلا، جانه خطردی  
 ترپنمیسن اصلا  
 دور، وقت سحردی  
 کئچمیش اولاهیهات  
 دور، وقت سحردی  
 اؤز عیبینی قانندی  
 دور، وقت سحردی  
 لازیم دگو غیرت  
 دور، وقت سحردی.

صراف یاراتدیغی غزل ده، مختلف اجتماعی مسئله لره دولاشیرو غزل لرین  
 آراسیندا ایهام و اشاره ایلن اولکهنین فنا حالیندا یا شاماسینا و مملکت  
 - ین نظامی پوزولوب و باش سیز قالما سینا اشاره ائدییر:

ا ئدییدور باغریمی قان لبلرون، قوی بیر ایچیم قانین  
 بو باش سیز مملکته، قانیمه قان ائتمه ییم، نیلیم؟

صراف جامعه ده علمه، صنعته، شعره، اهمیت و ثریلمه دیگینی و پولون  
 حاکم بیررول ایفا ائتمه سینی آچیق و آیدین گؤرور، او، اؤزونه خطا بابو  
 باره ده بئله سؤیله ییر:

صراف، نقد شعری داخی خرجه گئتمیری

مین بیت دن مقدم اولوب ایندی بیر فولوس.

صراف سؤیله دگی غزل لرده، یئری گلدیکده، زاهدناملاری افشاء ائدییر.  
 او، گؤسته ریرکی، بونلارین ائتدیک لری عبادت بیر معامله په بنزه ییر،  
 اونلار، تانریدان بو عبادت لر قارشیسیندا محشرده مین، مین حوری طلب  
 ائدییرلر:

تسیح کیمی زاهد اورا دامقیددییر \* ایسترا لامحشرده، هر وئردیگینه حوری  
 صراف توتدوغو و گئتدیگی یولدا ثابت قدم دیر. او، حقیقی بیر عشق  
 دالینجا گئدییر و بو یولدا قا باغیندا دوران مانع لره و یا خود دالینجا  
 دئییلن افتراء لره اصلا اهمیت وئرمیر. او، بو خصوص دا بئله سؤیله ییر:

بانگ نوشا نوش کیم میخانه سمتیندن گلیر

اهل زهدون وئرمیرم بیهوده قیل و قالینه .

صراف دئییر هرکیم منیم باره مده هر جوره فکر ائدییر قوی ائتسین.  
 منیم هئج بیز فرقه یه تعلقیم یوخدور، آنجا ق بومدعی لر بو یوک بیر یالان  
 اویدورورلار:

بیلمز نہ دیر کونولده کی منظور و مطلبیم  
ہر فرقہ ظن بدلن ائدہر بیر گمان منسہ

نہ جبری یم، نہ صوفی، نہ قشری - وحدتی  
ای مدعی اوتان دشمہ فاحش یالان منسہ

صراف اوزونو بئله تصویر ائدیر :

من محبت چولونون عاشیق سرگشته سی یم

بیلسہ دیوانہ نولور مردم تبریز منسی

وباشقا بیر یئردہ "ایلہر" قافیہ سیلہ سؤیلہ دیگی بیرغزلین صو -

نوندا آدی نین ابدی لہ شمعہ سی حقیندہ بئله دئییر :

ایتمہ ز آدیم عالمده یقینیمدو من اولسم

ذوق اہلی بو اشعاریمی ضرب المثل ائیلہر

دوغروداندا صرافین یاراتدیغی غزللر گوزہل، آخیجی، سادہ و اینجہ

دیر. او، آرزو و اومیدلرینی شاعرانہ و ظریف بیردیلدہ اغوز خلقینہ سؤیلہ ییر

من آختاردیم، آراشدیم بیر نگار نازنین تا پدیم

کلون ایمانہ لامذہب لہر، آخرتا زہ دین تا پدیم

ویا خود

طبیبیم قوی منی اوز حالیمہ، درما نیم آختارما

بودرد عشق ایلن اولمک، منہ عین سعادت دیر

دی، گل بیربوسہ وئر، آل جانیمی سن راضی من راضی

مگر حلیت بیع و شری غیر از رضایت دیر

خوشا جانانیلن مشغول صحبت اولدوغوم ساعت

اگر عمریمدہ بیر ساعت حساب اولسا، اوسا عتدیر

صراف اوز دوزلو یاراتدیغی بدیعی غزللریندہ، خلق یارا دیجیلیغین

- دان مہارتلہ استفادہ ائدیپ :

عیبیم آچیلدی، ایندی کی، اولدوم گونوقا را

دورگل قوجا قلاشاق قارادانا وزگہ یو خود رنگ

ویا خود :

کونول بسدور، گوزہل لردن گوتورگوز، ہرزہ گردا ولما

سنی ہریشردہ خرمن گوردوم، اورداد خوشہ چین تا پدیم

صراف عشقہ، شوگی یہ بؤیوک اہمیت وئریروحیاتین اوندان قانیر، صرافہ

گورہ، عومور، یالنیز شوگی دە اغوزونہ معنا و اعتبارتا پیر. او، شوگی سسیز

ياشايشى اعتبارسىز وعزتسىز ياشاماق حساب ائدير :

غلط سۆزدور دئيه هر كيمسه عمره اعتبار اولماز

منيم عمروم ،گۆزوم سن عزتيم سن ،اعتباريم سن

ايكى دونبايه وئرمم بيرسرمويون سنون آخسر .

قاراگۆزلو ،گون و زلو ،دادلى ،دوزلوبيرنگار

يوخاريدا سؤيله ديگيميز كيمي صراف غزل ،رباعى وشعرين ديگر نوع

لريندن باشقا ،اغز مرثيه شعرلرى - نوحه وسينه زن لرايله خلق آراسيندا .

بؤيوك محبت وحرمت قازانيب وانين ياراتديغى جگريانديريجي نوحه و

سينه زن لرى خلقمن دىلى نين ازبرى اولوب وبوتون روضه خوانليقلاردا ،

عزا و ياس مجلس لرينده ،عاشورا و تاسوعا وديگر ماتم گونلرينده ،مسجد

لرده ،حسينيه لرده ،تكيه لرده گئنىش خلق كوتله لرى طرفيندن بؤيوك مقبو-

ليت ايله قارشيلانير .بىزبورادا نمونه اولراق ،جناب ام ليلا حضرت على

اكبر (ع) مين آناسى ديليندن بيرنوحه نقل ائديب ومقاله ميزه صون

قويوروق :

ائدوبدو گول كيمي صدپاره كيم سوگول بدنى ؟

بو حالتون گول ياسيم ،باتيردى ياسه منى

دئيم جفايله سينديرديلار اكر بئليمى

اوغول ،بيلير منيم اوغلو اولن آناديليمى

سوكر آنا بئلىنى نوحوان اوغول اولومو

آنان اولئيدى على ،گورمه ييدى بئيله سنى

نه شور عشق قويا رآه ناله دن اوسانيم

نه گؤز گؤرور كى ،گوروم حالتون ،علاوه يانيم

نه دبز گلبركى ،دوروم بيرجه باشوا دولانيم

آنان اولئيدى على ،گورمه ييدى بئيله سنى

سو قانلو گؤزلرون آج ،ببرجه باخ آنان يوزينه

تا پا تسلى ،بو حالتده بلكه اغز - اغزينه

كئديب حوانى اليندن ،اولوبدو كول گؤزينه

آنان اولئيدى على ،گورمه ييدى بئيله سنى

\* صون \*



یا زان : ساوه نین خرقان بخشی نین بندا میرکندیندن  
بیرینجی درجه لی، عدلیه وکیلی- علی وکیلی  
=====

===== \* ترکمن مختومقلی و ترکمن تلیم \* =====

دونیانین هامی تورک لری کلتی باخیشدا تورک کلمه سی ایله آدلانیب  
لار، تورک لرین بؤیوک - بؤیوک بوداقلاری واردیر کی، اولارین ان بؤیوک  
لریندن بیرسی ده ترکمن لر بوداقلی دیر کی، ایران، تورکیه، قبرس،  
قوزئی عراق و شوروی ده نئجه قومیت و جمهوری اصلا ترکمن لرن دیرلر  
بونلار هامیسی اوغوز تورک لری دیر .

یوخاریدا دئیلن علتله گؤره ده اویشلرده ترکمن مدنیتی نین کؤکو  
بیردیر. آریلیق ترکمن صاییلان تورک لرین دیل باخیمیندان لهجه لرین  
بیر- بیریندن آیران حالدا، گئنه بیرآز تدقیق اولونسا اولارین بیر-  
لیک علامتلیری جوخ تئز اله گله ر .

بو مقاله ده ایستیریگ گون دوغار ایران ترکمن لری نین بؤیوک  
شاعری مختومقلی و گون اورتا ( اورتا ) ایران ترکمن لری نین بؤیوک  
شاعری تلیم خانی و بو ایکی مثل سیز شاعرین شعرلرین بیر- بیر ایله  
مقایسه گؤزوندن کئچیریپ و ترکمن مدنیتی نین بیرلیگینی گؤسته رک .  
مختومقلی فراغی ۱۱۵۳ هجری قمری ده ترکمن ائلی نین گوکلان طایفه  
سی نین گرکز بوداقیندان اولان دولت محمد آزادی آدلای آتادان و اوز-  
گول آدلای آنادان ترکمن صرادا دنیایا کلیب و ۱۲۱۰ هجری قمری-  
اللی یغددی یاشیندا و بیر روایتله یغددی ایل اوندان صوراً آلتیمیش  
دؤرد یاشیندا دنیادان گئدیب دیر و دولت محمد آزادی و مختومقلی ایران  
ترکمنستانی نین آق توقای آدلای محالیندا توپراقا تاپشیریلیبلار .  
تلیمخان دا اورتا ایرانین ساوا شهری نین مزلقان بخشی نین مرغی کند-  
ینده کی ترکمن طایفاسی نین آسگین بوداقیندان اولان بیر تیمورخان آدلای  
کیشی نین نسلیندن، هله لیک دقیقاً بللی اولمایان ائلده دنیایا کلیب  
و بیراوزون کدرلی عؤمور کئچیرندن صوراً ۱۲۴۶ هجری قمری ده آدلای پارل-  
میش مرغی کندینده دنیادا گؤز اورتوب و اوردادا باس دیریلیب دیر .

تلیمخان اوز ائلی و اولکه سینه راجع بئله بویوروب دور :

اولکهمیز "عراق" دیر، شهریمیز "ساوا" \* مزلقان چایی ندان گؤتوردوم هاوا  
عاشیقلا. دردینه ائیلهرم دوا \* من طبیبم هندوستاندان کلیهرم

بیلن لر بیلسین لر، من تلیم خانام \* بیلمه یین لر، بیلسین گوهر کانام  
ساکن "مرغی" اصلی " ترکمانام \* گزه- گزه بو جهاندان گلیسرم  
تلیمخان اوز ترکمن لیگین بیر گوزه للمه ده بئله گوزه چکیب دیر :

دیوانه وار ما دیم اولدوم پریشان \* لاله احمر تک جگریم آلقان  
گروه ناجیم آدیم " تلیمخان " \* غم عصیان منده قویما یب دیر هوش  
هوشوم یوخ مست و حئیرانم \* شاه مردانه قوربانم  
"تلیم خان " اصلی "ترکمانم" \* حق گناه دان ائیله سین بوش  
بیرا وستا دنا مه ده ترکمن تلیم اوستا دلیقیندان بئله گتیریب دیر :

"ترکمن تلیم" چکمه بوجهان غمی \* دنیا دا قالان یوخ گقدرلر هامی  
فلک بیچینچی دیر، بو فلک زمی \* ها بیچر- ها بیچر، بیغار خرمنه  
تلیمخان بیگ بیر تاریخنا مه ده مرغی لیگین بونوع تاریخی ائیدیدیر :  
"تلیمخان" ساکن "مرغی" ایتمیش \* قافله پس و پیش پی در پی ایتمیش  
تاریخ هزارودویست و پانزده ایتمیش \* تاریخدن شمه بیان ائیله دی  
گشه بیر گوزه للمه ده بو یورودور :

امان دیر مروت قیل مروت چاقیدیر \* چوخ مدت دیر گولوم غم دوستا قیدیر  
گوزلرین بیت الله ، قاشین طا قیدیر \* سنگ جمره دیر خال جلجلان

ای عظیم الشان \* یوسفی آلان  
زندانا سالان \* زلیخا نشان  
نادره زمان \* نجف آتلی خان  
قاشلاری کمان \* آدیم "تلیمخان"  
اصلیمیز "ترکمان" \* عاشق فلان  
آغلارام الان \* ای دل نالان

تلیم بیر آیری او گودنا مه ده بئله بیان اقدیر :

مؤمن پوشی چولاندیم \* یئدیم ایشدیم من سولاندیم  
بهشته گزدم دولاندیم \* "ترکمن تلیمخانه" دؤندوم  
تلیمخان قفل بندینی آچان و اونا معاصر اولان بیات جعفر آدیندا بیر  
شاعر دئییب دیر :

مندن سلام اولسون "ترکمن تلیمه" \* حق و شریعتدن گل خبر وئریم  
امر اولدو ابراهیم دوزه لتدی کعبه \* کل شیعه ایچون گلزار نعیم

.....

او، قلم دیر، نفسی یوخ وار دلی \* بیش وقتنه ناما ز دیر باغی بولبللی

قیرخ سککیزهفته دیر، اوچ بایرام گولی \* بیات جعفر الله یولوندا سریم  
مرغی لی تلمیم بیر آیری یئرده دئییر:

قیزیل گوللر خار ایچینده \* "تلمیم"، "ترکمن" لر ایچینده  
یا تمار ایدیم یئرا یچنده \* ایراق یولدان کلمه یینجه  
تلمیم خان گئنه بیر یئرده بوجور کتیریب دیر:

بولبول گولدن اؤترو تۆکر گۆزیاشین \* یان دیریردا غلارین گیا سین داشین  
بو "ترکمن تلمیمین" غوغالی باشین \* آخر سالیر مین سوودایه گۆزلرین  
یا :

اوهندو خاللارین دوروبدور قوشا \* سورمه چکیب آلا گۆزونن قاشا  
"ترکمن تلمیم" گل ائیله سن تاماشا \* گلین چیخیب سئیر گلستان گئنده  
سا والی بؤیوک تورک شاعریمیز بیر گۆزل قوشما سیندا تخلصین  
"ترکمن تلمیم" کتیریب دیر. ملاحظه بویورون :

رسوای خلق اولدوم عالم ایچینده \* نه بیر گۆزل صونیا یارا اولوب منه  
اؤلکه آچدیم کل جهان ایچینده \* بیر قورو گزمه گیم عارا اولوب منه

اول عؤمر ومدن خوش گون گؤرمه دیم \* دنیا گلزارینده بیر گول درمه دیم  
خوبلارایلن اوتوروبان دورما دیم \* ایشیق عالم نجه تارا اولوب منه

اؤزوم ائیلیمیشم آقارلار اؤزوم \* بوفانی دنیا دا هئج گولمز اوزوم  
بی وفا گۆزه لی ایسته مز گؤزوم \* بو گئنلیکده دنیا دارا اولوب منه

من اونو سئومیشم یا خوشی نشاندا \* قولاج قوللار دال گردنه آشاندا  
بولبولودوم گول گؤرمه دیم گولشاندا \* او گولون خرمنی خار اولوب منه

"ترکمن تلمیم" بئله غمدن قوروما \* وار گئتگینن استامبول، اوروما  
طور قورموشدوم طرلان گله طوروما \* طرلان شکاری ده سار اولوب منه

مختومقلی ایله تلمیمخان معاصر اولدوقلارینا خاطر اؤز عصرلرینین  
بؤیوک - بؤیوک اغتشا شلارین و ایرانین یامان گونلرین وهر بیر، بیر  
کؤکلو و مختلف لهجه لی دیللی ایلن گؤردوک لرین نظمه چکیب لر، بییز  
بورادا مختومقلی شعرلرین با جار دیقیمیزدان آذری تورکی لهجه سینده  
چئویریپ و اونلاری اؤزوموزونکولشدیرمیشیک و تلمیمخانین مختومقلی شعر  
لرینه یاخین اولان مضمونلو شعرلری ایله مقایسه ائتمیشیک، مثال اوچون  
دنیا، ترکمن مختومقلی شعرینده بئله تصویر اولونوبدور:

بیر عیبین آی دئیم، سنین اوزونه \* هئچکیم ایله یولا گئتمه دین دنیا  
 اؤنکی گلنلره محبت ائتدین \* صونکی لره نئچین ائتمه دین دنیا  
 ایندی سؤزله کیمی برقرار ائتدین \* نئچه کدخدانی خوار زار ائتدین  
 سلیمان تختنی تارمار ائتدین \* یوسفی قول ائدیپ ساتدیردین دنیا  
 نئبله دین سلطانی؟ اؤلدوردون خانی \* شاه کیکا و سونورستم زالسی نی  
 دئولره حکم ائدن اول سلیمانی \* اولارایلن یولا گئتمه دین دنیا  
 ایگیت گرهک میدان ایچره تک دورا \* اوخ ایلن ایگیده یایلار آتیلا  
 بابا عمر قاچدی بلکه قورتولا \* اونو قاوا - قاوا توتدوردون دنیا  
 مخدومقلی سندن قورخار اوره گیم \* حق یانیندا قبول اولسون دیله گیم  
 حسن - حسین، عرشی کرسی گره گیم \* کربلاده شهید سن ائتدین دنیا

سا والی ترکمن تلیمخان دا دنیانی بئله تانیبیدیر:

بی صفت و بی حقوق سن، بیثری ای دنیای فانی  
 ساغلاما دین اول باشدان، سن اول آدم و حوانی  
 هابیل و قابیلی بیخدین، هانی نوح، آدم ثانی؟  
 شیث هانی؟ نئبله دین اول ابراهیم خلیل الهی؟  
 اسحاقی وئردین فنا یا، اسماعیل هانی قوربانی؟  
 ایوبو محروح ائیله دین، جسمینده کرم اولدو پیدا  
 یونسه شکم ماهی، ائیله دین منزل و ماوا  
 یعقوبی داغ یوسفدن ائیله دین معیوب و اعمی  
 موسایا باغلا دی تهمت، نقیب بی سر و پا  
 چکدیلر آخری دارا، اول عیسای روح الهنی  
 زکریا منشارلادین، یحیانی باشینی کسدین  
 جرجیسین و دانیالین، عجایب ائیله دین قصدین  
 دوقسان اوغلان داغی قویدون، داودون جگرین کسدین  
 کجرو فلک بیر نئچه گون سلیمان سمتینه اسدین  
 آخر داغیتدین باشیندان پری و جن و انسانی  
 انوشیروان و اسکندر، پس هانی حاتم طائی؟  
 افراسیاب و کیکاووس، چوخ ائتدی حق ایله سعی  
 او رستم قهرمانه، ساغلا دین وئرمه دین رای  
 سروران محشر هانی؟ نئبله دین سن شهشایی؟

اسفندیار سیمین تن نئیلهدین تخت کیانی ؟  
 بوز ابگیرمی دؤرد مین نبی ، حمله همت ائدیب گئدی  
 امام ولی رحمن ، اجل شربتینی ایشدی  
 زهر الماس حسن ایشدی نئج اولدو کربلا دشدی  
 "تلیم" دونیا ، انکی کوبدور وفا ایله یینه اوشدی  
 نا مهرباندیر ساغلاماز ، تئز بولاسالار مهمانی  
 مختومقلی گوکلان خانلاری نین دوشگون حالاتی نین آشاغی دا گلن  
 قوشمادا بیان ائدیبدیر :

ای یارانلار ، مسلمانلار \* جبرده بورمهلی اولدو  
 نئحه زحمت حکن خانلار \* جفانی گورمهلی اولدو  
 جهان گئنگدیر ملامت کان \* آرادا قویدو شیرین خان  
 اوستوموزده رحمسیز خان \* بالاخر وورمهلی اولدو  
 آزیبدیر گوکلان خانلاری \* کان گور بیزه بو حاللاری  
 قویمادین سوردو وارماللاری \* گوز تیکیب دورمهلی اولدو  
 "مختومقلی" ایامه حان \* بئلین قورشا گئی قصبان  
 حددن آشدی بو ظالم خان \* آخر تورقورمهلی اولدو  
 تلیمخان دا اؤز شوگی سی مهری خانم فراقیندا و مختومقلی نین  
 یاد اولونان شعرى قافیه سینه یاویق و اونون ردیفینه برابر قوشمانی  
 یارادیبدیر :

گول نئچین آغلاماسن ؟ جانانیم گئتمهلی اولدو  
 دان یئلی نامه گتیرمز غربته یئتمهلی اولدو  
 مجلسینده اولدوم خادیم همین بویودو مرادیم  
 جان و باشدان نرد اوینادیم دوست منی اوتمهلی اولدو  
 گوزوم یوللاری سولاسین دوست اوگون یادی خولاسین  
 غم لشگری دل قالاسین چقویریب دوتمهلی اولدو  
 سگ رقیبیم بیلمز غمک \* حق اونا اولماسین کؤمک  
 یولوندا چکدیگیم امک \* نئیله ییم ایتمهلی اولدو  
 اگر دریادا سن بسدی قوروسون فلکین دسدی  
 باد مخالف بد اسدی \* کشتیمیز باتمهلی اولدو

مختومقلی یارامازلارا راجع بئله دئییدیر :

بد اصله جفا چکمک عبث دیر  
هر نعجه جان چکسن گئده راصلینه  
هر صحرا دا یاتان میت اولارمی؟  
هر ساجین آسديران سید اولارمی؟  
حمزه من دیین لر حمزه یه ییتمز  
هر جامه قره غن جمشیده ییتمز  
ابوطالب اولوب چیخار صراطه  
کؤنلوم ایسته رعرش و ستونده حیاته  
"مختومقلی" دیلین ساغلا دهاندا  
سختور من دیین جوخ دور جهاندا  
تلیمخان دا اولماز ردیغلی شعرینده ائله یو خاریدا گلن مضمونی

بونوع تصویره چکییدیر :

گرگ بیابانی میثرائیله مزلر  
هر الوان چیجکه لاله دئمزلر  
بی صفت کیمسه لر بی اقرار اولور  
باغ اولان مشعر، شمردار اولور  
اوزده هر لکهیہ دئمگ اولماز خال  
بولاق یئردن جوشار گلر ماه وسال  
طویدا غمگین اولوبه هر یاسدا گولمه  
هر مزار اوستونه بورکونو چالمه  
"تلیم" گول حدینه خار نعجه گئده ر؟  
لاچین اووگاهینا سار نعجه گئده ر  
مختومقلی "گلیر" ردیفینده شعرین بئله دوزوبدور :

دولت اله گلیر اولسا  
دولت الدن گئده ر اولسا  
باشدان بورون اوزان گلیر  
ملا ایلن توزان گلیر  
باشین وورسن اگر دانسا  
اول ایشیقہ قیزان گلیر

ایت کوچوگو آتا چکهر  
چشمه قازان سویو چیخیر  
هجران ایراقا آتیلسا  
" مختومقلی " آد توتولسا

لایی گۆرسه دونقوز چۆکسر  
ایستیباونو قازان کلیسر  
اؤلدوررلر قورت دوتولسا  
اول داستان یازان کلیسر

تلیمخان دا مختومقلی شعرینه  
معنالارین بئله سوزوبدور :  
آدم اوغلو اولن وقتده  
دیندیریلر تا پیمان جواب  
جان چیخیر بوش قالار بدن  
بیر یول آچیلسا قبله دن  
آپاریلار دوغرو راها  
تخت قورولور پادشاها  
او گئجه گئده ردی فراش  
نکیر ائلن منکر قارداش  
درسیم دئییلیر دیل لرده  
" تلیم " سنه دار یئر لرده  
مختومقلی نین اؤلومه مربوط اولان  
نظردن کئچیرهک :

اوخشار " کلیر " ردیفلی سؤزوننده  
گۆر باشینا نهلر کلیسر ؟  
گۆزلریندن سولار کلیسر  
امداد اولماز هئج کیمسه دن  
علی دل دل سوار کلیسر  
کعبه کیمین قبله گاهها  
اوندا نه خوش بولار کلیسر  
الینده بیر گرز آتیش  
اوندا نه بد خولار کلیسر  
سرگردانام بو یول لرده  
شاه مردان هاوار کلیسر  
مختومقلی نین اؤلومه مربوط اولان " گره کدیر " ردیفلی شعرین

آمنای صدقنا ، محشر گونلری  
جذر ایله اسر اجل یئل لری  
اجل قارشى گلسه دوغرو دورارسن  
یقه سیز اتک سیز دونو گیسرسن  
منکر- نکیر ، صورار قویما ز خوشونا  
یا خشی- یا مان ائدن ایشین باشینا  
دا بته الارض دوتار باشا قرآنسی  
سئلر- سولار یا غیب دوتار دونیانی

بیرگون آلنیمیزدان گلسه گره کدیر  
جسدن جانلاری آلسه گره کدیر  
قاچما غا بیئرین یوخ کؤکسون گرارسن  
کؤینک سیز اونلارا سالسه گره کدیر  
هئج بیر آهین ییتمز دگره داشینا  
بیربه بیر قاییدیب گلسه گره کدیر  
سیر ائدیب گزه رمیش عالم- جهانی  
گؤرونمز بدعتلر گلسه گره کدیر

.....

.....

"مختومقلی" قالماز، آدام اولمه‌ین  
بودنیادا مستلیک بیله بیلمه‌ین  
تلیمخان دیرلیک شاعری اولدوغونا خاطر او وزن و ردیفی سئوگی  
سینه بیر " بدن نما " شعرى دئمک ایچون ایشله‌دیب‌دیر :

بلقیس تک اوتورموشان تخت اوسته  
قوبنون جنت حوروغلما ن اوطا قى  
قاشلارین قارادبرکییریگین زینى  
حمالین حلاددیر گؤتورسون دبنى  
ایکی جیگین لرین، حنتی گزه‌ن  
بارماقلار قلمدیر، دیرناقلار قطن  
قرالارین آجاق گیلر ائشیدیر  
دیلین شکر، دوداقین قند باشیدیر  
پشتون مبارک دیر تخت سلیمان  
گؤزه‌ل مه‌لرین، میوهء رضوان  
ساجلارین، تۆکولوب‌قده سراسر  
اوسیه تئلرین سونبول تکاسر  
نؤکر اولان آقا قدرینی بیلر  
بولبول گولدن اؤتروچوخ افغان ائدر  
گؤبه‌گین فنجان دیر، او بطن اینجه  
قاپیندا دربانام، اؤزوم قول بچه  
ایکی شئین، دئییه بیلیم بلادیر  
ایکی دیزین ایکی دسته لالادیر  
توپوخلارین گولدور، دابانین گولچه  
خاکی بارماقلارین گؤزومه میلچه  
نور تحلی سن نه عجایب سن  
وفا دفترینی اوخوما ییب سن  
مقاله میزین صونوندا بیر "آیریلدیم، آدینا گؤزه‌ل قوشما مختومقلی  
دان اوخویاق :



تازه گلزاردان آیریلیدیم  
 اول سفور یاردان آیریلیدیم  
 صفاتین سفویلهرم آنجه  
 زولفی قارادان آیریلیدیم  
 جوړو اونون جاننا راحت  
 چشمی قانخواردان آیریلیدیم  
 سیاه ساچی سونبولومسندن  
 شیرین گفتار دان آیریلیدیم  
 گل ای گوزه لیرین خانسی  
 باغچالی ناردان آیریلیدیم  
 صویوق سولو تراولانگلسی  
 نازلی دلداردان آیریلیدیم  
 باغلاردیم شأنینه دستان  
 آلمالی باغدان آیریلیدیم

بولبولام آه و زار چفکیب  
 گوزدن قانلی یاشیم توکوب  
 یارا، یاراشار اوچ موچه  
 آغزی شکر، لیبی غنچه  
 شیرین جاندا یوخدور طاقت  
 قاشلاری فتنهیه آفت  
 آیریلیدیم غنچه گولومدن  
 خوش آوازلی بولبولومسندن  
 دالی گونوم آرزیمانسی  
 سککیز جنتین بوسستانی  
 ائلیری وار دینگی - دینگی  
 ائلی گوکلان، آدی منگی  
 "مختومقلی" عاشق مستان  
 منزلگاهی یاغی بوسستان

ایندی تلیمخانی کامل آیریلیدیم نظیره سی :

من او گلزاردان آیریلیدیم  
 ماه رخساردان آیریلیدیم  
 نشانهی مژگانیدیم  
 یعنی زوناردان آیریلیدیم  
 خال اوزونده دانا - دانا  
 سنین تک یاردان آیریلیدیم  
 گورسن سین شمس درخشان  
 عالی وقاردان آیریلیدیم  
 غم لره اولموشام برده  
 زیبا نگاردان آیریلیدیم

بولبول تک افغان ائیلهرم  
 اولدورور بو غم لرنسی  
 دوستونان جان ها جانیدیم  
 اگر شیخ صنعان اییدیم  
 قوربانام سن تک جانانا  
 عشق منی قیلدی دیوانا  
 آج برقنی آچیلسین دان  
 بیر سنین تک عظیم الشان  
 "تلیم" دوشموشم درده  
 کیمه شکوه قیایم بیرده؟



آذربایجانین بؤیوک شاعری حسین جاویددن :

قیز مکتبینه

- قوزوم ، یاوروم ! آدین نه دیر ؟  
- گول باهار .  
- پکی ، سنین آنان ، بابان وارمی ؟  
- وار .  
- ناسیل زنگینمی دیر بابان ؟  
- اوهت ، زنگین بیگ زاده ...  
- اویله ایسه ، گتیدیگین گتیم نچین بویله ساده ؟  
یوخمو سنین اینجی لرین ، آلتون بیلهرزیک لرین ؟  
سویله ، یاوروم ! هئج سیخیلما ...  
- وار افندیم ، وار ... لکن  
معلم هرگون سویلهر ، اونلارین یوخ قیمتی ،  
بیر قیزین آنجاق بیلگی دیر ، تمیزلیک دیر زینتی .  
- پک دوغرو سوز ... بو دنیا دا سنین ان چوخ سئودیگین  
کیمدیر قوزوم ، سویلهرمی سین ؟  
- ان چوخ سئویگیم ایلکین  
او الله کی ، یخری ، گویو ، انسانلاری خلق ایلهر .  
- صورنا کیم لر ؟  
- صورنا اونون گونده ردیگی ائلچی لر .  
- باشقا سئودیک لرین ناسیل ، یوخمو ؟  
- وار ...  
- کیمدیر اونلار ؟  
- آنام ، بابام ، معلم ، بیرده بوتون انسانلار ...

\*\*\* \*\* \*\*

## تجلیل از استاد شهریار

بقرار اطلاع بمناسبت هشتمین سالگرد زندگی شاعر  
شهریار ایران استاد محمدحسین شهریارمراسمی از چهارم اسفند  
الی هفتم اسفندماه ۶۲ ( بمدت سه شب ) در تبریز برگزار  
خواهدشد . شعرای فارسی و ترکی گو میتوانند يك نسخه از  
اشعار خود را که بهمین مناسبت خواهند سرود بنشانی اداره  
کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی (تبریز) کمیته برگزاری  
سالگرد هشتمین سال زندگی استاد شهریار ارسال دارند تا  
ترتیب شرکت آنان در مراسم مذکور و قرائت اشعارشان داده  
شود.

وارلیق

## توجه

۱ - از مشترکین محترم تقاضا دارد وجه آبونمان یکساله ( یکهزار ریال ) را در نزدیکترین شعبه هریک از بانکها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانک ملی ایران (شعبه داریوش خیابان بهار ) واریز و رسید آنرا بضمیمه نشانی خود بآدرس مجله ارسال نمایند تا در ارسال مجله برای آنها وقفه‌ای روی ندهد.

۲ - شماره‌های گذشته مجله وارلیق را می‌توانید از دفتر مجله تهیه نمایید.

۳ - جلد اول تاریخ ادبیات آذربایجان از قرن ۱۳ تا آخر قرن ۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش» از چاپ خارج شد همشهریهای علاقمند میتوانند از انتشارات فرزانه و یا انتشارات دنیا مقابل دانشگاه خریداری و یا با پرداخت ۳۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله ارسال رسید آن بدفتر مجله یک جلد از این کتاب را تهیه نمایند.

۴ - آذربایجان ادبیات تاریخی نین ۲۰ - نجی عصر فصلینی یازماقلا مشغول اوندو - غوموز اوچون بو عصرده کی یوردوموز آذربایجانین شاعرو یازیچیلاری نین ترجمه حال و اثرلرینه احتیاجیمیز واردیر. بوتون شاعرو یازیچی و آنادیلی ادبیاتیله مار اقلانان همشهریلر - یمیزدن بو باره ده بیزه یاردیمچی اولماقلا رینی و اؤز ترجمه‌ی حال و اثرلریندن نمونه لرله برابر تانیدیلاری دیگر شاعر لریمیزین ده ترجمه‌ی حال و اثرلریندن نمونه لرگؤنر مه لرینی خواهش ائدیریک «وارلیق».

---

---

## وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی و هنری

(به زبانهای فارسی و ترکی)

تحت نظر هیئت تحریریه

صاحب امتیاز و مدیر: دکتر جواد هیئت

محل اداره: تهران، خیابان ولی عصر، کوچه پیدی شماره ۱۷

تلفن } ۶۴۵۱۱۷  
} ۷۶۱۸۳۶

---

---

چاپ کاویان - میدان بهارستان

قیمت ۱۵۰ ریال